ژوندون

مجله هفتگی شنبه ۱۸ عقرب ۱۳۵۳
شماره ۳۳ و ۳٤



سنجی هنر پیشه معروف سینمای هند، رجوع به صفحه (۳۰)

رئیس دولت وصدراعظم وزیر خارجه

امریکا را پذیرفتند. کیسنجر گفت:

به استقلال دوستی مستحکم افغانستان احترام داریم



بناغلی محمد داؤد رئیس دولت‌وصدراعظم هنگامیکه دوکتور هنری کیسنجر وزیر خارجه‌ایالات متحده امریکا را پذیرفتند .

زعیم ملی ما بناغلی محمد داود رئیس دولت وصدراعظم ساعت ۱۱ و ٤٠ دقیقه قبل ازظهر ۱۰ عقرب دکتور هنری کیسنجر وزیر امور خارجه امریکا را برای ملاقات در قصر ریاست جـــمهـــوری پد یــرفتنــد.

دراین ملاقات روی روابط دوجانبه افغانستان وامریکا مسایل جهانی و انکشاف اوضاع در این منطقه مذاکره بعمل آمد.

در مذاکرات از جانب افغانستان دکتور محمد حسن شرق معاون صدارت عظمی ،دکتور عبدالمجید وزیر عدلیه بناغلی وحیدعبدالله‌معین سیاسی وبناغلی عبدالصمد غوث مدیر عمومی سیاسی وزارت امور خارجه واز جانب ایالات متحده بناغلی الفرد اترتین معاون‌وزیرخارجه امریکا در امورشرق‌میانه‌وبناغلی تئودورایلیوت سفیر کبیر آنکشور مقیم کابل اشتراك داشتند

قرار یك خبر دیگر وزیر خارجه امریکا متعاقب مذاکرات ،نهار رابابناغلی رئیــس دولت وصداعظم درقصرریاست جمهوری‌صرف نـــمـــود .

دوکتور هنری کیسنجر قبل از عزیمت از کابل خطاب به جمعیتی گفت: به‌استقلال دوستی مستحکم افغانستان که خصوصیت‌تاریخ این کشور است احترام داریـــم .

وی‌علاوه کرد آنچه درجهان آرزوی مـــا است وجود یك ملت ویك جامعه مرکب ازملل مستقل می باشد که بر آزادی واستقلال خود افتخار کـــنـــد .

موصوف گفت: طی مذاکرات خود بارهبـــران افغانی گفتم آنچه مابه آن عـلاقه‌داریم‌پیشرفت کشور ایشان است. وروابط نیك ایشانرا با همه کشورها استقبال منماییم وتا جائیکه‌به

بقیه درصفحه ٥٤

ابلاغیه‌مشترك

ساعت یك بعد از ظهر ۱۰ عقرب‌ابلاغیه‌مشترکی از جانب افغانستان وایالات متحده امریکا صادر شدکه متن آن از این قراراست.

وزیر امور خارجه امریکا دکتور هنری‌کیسنجر بنابه دعوت حکومت افغانستان بتاریخ‌دهم‌عقرب ۱۳٥۳ مسافرتی رسمی به جمهوریت افغانستان بعمل آورد وطی آن از طرف بناغلی محمدداود رئیس دولت وصدراعظم پذیرفته شده‌بابناغلی محمد نعیم وبناغلی وحید عبدالله معین‌سیاسی وزارت امور خارجه افغا نستان ملاقات نمود.

بناغلی کیسنجر نهار رادر حضور بناغلی محمد داؤدرئیس دولت وصدراعظم صرف‌کرد.

طرفین روی یکعده زیاد مسایل در فضای دوستانه‌ای که ممیزه روابط بین افغانستان و امریکاست مذاکرات صریح بعمل آوردند.این مسایل شامل روابط دوجانبه انکشافات اخیر درشرق میانه وجنوب آسیا پیشرفت در دیتانت بین المللی و علاقمندی متقابله هردو طرف‌برای تامین صلح استقرار وهمکاری در جهان بود.

طرف افغانی نظر وموقف خود را روی یك سلسله موضوعات عمده بین المللی بشمول

بقیه در صفحه ٥٤

تیلگرامهای تبریکیه‌مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که‌ازطرف بناغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم به‌مناسبت روزملی‌ترکیه تیلگرام تبریکیه عنوانی بناغلی فخری کوروترك رئیس جمهور آنکشور به‌انقره مخابره شده است .

بناغلی رئیس دولت طی ایـن تیلگـــرام تمنیات نیك خویش رابرای سعادت وموفقیت های مزید مردم دوست وبرادر ماترکیه ابراز کرده اند .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجـــه اطلاع داد که‌ازطرف بناغلی‌محمد داود رئیس دولت وصدراعظم به‌مناسبت‌جشن ملی‌الجزایر تلگرام تبریکیه عنوانی بناغلی هواری‌بومدین رئیس‌دولت آنکشوربه‌الجزیره مخابره‌شده‌است

ښاغلی رئیس دولت گفتند:

هدف دولت جز رفاه و آرامی هموطنان پیشرفت

واعتلای کشور در پرتو این نظام چیز دیگری نیست



ښاغلی رئیس دو لت وصد راعظم بـــه‌روسای تیم های بز کشی صفحا ت شمال کشور از آرزو مندی های دو لت جمهو ری صحبت می نمایند ·

ښاغلی رئیس دو لت‌و صدرا عظم روز۱۳ عقرب خطاب به رؤسا واعضای تیم هـای بزکشی صفحات شمالی کشور گفتند:

هدف دو لت جمهوری جز رفاه و آرا می هموطنان و پیشر فت‌واعتلای کشور در پرتو این‌نظام چیز دیگری نیست ·

ریاست دفتر ریاست جمهو ری اطلاع‌داد که‌ښاغلی محمد داود رئیس دو لت‌وصدراعظم ساعت ۱۰ قبل از ظهر روز ۱۳ عقرب‌روسا معاونین تیمها ما لکین اسپ‌ها وچاپ‌اندازان تیم های بز کشی ولا یات شمالی کشوررا درچمن قصر ریاست جمهور ی پذ یر فته‌و مراتب رضایت شانرا نسبت به پیشرفت وانکشاف این ورزش ملی‌و باستانی کشور به‌آنها ابرا زفرمودند ·

بقیه در صفحه ٥٤

ښاغلی محمد نعیم‌روی روابط‌دوجانبه ومسایل مهم جهانی واوضاع منطقه بادوکتور کسینجر مذاکره‌نمود

دکتور هنری کیسنجر وزیر خارجه‌ایالات متحده امریکا ساعت ۱۰و۲۰ دقیقه قبل‌از ظهر ۱۰عقرب بانباغلی محمد نعیم‌دروزارت امـور خارجه ملاقات نمود .

همچنان وزیر خارجه امریکا بساعت ۱۰و ۱۰دقیقه بانباغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت خارجه ملاقات کـــــرد .

هنگام ملاقات وزیر خارجه امریکا بـــا ښاغلی محمد نعیم ښاغلومعین سیاسی‌ومدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه افغا نستـــان ،ښاغلی اترتین معاون وزارت خارجه امریکا درامور شرقمیانه وسفیر کبیر امریکا مقیـم کابل نیز حـــاضـر بودنــد .

طی این ملاقات که‌تا حوالی ساعـت ۱۱ ونیم دوام کردروی روابط دوجانبه ومسایل مهم جهانی بشمول‌اوضاع این منطقه مذاکره بعمـــل آمـــــد .



ښاغلی محمد نعیم‌هنگام مذاکره بادکتورهنری‌کیسنجر وزیرخارجه امریکا دروزارت امور خارجه

رئیس دولت وصدراعظم سفرای ایران و سویس را پذیرفتند

بناغلی محمد داودرئیس دولت وصدراعظم ساعت سه بعدازظهر روز ۸عقرب بناغلی جهانگیر تفضلی سفیر کبیر ایران راکه دوره ماموریتش درافغانستان به پایان رسیده است برای ملاقات تودیعی پذیرفتند .

ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاعداد که بناغلی رئیس دولت وصدراعظم ساعت ۱۲ظهر ۸عقرب بناغلی دانیل جاج نی‌بیسن سفیر کبیر غیر مقیم سویس راتیز درقصر ریاست جمهوری برای وداع پذیرفتند .

دوره ماموریت بناغلی نی‌بین هم‌در افغانستان خاتمه یافته است .

ازمناظر سفربناغلی رئیس دولت وصدراعظم دراتحاد شوروی



از بناغلی محمدداؤد رئیس دولت‌وصدراعظم ضمن سفر اخیر شان باتحاد شوروی‌شهر یان ماسکو با حرارت و صمیمیت خاص استقبال نمودند .درعکس شخص دوم‌از طرف‌چپ‌نیکو لای پود گورنی صدر هیات رئیسه‌شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی نیزدیده میشوند .



نیکولای پودگورنی صدر هیات‌رئیسة شورایعالی اتحاد شوروی

ولادیمیر ایلیچ لینن بنیان گذار اتحاد شوروی

بمناسبت سالگره انقلاب اکتوبر

ازطرف‌بناغلی رئیس‌دولت تیلگرام تبریکیه به‌مسکو مخابره‌شده‌است

مدیریت اطلاعات وزارت امورخارجه روز۱۵عقرب خبر دادبناغلی‌محمد داؤد رئیس‌دولت‌و صدراعظم طی پیامی که عنوانی بناغلولیونیدبریژنف سر منشی حزب کمونست، نیکولای پودگورنی صدر هیات رئیسه شورا یعالی‌والکسی کاسیگین صدر اعظم اتحاد جماهیر شوروی بمناسبت پنجاه وهفتمین سا لگره‌انقلاب اکتوبر بمسکو مخابره شده است .

متن پیام تبریکیه‌شاغلی محمدداودرئیس دولت‌وصدراعظم

مسرت دارم تبریکات وتمنیات صمیمانه‌خود، مردم وحکومت افغانستان رابه شما ومردم دوست اتحاد جماهیر شوروی‌سوسیالیستی ابراز نمایم .

باتذکار ازعلایق دوستی و مودت دیرینه‌که‌خو شبختانه بین مردمان مابرقرار است‌و همواره نشانه حسن همجواری وتفاهم‌احترام‌متقابل وهمکاری نزدیک‌ومثمر بین‌هر دوکشور میباشد مایهٔ مسرت است که این مناسبات‌دوستانه طی همین سال بار دیگر در اثر تماس های نزدیک ومستقیم که ازآن‌خاطرات‌نیک دارم بیشتر استحکام یافته است‌وکمال آرزومندی دارم‌که این روابط حسنه وهمکاریهای همه جانبه به‌نفع مردمان هر دو کشور ما وبرای تشید مز ید علایق دوستی بین‌افغانستان واتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وبرای صلح جهانی وامردیتانت بیش از پیش مؤثر واقع شود .

به اغتنام بهترین فرصت نیک مسروم بهترین آرزوی خودرا برای صحت وسلامت شما وبرای ترقی ورفاه روز افزون ملت‌دوست وهمسایه ما اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ابراز نمایم.

محمد داود

مقرریهای‌جدید در وزارت اطلاعات‌وکلتور

باساس پیشنهاد وزارت اطلاعات وکلتور ومنظوری مقامات صلاحیت دار مقرری های آتی درمربوطات آن وزارت صورت‌گرفته‌است.

دوکتور محمد ظاهر صدیق بحیث رئیس نشرات .

بناغلی محمد کاظم آهنگ بحیث رئیس آژانس باختر .

بناغلی غلام حضرت کوشان بحیث رئیس اداری .

بناغلی فیض محمد خیرزاده بحیث رئیس کلتوروهنر .

بناغلی عبدالصمد آصفی بحیث رئیس افغان فلم .

بناغلی محمد حسن فهیمی در بست رتبه دوم بحیث عضو انجمن کلتور وهنر.

تیلگرام همدردی به مسکومخابره شده‌است

یک‌منبع وزارت اطلاعات وکلتور گفت‌که ازطرف پوهاند دوکتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور به‌مناسبت وفات‌میرمن کاترنیا فرستیوا وزیر کلتوراتحاد شوروی تیلگرام تعزیت‌و همدردی به‌مسکو مخابره گردیده است .

وزیر کلتور اتحاد شوروی بتاریخ سوم عقرب درگذشته است .

ادعای پاکستان‌رایک نطاق وزارت‌خارجه‌ردکرد

نطاق وزارت امور خارجه به جواب سوال دباختر آژانس راجع‌به بیانات اخیر ذولفقار علی‌بوتوصدر اعظم پاکستان دربهاول نگرکه طی آن ادعا کرده عده زیادی ازخراب کاران که‌به اتهام پرتاب بم‌در سراسر پاکستان دستگیر گردیده اعتراف کرده اند کـه در افغانستان برای استعمال مواد منفجره تربیه شده اند. گفت چنین اتهامات بی اساس که معرف ناتوانی حکومت پاکستان درحل‌معضلات آنکشور میباشد سابقا نیز چندین‌بار ازطرف مقامات پاکستا نی علیه افغانستان صورت گرفته وافغانستان آنهارا ردنموده بود،یکبار دیگرآنرا عاری ازحقیقت خوانده جدارد‌میکند.

راپور حریق شب ۱۲ عقرب سرای عطاری

بیش از شش ساعت در میان آتش

سه هزار نفر برای مهار کردن آتش مبارزه کردند

...

حریق سرای عطاری را کاملا در کام شعله های خود فرو برده است

...

مواد روغنی و قرطاسیه محتویات سرای عطاری را تشکیل میداد از ینرو آتش برای چندین ساعت هم چنان زبانه میکشید پس از یک مبارزه طولانی بالاخره آتش تحت کنترول در آمد

...

هیات های برای بررسی اموال سرای و تحقیق در زمینه آتش سوزی موظف گشته اند.

آنشب شعله های آتش از فاصله های دور درفضا زبانه میکشد. درآن محدوده همه جا دود بو وآتش ومردم باچهره های حیرت زده بیك نقطه هجوم می بردند جائیکه حریق مدهش ومخوفی بوقوع پیوسته بود.

لحظه ای بعد موتر های اطفائیه باصدای مخصوص که اعلام خطر میکرد بابلندگوهایش فضای شهر راپرکرد.

حریق خطرناکی در یکی از نقاط شهر کابل دریك سرآی عطاری واقع قسمت اخیر جاده نادر پښتون همه چیزرا به آتش کشیده بود.

عمله اطفائیه ولایت کابل پس از اینکه از آتش سوزی در سرای عطاری و قوف حاصل نمودند بیدرنگ به محل حادثه شتافتند وتمام قوا و وسایط ایکه در اختیار داشتند برای مهار کردن آتش بکار انداختند. ولی آتش سوزی خیلی مدهش بود وپس ازاندك مدت شعله های آتش تمام سرای رافراگرفت. برای اینکه درین سرای تماما اموال را مواد روغنی ، قرطاسیه و بوجی تشکیل میداد.

وقتی عملیه اطفائیه یك قسمت آتش را زیر کنترول میگرفتند حریق از قسمت دیگری زبانه می کشید

آنشب باد نسبتا تندی میوزید ودر امر افروختن آتش و گسترش آن در محدوده سرای وسیله خطرناکی به شمار میرفت.

برای مهار زدن حریق همه امکانات به کار گماشته شد ، قوای اطفائیه اردو به کمك اطفائیه پولیس شتافت وبی محابا در اطفاء حریق داخل فعالیت شد .ولی آتش همچنان سرکشی میکرد وچون سیلی اموال وسامان های اطراف خودرا می بلعید بطوریکه درین حادثه چندتن از عمله اطفائیه جراحت برداشت.

درین میانه قوای امنیتی برای حفظ نظم به زود ترین فرصت دست بکار شد و در خطوط معینی محوطه آتش سوزی مرز های انسدادیه تشکیل داد تا مردم داخل ساحه حریق نشوند .قوا همچنان برای کشیدن اموالیکه طعمه حریق نشده بود باما لکان دوکانها همکاری لازم انجام دادندواموال بعضی از دوکانها از سرای بیرون کشیده شد.

مشکل بسیار عمده ایکه هنگام آتش سوزی قوای اطفائیه به آن مواجه بود ،تنگ بودن دروازه ورودی سرای بود که به آسانی نمیشد وسایط ضد حریق بداخل سرای راه پیدا کند پولیس برای اینکه جلو آتش را گرفته باشد از زینه های مخصوص اطفائیه استفاده نموده واز بالای عمارت سه منزله سرای از چهار طرف آتش را احاطه کرد

فعالیت همچنان به شدت ادامه داشت و اطفائیه عسکری و پولیس باتمام نیروئیکه داشتند علیه آتش به مبارزه پرداختند.

ولی آتش سرکش تراز آن بودکه باین زودی ها مهار گردد وبدین ترتیب بیش از پنج ساعت آتش سوزی ادامه پیدا کرد.

مبارزه قوای اطفائیه باآتش همچنان ادامه داشت ودرین نبرد بالاخره قوای اطفائیه پیروز شد ودرست ساعت ده ونیم بجه شب بودکه آتش تحت کنترول اطفائیه قرار گرفت.

وحالا بهتر است قصه این آتش سوزی رااز زبان آمر اطفاییه ولایت کابل بخوانید.

من آمر اطفائیه ولایت کابل راساعت ۱۱ بجه قبل از ظهر روز دوشنبه ۱۳ عقرب یعنی فردای همان شب حادثه پس از زحمت بسیار از میان خرابه ها وسرای سوخته و درهم ریخته سرای عطاری پیدا کردم.

از شاغلی دین کریم می پرسم :

ـ چه وقت آتش سوزی بوقوع پیوست

در حالیکه با پشت دست چشمانش رامی مالد باخنده میگوید :

ـ درست ساعت هفت بجه و سی دقیقه شب بودکه زنگ تیلفون بصدا در آمد وبه اعلام زنگ خطر تمام قوای اطفائیه ولایت کابل به محل حریق شتافتیم

حریق بسیار وسیعی بود موظفین اطفائیه بیدرنگ پست های معینه را اشغال نموده و مشغول فعالیت شدند . ولی آتش سوزی بسیار مخوف بود . برای اینکه تمام اموال ومحتویات سرای را اموال روغنی ،قرطاسیه وصفیده روغنی تعمیراتی تشکیل میداد.

ازطرف دیگر ساختمان سرای عطاری طوری است که بمشکل میتوان داخل آن راه یافت فقط یك دروازه کوچك که دهلیز سر پوشیده ای در امتداد آن قرار دارد ، بداخل سرای سراك میکشد.

ـ چندبجه آتش تحت کنترول درآمد ؟

ـ وقتی متوجه شدیم که حریق مدهش است و دامنه آن خیلی وسیع فورا قوای اطفائیه اردو را به کمك طلبیدیم . قوای اردو فاصله محدودی در محوطه حریق رسیدو درکار اطفاء حریق همت گماشت.

فعالیت قوای اردو در اطفاء حریق قابل ستایش است و تحسین ، واقعا آنها وظیفه خودرا در امر مهار کردن آتش انجام دادند بدینگونه ما توانستیم ساعت ده ونیم بجه شب از چهار طرف آتش را محاصره نموده تحت کنترول در آوریم.

ـ چون باد باآتش همراه بودودر بسیاری از دوکان های سرای گوگرد نیز موجود بود ازینرو وقتی آتش دریك نقطه اندکی خاموش شد آزیك نقطه دیگر بطور مدهشی می جهید ودر فضا بلند میشد . باوجوداینهمه مشکلات قوای اطفائیه اردو و پولیس موفق شددرست ساعت ۲ بجه بعد از نیمه شب آتش را کاملا خاموش سازد.

بقیه در صفحه ٥٤



این عکس منظره است ازسرای عطاری که دراثر آتش سوزی کاملا ازبین رفته وفرو غلتیده است.

ژوندون

۱۸ عقرب ۱۳۵۳ مطابق ۲٤ شوال‌المکرم برابر ۹ نوامبر ۱۹۷٤

فصل سرما ومشکلات مردم

در ممالك رو بانکشاف و ظایف مردم در جهت پیشبرد پلانهای انکشافی بیشتر محسوس میگردد چه مردم درین کشورها مسوولیت خطیری بدوش دارند تا با پشت کاروزحمات خستگی نا پذیر بتوانند فاصله ایرا که میان ممالك انکشاف یافته ورو بانکشاف وجود دارد ازبین بر دارند .

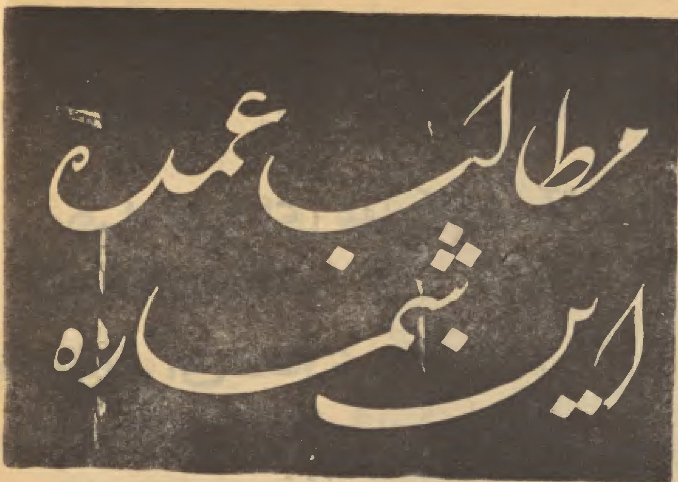
این هدف و قتی میسر شده میتواند که مردم بایك انرژی کامل و عاری از هر گونه تشویش و نا راحتی ناشی از مشکلات اقتصادی از امور محوله خویش وارسی نمایند . منظور از مشکلات اقتصادی همانا احتیا جات اولیه مردم است که باید جدا غوروبر رسی گردد . درین مورد شاروالیها نقش مهمی را دریك کشور ایفا مینمایند . پروگرامهای ښاروالی ها باید طوری طرح گردد که باتطبیق آن اکثریت مردم از نظر احتیا جات اولیه مستفید گردند .

در کشور عزیز ما با روی کارآمدن نظا م مردمی جمهوریت که رفاه و آرا می مردم اهداف اساسی آنرا تشکیل میدهد توقع مردم از ښاروالیها بیشتر گردیده است که البته این توقع مردم ، وظایف ښاروا لیها را بیشتر از هر و قتی سنگینتر ساخته است .

از جمله مسایلی که توجه جدی ښاروالیها را جلب مینماید یکی هم کنترول نرخها است . درین مورد باید تلاشهای پیگیر و همه جانبه مبذول گردد تا سیستم نرخهای ستندرد در کشور بوجود آید . مخصوصا درین فر صتیکه فصل سرما فرا رسیده و مشکلات مردم ما بیشتر گردیده است باید مسوولان ښاروالیها سعی ورزند تا مواد ارتزاقی بمقدار کافی و قیمت مناسب بمردم عرضه گردد زیرا عدم موجودیت مقدار کافی مواد ارتزاقی به قیمت مناسب مشکلات همه مخصوصا طبقه غریب و بیچاره را درین فصل دوچند خواهد ساخت .

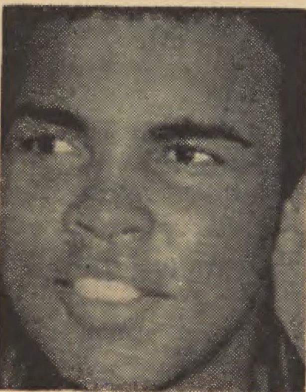
طوریکه دریکی از بحث های « میزمدور ژوندون در خدمت خانواده‌ها» تذکر رفته است سال گذشته درآغاز فصل سر ما یکعده محتکرین چوب وذغال را ذخیره نموده وعرضه این مواد ارتزاقی را در مارکیتها کم نمودند تا در موقع ازدیاد تقا ضا آنرا به قیمت بلندتر بفروش بر سانند . خوشبختانه ښاروالی کابل ازموضوع اطلاع حاصل نموده و جلو این اقدام محتکرین را گرفت .

با یاد آوری این مطلب درین فرصتیکه باز هم ترتیبات فصل سرما گرفته میشود امید واریم ښاروالی کابل امسال قبل از وقوع چنین وقایع داخل اقدا مات شده و بکمك بعضی وزارتخانه ها ،بانکها و دیگر موسسات خیریه مواد کافی ارتزاقی فصل زمستان را تهیه وجهت فروش در مارکیتهای شهر عرضه نماید تانشود که باز هم اشخاص منفعت پرست از موقع استفاده نموده وبخاطر منفعت شخصی خویش منافع عا مه را به خطر مواجه سازند .





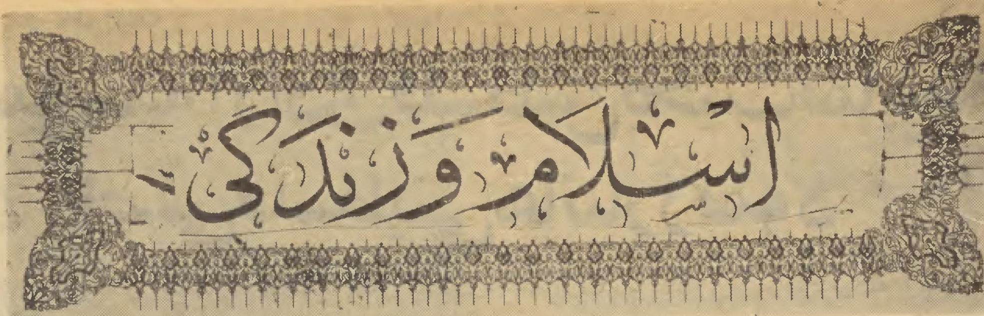
دژوندون گرد میز داکتـــد هار د
کورنیو دپـاره



دربزرگترین نبرد بو کس محمدعلی
کلی بار دیگر قهرمان شد



نخستین جعبه اسرار آمیز ازهده
کشف گردید



پیوسته بگذشته

ارزشهای نظام جمهوری در آئین اسلام

محمد (ص) بد لیل اینکه آ ئین او و سیستم اصلاحی اش انسانیت را به تمام معنی شناخته وتشخیص داده وحق بزرگی بران قایل بود، نخواست اختناق را در میان انسان هاراه بدهد ویا راه و رو شی ر ا بر اساس وصیت نامه و میـراث وتوارث برایشان بقبولاند و بلکـه هرنوع اعمال و طرز تفکر راکه‌متکی بر پذیرشی کهن و بر مبنای‌امتیازات وملاحظات قومی و فا میلی استوار بوده از روحیهٔ ضد انسانی تو؛ رث قدرت سر چشمه میگر فت ، د ر تمام دورهٔ حیات پر مبا رزه اشـس عملا مر دود و غیر قابل قبو ل قرار داد و بمردم گو شزد فر مود کــه افتخار بنام وقدرت پد ران وبمیراث بردن این نام و بالاخره پا فشا ری واستقامت و پیروی از طرزاندیشهٔ نادرست گذ شتگان، بزر گتریــن عامل هلاك و بر با دی گذشتگان‌شما شمـرده میشود شما نبـا یـد در مسیری گا م بردارید که تبا هی و سیاه روزی دیگران را دران راه‌دیده ویا شنیده اید وایـن بذات خـو د درسی است عملی که با یستی هر فرد شما آن را در زندگی و خاصه در مسایل وامور مردم و اجتمـا ع فرا موش ننماید.

پیامبر اسلام(ص)میفرمود گذشتگان گذشتند و تو مار عقا ید و طـر ز پندار و اندیشهٔ خو یش را نیــز باخود پیچیدند و بر دند وامـروز بسوی هدفی دیگر پیش میر و یم، روزی دیگر و آغاز دیگر است و ما هدفی که نه میرائی و نه زادهٔ عقاید وطرز کار و بینش ر فتگان وپندار های کور کورانه است.

پس‌ازحیات پیامبر اسلام(ص)دوره وروز گار دیگری عرض و جود کرد که عبارت بود از دورهٔ خلا فــت وجا نشینی و روز گار انتقـــال زعامت اسلامی به آنها ئیکه سمت پیامبری نداشتند، درین مر حله که واقعا مر حله ای بـــود حسا س و پر خطر، افراد و اجتماع اسلا مــی حلقه زدند و باهم جو شید ند وطی مبا حثات و گفتگو ها اتفاق آرا و قبول عامه بران شد کـــه حضــر ت ابوبکر صدیق (رض) باید مسؤالیت پیشبرد و حفظ زعا مت اسلام ر ا بدوش گیرد از ینرو او را خودمردم درکمـال رضایت بحیث شخصیت دوم جهان اسلام وزعیم فـــداکا ر گروه اسلامیان تعیین کردند.

بروی اصطلا حات امروز با یـــد گفت که این انتخا بـــا ت وارزش گذاری بافکار وار داۀ مرد م را در مورد تعیین ز عیم و متصدی مسایل دین و دنیا یشان اگر دیمو کراتیك اطلاق نمائیم بازهـــم حق آن را ادا نکرده ایم زیرا آزادی رای‌و داشتن حق قضاوت آزاد بـحـدی میسر و فراهم بود.که ارزشمندی و مز یت آن برتروممتازتر از مفا هیم معمول ومعروف دیمو کرا تیك امــــروز بود.

زعیم دوم اسلام که تا ریخ‌اورا بنام نخستین‌خلیفه اسلام ثبت‌کرده است ،کار خـلا فت و تصدی امور مردم را در دست گر فت و سا ده وبی‌آلایش و بدون تشر یفات بود، اونیز مانند سلف بزر گش فقــط برای مردم واصلاح عقاید و ر هبری ایشان در شا هراه زند گی‌مساعی پیگیر بعمل می آورد و هیچگو نــه امتیاز و بر تری را تحت هیچنو ع عنوانی در برابر امـور مـردم و در برابر تامین و بر قراری عدا لت در میان انسان ها قبول نمیکرد .

خلفای چهار گانهٔ اسلام‌وبعبارهٔ دیگر خلفای را شدین هر یك‌دروقت وزمان خو یش بعین همین ر و ش انتخا بات آزاد و دادن حق‌قضاوت آزاد برای هر فرد در مورد شخص نامزد عهده داری و ظیفهٔ خلا فت وزعامت اسلامی بـرا ی پیشبـر د زعامت مردم تعیین گردید و درهیچ مرحله نسبت بهیچکس هیچگو نه سفارش و تو صیه از طرف خلیفهٔ بیشتر راجع به جا نشینش‌صورت نمیگرفت وبدین طریق امور اجتماع ومسایل مردم را بخود شان مـــی گذاشتند تا مطابق و قت و ز ما ن ونحوهٔ پذ یرش و پندار خــو یش شخصی را که نسبت به مو فقیت وی در راه پیشبرد و ظیفهٔ خطیــر خلافت‌وزعامت ،مطمئن باشـــنـد ، آزادانه انتخاب و تعیین نمایند.

باقیدارد

ژوندون شخصیت های بزرگ اسلامی رامعرفی میکند

عبدالرحیم(عینی)از دارالعلوم‌اسدیه‌بلخ

حضرت اسود راعی (رض)

شهرت این صحابه مبارز در آنست که فاصله میان ایمان آوردن‌وشهادتش آنقـد ر مدتی نبود که حتی یك وقت نماز فرضی‌راهم ادا کند یعنی بمجردیکه ایمان آورد وا رد صحنه جهاد شده پیش ازادای کدام نمـــاز فرضی جام‌شهادت نوشید.

این مرد مجاهد که‌نامش اسلم بوده و بعضی ها یسار نا میده اند درعهد پیغمبر اسلام کافر بوده و حضرت رسول علیه‌السلام اورا به اسواد راعی (چوپان سیاه) ملقـب ساختند .

اصلااین شخضیت اسـلا می یعنی اسود راعی غلام حبشی بوده نزدیکی ازیهود یـان خیبر بحیث مزدور شغل چوپانی دا شت . زمانیکه رسول خداعلیه السلام با مسلمیـــن قلعه ها وسنگرها ی خیبر رابـمـحا صر ه داشتند وخواستند آن‌سرزمین را از فســادو پستی یهودان نجات دهند درین اثنا سینهٔ وی باقبول ایـــمان پاك‌وگشاده شد وبه‌نزد رسول خدا (ص) باادب آمد وگفت : ا ی پیغمبر خدا(ص) اسلام رابمن بنماو ... چون رسول علیه السلام هـیچکس را تحـقـیر نمی‌کردند و خصوصا آنانیرا که‌تمایل به‌قبول اسلام داشته‌باشند بیشتر نوازش میکر دنـد همان بودکه مبادی اسلام رابوی عرضه کردند واو بجان‌ودل اصول اسلام راپذیرفته باسینه صاف وگشاد ه شهادت داد که اشهدان‌لااالله الهالله‌واشهد ان‌محمدرسول‌الله.

سپس اسود راعی اشاره به رمهٔ‌گوسفندان نموده به‌پیغمبر اسلام(ص) گفت: ای پیغمبر خدا ! من‌به صاحبان این گوسفندان‌مز دو ر می‌باشم وباگوسفندان چه کنم درحالیکه آنها ازمردم بوده بعضی یك وبرخی هم‌دو ودیگری بیشتر از دوگوسفند نزدمن دارند واین مال ها همه امانت اند. پیغمبر اسلام(ص)برایش فرمودند :رمهٔ‌گوسفندان رااز میان سپاه مـا بیرون کن وباسنگ آنها را بزن وآنها به نزد صاحبان خویش باز خواهـنـد گشت و خداوند (ج) ازگردن تـــوامانت را ر هـــا می‌کند.

وقایع مهم سیاسی هفته

از کاظم آهنگ

مؤسسه آزادی فلسطین بحیث نماینده اصلی فلسطینی ها تبارز نمود

پیروز یها یی که اخیرا یکی بعد دیگر نصیب موسسه آزادی فلسطین شده است نه تنها این امید را بار آورده که آن موسسه یك حکومت جلای وطن را تشکیل داده و بسوی موفقیت های بیشتر در راه احیای حقوق و سر زمین فلسطین قد مهایی بر میدارد ، بلکه این پیرو زیهاسایر کشور های عربی را نیز قدرت و نیروی بیشتر بخشیده است .

نخستین پیروزی موسسه آز ادی فلسطین عبارت است از اینکه این موسسه بحیث نماینده فلسطینی ها دعوت شده است تا هنگا م بحث‌روی مسایل فلسطین در جلسات بیست ونهمین دوره ملل متحد اشتراك کند. این امر با یکصد و پنج رای موافق چهار رای مخالف و بیست رای‌ممتنع از طرف مجمع عمومی ملل متحد فیصله شد ، قابل تذکر است که چهار رای مخالف عبارت اند از اسرائیل، ایالات‌متحده امریکا، بولیویا وجمهوریت دو مینیکا ، غالبا بولیویا وجمهوریت دو مینیکا تحت تاثیر سیاست و اشنگتن بـه دادن رای مخالف پر داخته اند . از جانب دیگر بصورت واضح دیده میشود که در جمله مخالفین این فیصله نامه جز ایالات متحده امریکا دیگر هیچ‌کشور عمده شرکت ندارند، در حا لیکه در جمله آنانیکه رای موافق داده اند از جمله کشور های بزرگ علاوه بر اتحاد شوروی کشور های فرانسه، ایتالیا و جا پان و عده ازکشور های دیگر نیز شا مل اند . و لی در هر حال آنچه در نتیجه این فیصله نامه بائیست گفت این است که تعداد کشور های واقع بین در قبال‌مسایل عمده جهانی زیاد شده است و این خود پیروزی و موفقیت آن سرزمینها ومردمانی میباشد که ظالمانه و غاصبانه در پنجه ظلم، استعمار و تبعیض گرفتار اند .

بهر حال فیصله نامه ملل متحد مبنی بر دعوت از نماینده موسسه آزادی فلسطین برای اشتراك در جلسات ملل متحد ازطرف اعراب به نیکی استقبال شده و بقسم یك پیروزی برای‌آن موسسه تلقی‌گردید. همچنان سایر کشور های‌صلحدوست جهان ازان به نیکی استقبال‌کردند.

هنوز آوازه این پیروزی موسسه آزادی فلسطین از سر زبانها دو ر نشده بود و هنوز مبصران و نویسند گان و سیا ستمداران در اطراف آن‌مطالبی می‌نوشتند وتبصره میکردند که آواز پیروزی دیگر آن موسسه بلند شد . این مو فقیت عبارت از تصمیم کنفرانس سران عربی درر باط بوده است .

سران عرب درر باط بعد از نزاع طولانی و مذاکرات گرم وجدی‌بالاخره به‌یك فیصله مصالحتی نایل آمدند که با ساس آن موسسه آزادی فلسطین بحیث نماینده حقیقی مردم فلسطین شناخته شده و اعلام‌گردید.

قضیه ازینقرار است که از طرفی ملك حسین پادشاه اردن تا آخرین لحظه حاضر نمی شد نمایندگی فلسطین را به موسسه آز ادی فلسطین واگذارد و از جانبی هم یاسر عرفات بحیث ر هبر موسسه آزادی فلسطین این نمایندگی راحق هیچ جانب دیگر نمی داند جزموسسه خودش ، نزاع بین این دو شخصیت عربی بحدی زیاد شده بود که بعضا به مشاجرات شدید لفظی تبدیل میشد .

ملك حسین میگفت که اسرائیل رهایی و تخلیه قسمت غرب رودواردن را در مقابل موافقه ای مبنی بر عدم مخاصمت و عده داده است. هرگاه فیصله بران شود که این سرزمین به موسسه آزادی فلسطین سپرده شود درینصورت اسرائیل ازتخلیه این قسمت انکار خواهد کرد. اما یاسر عرفات در مقابل این استد لال ملك حسین میگفت که اسرا ئیل در هر حال و عده آنرا نداده که گویا حصه های شرقی شهر بیت المقدس را تخلیه کند و از جانب دیگر قتل وکشتار های فلسطینی ها درگذشته همه خاطرات بدی را نزد مرد مان فلسطین باقی گذاشته و مسؤل آنهمه اردن رافکر میکنند فلهذا مردم فلسطین به هیچ و جه نمیتوانند اردن را بحیث نماینده خود بپذیرند.

موقف سایر کشور های عربی در برابر این موضوع روشن بوده است باین معنی که و زرای خارجه کشور های عربی قبل از بر گزاری کنفرانس سران عربی در کنفرانس مقد ماتی شان فیصله کرده بودند که موسسه آزادی فلسطین‌یگانه نماینده واقعی مردم فلسطین است .

بنا بران سران عرب نیز این فیصله را تایید میکردند آنها رویهمرفته راه ایجاد یك نوع‌مصالحه را بین دو جانب تر جیح دادند.بنابر همین امربوده است که نخست از ملك‌حسین دوم پاد شاه المغرب‌بحیث رهبر کشور میزبان تقاضا شد که‌بین آنها میانجی شده و مصالحتی ایجاد کند . در عین زمان سران جمهوریت عربی مصر، عربستان سعو دی ، الجزایر و سوریه مساعی جمیله بخرچ دادند تا راهی در زمینه پیدا شود .

در اثر مساعی و کوشش سرا ن مذکور بعد از جلسه شام سه شنبه سران کشور های عربی فیصله مصالحتی مذکور اعلان گردید ،البته قابل تذکر است که فیصله مذکور در نتیجه گذشتهایی از جانب ملك حسین پاد شاه اردن به عمل آمد.

پاد شاه اردن موافقه کردکه موسسه آزادی فلسطین نماینده حقیقی مردم فلسطین میباشد . و هم موافقه نمود که سواحل غرب رو د اردن بعد از رهایی از طرف اسرائیل تحت اداره موسسه آزادی فلسطین در آورده شود ..

همچنان پاد شاه اردن هم بستگی کا مل خود را با اعراب ابراز نموده وتاسیس دو لت فلسطین را تحت زعامت موسسه آزادی فلسطین‌تایید کرد .

در مقابل یاسر عرفات رهبر موسسه آ زادی فلسطین و سران کشور های عربی از گذشت شاه ار دن به نیکی استقبال نمودند .

(بقیه درصفحه ٦١

دست‌های ما

از: کو هگدا

طوریکه حادثات روحیه مـــا نند اداره ،ادراك و غیره در حســیات پسکو لوژی بشررول مهمی راباز ی میکند همانطور حاد ثات فز یو لوژی از قبیل بعضی حرکات نیز بــرای شناسایی یکشخص ارزش بسزا یی دارد .

تحولاتیکه حیات و هیجانات در عضــلات ، اعضای بدن ، حرکات و سیما بوجود می آورند آنقدر پــارز است که توجه بسیاری از علــمای روانشناسی را بخود جلب وآنها در اینباره آثار خوبی را بوجــود آرده اند که توسط تعریفات ، عــلایم و رسم ها تثبیت کرده‌اند. چنانکه بالا رفتن ابروها، پلك، چشمان وزوایای دهن دلالت بر هیجانات نشه بخشس وبرعکس حسیات حــزن آور را در شخص آماده میکند .

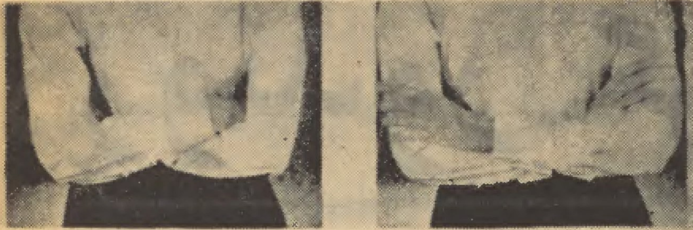
نه تنها سیما و حرکات بلکه هر یکی ازاعضای بدن ما از قبیل دست چشم و غیره به تنهایی خود قابلیت افاده‌ی یك حالتی از روحیه و پاــ لخاصه حس و هیجان ما را دارا می باشد. دلالت وحرکــات عضوی بــر حالات روحی خیلی‌قویست .بنا درین بحث از طرز قرار دادن دستها بــه صورت عادی هنگام صحبت ، نشستن ویا قرار گرفتن در مقا بــل کــسی روانشنا سان‌ثابت ساخته اندکه‌قرار دادن دستان تاچه اندازه‌یی ازروحیه ماحکایه میکند البته این حرکات در مورد خانمها بیشتر صدق میکندحالا به تــصا ویر دقــت کنید کــه تــا چه اندازه دستان ما راز های روحی ما را افشا میکند .

۱ـ هنگامیکه دست راست بالا ی دست چپ طور حلقه زند که دست چپ در کمر و دست راست بالا آن قرار گیرد دلالت بر بد خواهی و یا سؤظن شخص میکند .چنین اشخاص دایما روحیه آرام‌نداشته نسبت‌به‌همه خوشبین نمیباشند آنها زندگی رابه خود تلخ‌ونا گوار میپندارند .

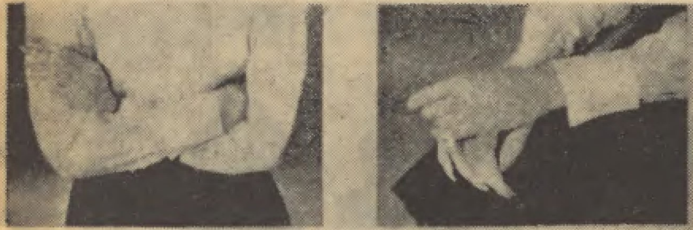
۲ ـ اگر بصورت عالی شخصیکه بمقابل ما قرار گرفته دست چــپ آن بالای دست راست و انگشتــان هر دو دست ببازوان چسپیده باشند گفته میتوانیم که چنین اشخا صــ دایما خاموش و پوشیده بوده بهمه مو ضوعات زندگی نــزد شان راز نهانی بشمار میرود .

۳ـ اشخا صیکه در حالت عــادی طوری قرار گیرند که دست راست شان بالای دست چپ حلـــقه زده انگشتان دست راست در زیر بغـل پنهان وبرخلاف دست چپ بربازوی راست قرار گرفته باشد دلالت بــر تنبلی وبی‌علاقگی شخص میکند .

۴ـ شخصیکه در مقابل ما نشسته و دستان را بر زانوان خویش طوری قرار داده باشد که دست چــــپ بالای دست راست آمده باشد دلالت بر دلسردی شخص نموده احتیا ط شوم تا بیشتر صحبت خویش را با چنین اشخاص ادامه ندهیم زیرا بی مورد است .



۲ ۱



۴ ۳



۶ ۵



۸ ۷

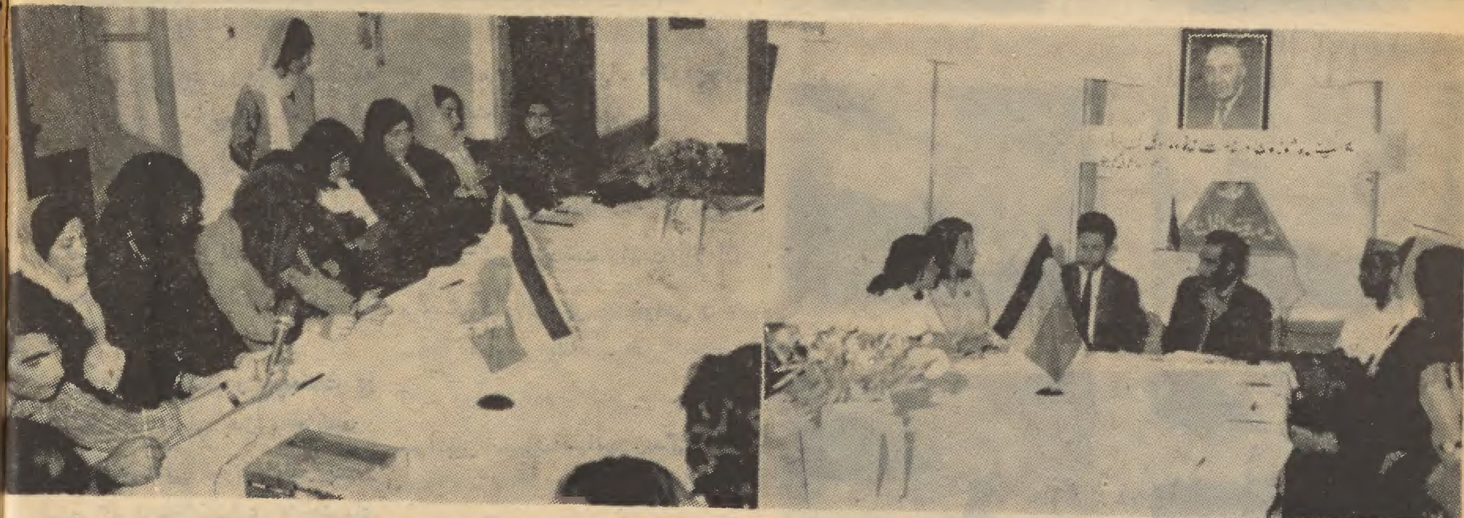
۵ـ اگر هنگام نشستن دست چپ بربند دست راست وبالای زا نو ها قرار گرفته باشند چنین اشخا صــ احسا ساتی مبهــج و تکــان دهنده میباشند . آنها دارای روحیه عا لی بوده صحبت با چنین اشخاص دوام دار و خیلی دلچسپ میباشد .

۶ـ هنگامیکه هر دو دست طوریکه در تصویر ششم مــلاحظه میکنیــد بالای زانوان قرار گیرنداز آزاردگی واعصاب شخص حکایه میکند چنین اشخاص دایما هیجانی بوده هیچگاه از حوصله کار نمیگیرند .

۷ـ اگر دست راست بر مچ دست چپ حلقه زده بالای زانوان قــرار گرفته باشند از تمرکز وحــوا ســ شخص نمایند گی خواهد کرد .

۸ـ بعضی اوقات چنین بر میخوریم که‌شخص مقابل ما هنگام نشستن‌با دست چپ زانوان خودرا محکم‌گرفته و دست راست را بر پشت دســت چپ قرار دهند . چه تصادف نیکی زیرا چنین اشخاص بر خود غالــب و گفتار خودرا سنجیده‌ادامه میدهند و هیچگاه بی آزردن مصاحب خــود نمیباشند .

دژوندون گرد میز د کندهـ



دکندهار میرمنی د ژوندون لـه‌خبر یـال سره د کنـد هـار پـه‌پروبلمونو خبری کوی

تنظیم او لیکنه : درووف راصع.

د ژوندون دمشورتی ډلی تر نظرلاندی .
دکند هار دمیر منو ټو لنی‌دآمری میرمن قمر وکیلی .
دکنـد هار دمیـر منو ټولنـی دمر ستیالی میر من پر ی نا یاب .
دزر غونی انا دتدریسی کادر دغړوگلدستی، زبیدی، جمالی، میرمن‌ماری او میرمن نظیفی .
دملای لیسی تدریسی غـړو :میرمن ملالی ، جهان آرا، او سکینی.
دعینو لیسی د تدریسی غـړ و میرمن ماه گل، قمر پښتون،گل پری، گل پرور ، ثمری اوساجدی او همداډول دزر غو نـی لیسی له ابتدایی ښوونځی څخه دمیرمـن سلیمـی ،میرمن صدیقی معصومی ، صفیـی وارسته او دمیرمنو ټولنی دغـړی‌میرمن نورتن تسلیم په ګډون .
خارنه : دکند هار داطلا عاتـواو کلتور دآمریت او دپوهنی دلو ی مدیریت له خوا .

دکندهار دکور نیو ستونزی په کومو برخو کی‌دی اودسمون لپاره‌یی کومی‌لاری موجودی‌دي .

• • •

دتعاونی موسسو تاسیس‌دکو رنیو دسو کالی په لیاره کی یولوی گام‌دی

• • •

دلویو واټونو په‌غاړه دښونځیو موجودیت د پیسو احتمالی خطرات زیاتوي

ټول مشکلات او ربړی دهیـواد وړل کیږی، لکه څنګه چه په دی‌لړه دټولو ځایونو په څیر زموږ څـوان موده کی دهیواد دبیلو بیلو کو ټونو جمهوری دولت دبنیادی ریفور مونو دخلکو د ژوند پـه‌ټولو اړ خونو کښی له لیاری په پلان شوی ډول له منځه دزیاتو اصلا حاتـو او سـمو نـو شاهد یو .

دادی ویل ستاسو او دوینـا وو لیکل او یاد داشت زموږ .

دکند هار دمیرمنو ټولنی آمـره میرمن قمر وکیلی :

ددی ولایت دکورنیو او میرمنـو له خوا دژ و ندون له منلی مجلی او دکتونکی ډلی له دی جالب ابتکـار څخه چه په ولا یاتو کی یی دمدورو میزو نو دجو ړیدو هڅه کړی، پـه تشکر سره خپله نظریه په لنډه‌توگه وړاندی کوم :

ددی ولایت دکورنیو مشکلا تو په شاوخواکی خصو صا هغه ستونزی چه عامی دی ـ، لومړی دواده اوکوژ دی مساله ده .

دکندهار دکورنیوپه‌تشکیل اوازدواج کی دسرنوشت دحق ټاکل، آن‌ددغه ښار په منو رو کورنیو کی یو ستر مشکل دی ، چه هم دکورنیواقتصاد ته زیان رسوی ، او هم دخوښیـو ولی او ریښی له بیخه و باسی .

پدی ځای کی دهیواد دزیاتـرو ولایا تو په شان نجونی دمیړه پـه ټاکلو کی حق نه لری اوزیاتـره ودونه او کوژ دی دپلرو نو اومیندو دتوافق له لیاری منځ ته راځی . که چیری یوه پیغله و غواړی، چه دخپلی کو رنی دغو ښتنو پـه‌ښه (خلا ف) تصمیم و نیسی اویا و غواړی، چه په خپل سر نوشت کی فعاله بر خه واخلی ،نو دکورنی دنورو غړو لـه شدید مخالفت سره مخا مخ کیږی .

نو ددغه مشکل داصلاح لپـاره له‌کورنیو سره پـه‌دی مشکـل کـی دمرستی دیوی **موسسی** جوړیـدل ، دواده او کوژ دی د دفترو نوجوړیدل **دمیرمنو ټولنی دتبلیغاتی ساحـو** پراخیدل او همدارنگه دخرافاتـی دو دونو د له منځه وړ لو لپاره پـه‌دی سیمه کی **دټولو رو شنفکرانو یوځائی** برخه اخیستل دکورنیو د ستو نزو **په لیری کولو کـی یوه ضـرو ر ی** خبره ده .

همدا ډول درضا کارو میرمنو او دکورنیو دلار ښوونو **دټولنو بر خه** اوونله هم پدی بر خه کی **اغیز** منه ده ، خو پـه‌دی اړ (شرط) چه‌دځانته او خاصو اجتماعی مقرراتو پـه‌وسیله **په پرله پسی او تحقیقی اقدا ماتـو** لاس پوری کړی .

دوهم پروبلم چه زه غواړم هغه ته **نغوته و کړم هغه د ښاری ا ومړنیو** ښوونځیو موقعیت دی :

تاسی پو هیږی . چه په دی ځای **کی یو زیات شمیر ښوونځی پـه** کرایی کورونو کی دی ، چه دغـه کورونه هرو مرو دمزد حمو جادو او **واټونو په غاړه دی، چه دشاګردانو** دوتلو او ننو تلو په وخت کی‌دتصادم احتمالی خطرات موجود دی .

هارد کورنیو په خدمت کی

متر یک اوزان‌دی دپخوانیو تیزو پرځای وکارول سی
اودکندهار ښاروالی بایدد نرخوزیاته‌ځار نه کری

• • •

په کندهار کی بایددفاتحی اخیستلوسالونونه‌جور سی
اوواده اونکاح‌مراسم دی دښاروالی په‌ابتکاراویا دخاصو
مقرراتو په رامنځ ته کولو ستاده سی

• • •

په کند هار کی دعمومی تفریح ځایونو نشتوالی یوه عمومی
دبره‌ده‌دجمهوری دولت بنیادی‌ریفورمونودخلکودژوندانه
په‌تولوخواوو کی ژوربد لون منځ ته راوړی‌دی

دی ، او همدغه چار ددی سبب‌گرځی چه احتمالی خطرات دخلکو ژوند تهدید کړی .

ښاری سرو یسونه کو چنیان په موټر ونو کی نه پرېږ دی او که یی پرېږ دی ، نو دوه افغانی ځینی کرایه غواړی ، حال داچه دماشومانو کرایه یوه نیمکه ټاکل شوی ده .

په شپږمه ناحیه کی چه زه هلته اوسیږم اوزه دلته دشلو زرو تنو په نما یند گی خبر ی کوم هلته و ضعه بلکل خرابه ده، سړك یی خام او کیړکلړی چه دیوه موټر په تیریدو سره ددوه قدمه فاصلی لیدل نا ممکنوی ،نوموږ پدی برخه کی دښاروالی او ترافیکو توجه جلبول غواړو .

او کیدای شی چه دښوونځیو لپاره دمناسبو کورونو ټاکل چه ځه ناخه دفرعی جا دو او واټو په‌غاړه وی ، دغه پروبلم حل کړی ، او په دی توگه دهغو ټولوکورنیو دتشویش او وسواس مخه به‌ونیول شی، چه واړه ماشومان یی ښوونځیو ته ځی، او له دی ناحیی په تشویش کی دی.

گل پرور دعینو دښځینه لیسی ښوونکی :

زما له نظره ددی ولایت دکورنیو ستری ستونځی ،سیمه ییزی حفظ الصحی اوترافیکو ته‌نه توجه‌ده.

تو لی کوڅی‌ناولی‌اوکله‌کله‌بدبوی‌هم لری، او ښاروالی تر اوسه ددی پروبلم په له منځه وړو موفقه شوی نه ده . البته جمهوری دو لت پدی برخه کی هم په یو لړ هڅو گوتی پوری کړی دی ، خو څرنگه چه دښارونو د کا نالیز اسیون چاری دکډ ونو کلو نو خبره ده ، نو زموږ ښاروالی باید ددغو پروژو تر عملی کیدو پوری دښار د چټلیو اوکثافاتو دلیری کولو لپاره جدی کار وکړی .

دترافیکو و ضعه هم ښه نه ده ، خصو صا دسهار او مازیگر په وخت کی چه دخلکو گڼه گوڼه زیاته وی ، پدغه مهال کی دترافیکو نظم ښه نه



دکند هار ښارین دخپل ښارپه‌مهمو پروبلمونو بحث کوی

دافغانستان دکورنیو لپاره ددی اوونی یاداشت:

دکابل دښاری ستونزو طر حه‌او په هغو خبری کول ، دکابل پوهنتون دیو شمیر محصلا نو له خولی دښار دلس گو نو نا حیو په نمایندگی په دغه مجله کی مطرح‌شول ، لکه څنگه چه زموږ هیله وه، هماغه رنگه ز موږ دلو ستونکو دزیاتی دلچسپی او استقبال و ړ وگرځید .

په‌تیره دکابل دښار والی دمسوولینو دفاعیه چه ددغه ډول بحثونو په یوه بله دوره کی په‌هماغه‌ډول منعکس شوه ، موږ ته دا ډاډ راکوی، چه ژ وندون دخپل اساسی‌هدف له مخه ، چه باید دهیواد د کورنیو دمجلی په توگه په خپلومحتو یاتو کی انعکاسی وی ، اوټولیز ژوند را چا پیر کړی .

په دغه توگه دهیواد له گوټ‌گوټ‌نه ژ و ندو ن ته دسل گو نو کورنیو له مینی ډك لیکونه ، چه ژ وندو ن‌داجتماعی ژوند ښوونکی، دټو لیز و ستونزو څرگند وونکی او ددغو ټولوستونزو او ربړو دله منځه وړ لو لپاره ، یوه سالمه ښوو نکی او لارښوونکی مجله ده .

موږ یو ځل بیا ددی جملی په‌تکرارو لو سره چه ژو ندون‌ستاسو اوستاسوپه‌خدمت‌کی ده‌نودخپلوگرانولوستونکو دغو ښتنو ته پیروی چه دهیواد په و لایاتو کی دمدور میزتر شا دولایاتو په ښاری‌پروبلمونو باندی دخبرو اترو دپرو گرا مونودجوړیدو غو ښتنه کړی وه ، نودادی دمدور میز دپرو گرا مونو دجوړو لوپه لړ کی اوس زموږ دمجلی پاڼی دکند هار دنظر دخاوندانو په واك کی‌دی ، ترڅو په دغه مهال کی چه‌زموږ ټولی ملی هڅی دو رو ستی لسیزی‌دپس مانی په لیاره کی په‌کار و ړل کیږی ، په دغو ښاری ستو نزودبحث‌او خبرو کو لو له لیاری‌ور ته دله منځه تلو او حل یوه سالمه لاره‌پیداشی ، بیاهم ز موږ هیله له ټو لو لوستونکو او دنظر خاوندانو کورنیوڅخه داده، چه دپخوا په شان تل دخپلو نظریو او لیکو نو پوا سطه‌له موږ سره پدی لاره چه مو مخکی ده ، مرسته و کړی .

دهغی مینی او همکاری له مخه‌چه له موږ سره یی لری ز موږ تودی هیلی او مننی و منی .

له تا سو ټولونه د ژ وندون دکتو نکی ډلی او مشورتی ډلی په تشکر سره .



په‌کندهار کی دگرد میزدپرو گرام له‌مناظرو څخه یو ه منظره

میرمن ملالی :

زه ددی خور دخبرو په تائید غواړم چه په کند هار کی دمحیطی حفظ الصحی او دکند هار دکورنیو په مشکلاتو رڼا واچوم .

دحفظ الصحی مسایلو ته نه‌پاملرنه کول ، دښاری تنظیفاتو دیوی فعا لی شبکی نشتوالی دناروغیو دپیداکیدو سبب گرځی .

زه یوازی یوه غو ښتنه لرم اوهغه داده چه دکند هار ښاروالی باید تر هرڅه دمخه دښاری تنظیفاتو شبکی ته پراختیا ورکړی ، ترڅو ژوند په ښو شرایطو کی میسر سی او د ناروغیو له احتمالی خطراتو څخه خصوصا په دو بی کی موږ ټولی کورنی له دی نا حیی په تشویش کی یو له منځه یووړل سی .

صدیقه معصومی :

دده خواجه و یا له چه دښار له یوی پر نفوسی برخی څخه تیریږی، نو پدی دلیل چه له استوگنځیو څخه تیریږی، او خلك یاد اړتیا له مخه او یا دصحی تبلیغاتو دنشتوالی له امله ددغو اوبو اضرارو ته پا م نه‌کوی بلکه له دغو ناولو او خوسا اوبو څخه دکالی پریو لو او لمبلو لپاره گټه اخلی، نو داخبره طبیعی ده،چه ټولی هغه کورنی چه له دغو اوبو څخه گټه اخلی ، په راز راز ناروغیو اخته کیږی .

تر اوسه پوری ددی مشکل دله منځه وړو لپاره غوښتنی هم شوی دی چه موږ غواړو دی پروبلم ته پاملرنه و شی ، تر څو دښار ددی سیمی سلا متیا ښه ترا سمبال شی.

صفیه وارسته :

په کند هار کی یو له هغو سترو ربړو څخه دنر خو نونه استقراردی، چه البته دبیو لوړ والی دکورنیو اقتصاد ته زیان رسوی .

ښاروالی له یوی مودی راپدی خوا خلکوته غوړی اوبوره و یشی،خو دغه ویشل شوی بوره او غوړی ډیر لږ هغو کورنیو ته رسیږی، چه داقتصاد له پلوه زهیر دی او زیاته اړتیا ورته لری .

موږ هیله لرو ، چه ژر تر ژره‌دغه ټولیز پرو بلم ته پا ملرنه و شی او نرخونه دبازار له نو سانونو سره مخامخ نه سی.

فاطمه معصومی :

په کند هار کی دکلتوری اوفاتحی دسالو نونو نشتوالی ددی ځای دکورنیو دستو نزو ستره بر خه جوړ وی .

اوس دکند هار کورنی دمړی په وخت کی دی ته مجبوری دی، چه په دود یز (عنعنوی) ډول هم خپل مړی وژاړی ، او هم یو څه لگښتونه په ځان و منی ، چه دغه رنگه لگښتونه یی اقتصاد کمزو ری کوی .

همدارنگه په کند هار کی دواده اونکاح مراسم هم‌ډیر لگښت غواړی، چه دزیاتر و کورنیو له توانه و تلی خبره ده .

حال دا که چیری ښار والی دلته دفاتحی لپاره یو دوه سالونه جوړ کاندی .چه فاتحه هلته وا خیستل شی، او هم دنکاح‌اوواده‌دمقرراتو په تطبیق سره دغه لگښتونه‌هم محدود او دکورنیو داقتصاد په چوکاټ کی یی راولی ، نو به بی له شکه‌دکندهار دکورنیو دعمومی آسوده‌گی په لا ره کی یولړ اغیز من کاروی .

قمر وکیلی :

ددی خبرو په تائید زیا تو م ،چه ددغه ډول ځایو نو دجو ړ ولوترڅنگه باید میرمنو ټولنه خپل تبلیغات‌زیات کړی ، او دخرافی دو دونو دله منځه وړو دپاره باید یوه سیاره تبلیغا تی ډله‌واری ،چه په هغی ټولی منو ری میرمنی برخه واخلی ، اوټولی‌کورنی دنوی ژوند له غوښتنو سره ســـم دخرافی دو دونو په پرینبو و لو کی ورته لار ښوونه و کړی .

میرمن ماریه :

دعمومی تفریح ځایونونه‌موجودیت په کند هار کی یو مهم پروبلم دی، او باید ورته تو جه‌وسی.په کندهار کی دتفریح و سایل ډیر لږ لیدل کیږی، او په ډاډ د اویلای شو چه دښاروالی په پا ملرنه او دخلکو دمرستو په جلبو لو سره دا مشکل له منځه خی .

قمر :

زه غواړم چه ددو مهمو مسالو ته نغوته وکړم،څکه چه په هغو باندی په دی مجلس کی لږی خبری‌وشوی.

لومړی مساله دکند هار دکور نیو اقتصادی وضعی ته توجه کول، اود هغو عواملو پلټل دی، چه ددوی اقتصاد کمزوری کوی، چه البته دا دخلکو دآسوده حالی لپاره یوبنیادی گام دی ، چه البته ددی مجلس په بیلا بیلو بر خو کی پری خبری وسوی.

بله مو ضوع دنساجی ټو کرانو ویشل دی، چه باید دغه ټو کران ومستحقو خلکو ته وویشل سی .

البته اوس په کند هار کی دټوکرانو له ناحیی څخه په مشکلا تو اخته‌دی، څکه داقتصاد د ضعف له پلوه‌مجبور دی، چه و طنی ټو کران رانیسی، نوکه چیری وطنی ټوکران په کا فی اندازه نه‌وی ، دوی بیا دو مره پیسی نه‌لری چه خارجی ټـوکران پـه رانیسی .

دوهمه مساله داده، چه په کندهار کی تر اوسه پوری راکړه ورکړه، په متریکو اوزانو نه تر سره کیږی، بلکه هماغه پخوانی وزنونه دی چه له‌تیرو یا اوسپنی څخه یی جوړ کړی دی او دغه عمل داخیستونکو اعتمادسلبوی او ډیر امکان لری ، چه پلو رونکی ۹۰۰ گرامه جنس دیو کیلو گرام په ځای اخیستونکی ته‌ور کړی .

میرمن پری نایاب ، گلدسته، زبیده ، جمالی، نظیفه ، سکینه ، جهان آرا ، ماه گل، گل پری، ثمره، ساجده او میرمن تسلیم :

دکند هار دخلکو ښاری پروبلمونه که اقتصادی دی یا ترانسپورتی ،یا صحی او یاحفظ الصحوی ، باید پـه دوو برخو وویشل سی، اوله‌دووخوا وو وڅیړل سی.

لومړی هغه پرو بلمونه چه دهغو دله منځه تلو او اصلاح پلانونه زیات لگښت ، ډیری پیسی کافی و خت اوزیات پرسونل غواړی ، اوبی لـه شکه دغه ډول پرو بلمونه دځـوان جمهوری دو لت په بنیادی اصلا حی ریفور مو نو سره له منځه ځی، اود خلکو دژوند په هره بر خه کی بـه دیاد وني وړ بد لون راشی ، لکه‌څنگه اوس سملاسی دخلکو د ژوندانـــه دمشکلا تو یوه ستره برخه له منځه تللی ده .

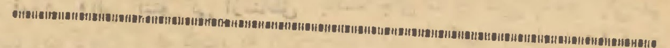
دو همه برخه ستونځی سطحی‌دی چه دزیاتی پا ملرنی او ټـولیزی همکاری له لیاری له منځه خی چـه البته پدی مدور میز کی پدی اصـل باندی ډیری خبری وسوی.

زموږ په نظر یوه اجتماعی‌اوبنیادی اصلاح هغه وخت منځ ته راتلای شی چه عملی او تطبیقی خواوی ولری ،او دټولو خلکو مرسته او همکـــاری وغوښتل سی.

تر څو خلک په‌عامه‌چارو کی برخه‌وانخلی هیچ‌مشکل نه‌حل کیږي اوهیچ یوه اداره نسوای کولای چی بریالی‌واوسی د سیمه ییزو شورا وو جوړ ول دښا ری پروژو په سرته رسولوکی یوه ښه لاره ده

* * *

دکورنیو لارښوو نو او روشنفکر و میرمنو تولنی باید د خرافاتی دو دونو په له‌منځه‌وړلو کی ستر ه برخه‌و اخلی



دښار دسیمو دحفظ ا لصحی په سمبا لښت کی زموږ په نظر دسیمه ایزو شو راگانو راغوښتل‌کولای‌شی له ښاروالی سره پدی برخه کی مرسته و کړی .

که چیری له هری ناحیی څخه څو تنو سپین روبو ته پدی شوراگانو کی غړیتو بورکړل سی ، چه‌هغوی دښار دپاکوالی او صفایی په برخه کی ښاروالی ته مشوره ورکړی، او دښاروالی دبو دجوی امکاناتو په رڼا کښی دځینو کارونو اجراته هڅه وسی، نو پدی صورت کی به نه زموږ ښار دچټلیو او کثافاتو گودام وی ، او نه به ټول کارونه یوازی دښاروالی په اوږو باروی .

که چیری موږ دخپل انقلابی دولت دی یو کلن فعالیت ته نظر واچوو، نو دا په خپله را ښیی ، چه دخلکو حکومت څو مره دخلکو دژوند دښه کولو لپاره زیار ایستلی او نور هم زیات په هاند او هڅه کی دی په کند هارکی دنوی لوی روغتون‌جوړول دښار خلکو ته دصحی اوبو تهیه‌کول په خپله دخلکو دصحت اوسلا مت دتا مین په لاره کی‌ه مهم او ستر گا مونه دی .

همدارنگه په نورو برخو کښی داصلاحی او گټورو پروژو تاسیس موږ ته دیو نوی او هوسا ژ وندزیری راکوی .

په هر صورت دا چه اوس ز موږ مطبو عات په همدی ډول غواړی چه دخلکو له خولی دعینی واقعاتو څرگندونکی وی ، نو دا پخپله ز موږ دیوی واقعی دیموکراسی ښکارندویی کوی .

بله خبره داده، چه ز موږ لاری ټولی سمی نه دی همدارنگه ټرافیك باید دی اصل ته په پا ملرنی سره دتکسی او بسونو چلول هم کنترول اوسم کړی .

ښوونځی باید له لویو واټو نو او جا دو څخه دفرعی سړکو او جا دو غاړو ته راوړل سی .

دنرخو په کنترول کی دخلکو پرله پسی همکاری ته اړ تیا حس کیږی، چه دښاریانو دمرستو ترڅنگه باید ښاروالی منډوی گانی تر خپل کنترول لاندی راولی ، چه البته پدی صورت کی به دغه مشکل ډیر ښه حل سی .

دفاتحی اخیستلو دسالو نونو جوړول ډیره مهمه خبر اوله لومړنیو ضرور یاتو څخه ده چه دکند هار ښاروالی باید ضرورآ ورته التفا ت وکړی او ددی سالو نونو تر څنگه باید دتفریحی سالونونو جو ړولو ته هم توجه و کړی .

دخبرو اترو په دی دور کی هم مهم اصل دادی، چه غوښتنی باید دکیدون له‌پولو وتلی نه وی، نو په دی‌دلیل موږ اد عاکولا ی سو چه پدی مجلس کی‌ویل سوی غو ښتنی هم گټوری دی او هم سالمی، اوزموږ لویه غوښتنه داصلاحی پروژوتطبیق دی .

دکند هار رو شنفکران او میرمنی یوځل بیا دژ و ندون له منلی مجلی څخه تشکر او زیاته مننه کوی .

روف راصع :

په خپل وار سره دکند هار له محترمو کورنیو او میرمنو څخه مننه او تشکر کوی ، چه دژوندون پدی گرد میزکی مو گډون وکړ،او خپلی غوښتنی مو دنیمگړ تیاوو دسمون لپاره څرگندی کړی، زموږ ملی او مترقی نظام، په دی ډیره لږ موده‌کی پدی بریالی شوی دی چه دخلکو دژو ندانه په بیلا بیلو خواوو کی اساسی تحول او ژور بدلون منځ‌ته راولی .

ددی خبری زیاتول هم ضرو ری ابولم چه‌دخبرو دغه دوره په‌کندهار کی دمجلی دمدور میز دپرو گرا مونو لومړنی او وروستی سلسله نه وی، بلکه موږ بیا هم ستاسی اوستاسو په چو پړ کی یو .



په کند هار کی دژوندون د گرد میز یو ه ننداره

خانواده‌ای در گیرودار توفان گردباد

ترجمه: کاونده

هیچ خانواده‌ای نبوده‌است که‌ار چنگال اهریمن گردباد جان سالم‌بدر ببرند ولی این خانواده توانستند..

ساعت ده و سی دقیقه ای صبح تابستان گذشته بودکه من وخانواده‌ام باسواری موتر واگن سبزبسوی تپه های بر کشایر در غرب‌ماساچوست روان بودیم . روز سه شنبه ۲۸ـ اگست بود روزی که هیچکدام از ماسه نفر آن روز و حشتناك و دلهره آور رابدست فرا مو شی نخواهیم سپرد .

سللن دختر هجده ساله ما به سنی رسیده بود که می با یست به مکتب عالی در گرینویچ دا خل شود . شو هرم فرد، و من او را بدانسو میبردم تاچند مکتبرا دیده وبعدا یکی را انتخاب نموده و درآن نام نویسی نماید .

باری سللن از چوکی عقبی موتر صدا کرد :

« اووه، گرم است » .

وبدنبال آن اضافه :

« پدر لطفا سوچ تهویه رابزنید».

فرد اینکار را کرد . سیماب‌حرارت سنج به آهستگی بطرف بالا بسوی درجه ۹۰ فارنهایت بالا می رفت‌وهوا به شدت سنگین و خفقان آ ور بود.

به‌سو پسرم جیو فقری ،اریك و جامی گفته بودم که مابروز جمعه باز خواهیم گشت . جیوف که شانزده سال داشت به من اطمینان داده بود که تا باز گشتم همه چیز را رو براه خواهد کرد و ضرورت نیست تا در این مدت پریشان‌باشم ومی دانستم که راست میگفت .

مادر گر ینویچ کهنه ، دهکده ای واقع در ۲۵ میلی نیو یارك زندگی میکنم ودر آنجافرد درشعبه اعلانات یك فرو شگاه کار می نماید. ماچندین دفعه فاصله‌ی زیبای بین محل ماو بر کشاید را که خیلی قشنگ وپر منظره است و ۱۱۰ میل طول دارد رانندگی کرده بودیم وبه‌سنگ سنگ آن آشنا بودیم .

هیچکدام از ما د راین وقت سال، چنین حادثه‌ی و حشت انگیز وموبر اندام راست کن را که کمتر از سه ساعت دوام کرد ، پیشگویی کرده نمی توانستیم .

زما نیکه من در ماه اپریل گذشته از مصیبت چرخ بادی که یازده نفر را در ایالت مرکزی در هم کوبید ، خواند م برو شنی آن کابوس‌وحشت آور را بیاد می آورم ، ما در چنگال چنین بلایی طبیعی گیر آ مدیم که دانشمندان آن را مصیبت بار ترین پدیده طبیعی که بصورت نا گهانی همه چیز را در هم می کوبد ، نام گذارده اند .

ما به شکلی از این حادثه‌ی محنت بار طبیعی گریز نمودیم و لی بیشتر از ۳۰۰مرد، زن و کودك در گردبادی که در گذشته ایالات مرکزی رادرهم کوبید ، جان ، دادند ، دلم بحال خانواده های آنها ودیگر موجودات انسانی که در چنین حو ادثی گیر آمده اند، بشدت‌می سوزد. زمانیکه وندل فورد والی کنتو کی ازمناطق مصیبت زده دیدن کرد گفت« به این حادثه‌ی غم بار نگریستم ومی‌خواستم بگریم » .

هیچکسی نمی تواند لحظات تکان دهنده ای را که چنگال گرد بادبسر برده است فراموش کند . حتی‌همین اکنون و قتیکه ابر های تو فنده بر کرانه های آسمان نمو دار می شود درد شدیدی سرا پایم را در هم می فشرد .

حادثه‌ی غم انگیز ما حینیکه کمی از شهر نیو یارك دور می شدیم با تاریك شدن هوا آغاز شد .درحالیکه روی سرك ۲۲بطرف شمال می‌راندیم روز به صورت ناگهانی تیره شد . همینکه در حوالی‌شهر ماموساچوست نزدیك می شدیم باران شدیدشروع به باریدن نمود و در افق های دور دست یگان دفعه برقك میزد. چند میل بالاتر فرد جلو موتر را بطرف دهکده‌ی وست ستا کریج برای خوردن نان که بخو بی به آن آشنایی داشتیم گشتاند . ولی صا حب رستوران بما گفت که‌ـ یك لحظه پیش ذخیره آبش قطع شده و تهویه ها هم کار نمی دهد . نا چار فرد گفت که « خیر اس آنطرف تر به محلی که لاری های توقف میکند می رویم ».

باران کمی سست شد دانه های درشت ریگ به اندازه لو بیا شروع بباریدن کرد . فرد در حالیکه از شیشه به بیرون می نگریست گفت: «توفان»بیرون تاریك ترشد ، باریدن سی سنگریزه توقف کرد و باران دوباره شروع به بارید ن نمود واین بار بشدت هر چه تما متر .

لحظه‌ای بعد حینیکه فرد موتر را بطرف رستوران لاری ها که کمی دور تر از سرك ۱۰۲ بود، گشتاند، مسرور شدیم .

اینجا یك رستوران با دو پمپ پطرول بود که لاری ها از آن تیل می گرفتند .

فرد موتر را نزدیك در وازه‌ی رستوران تاجا یکه امکان داشت چسپیده به‌آن متوقف ساخت .با عجله ازموتر پایین شدهوازترس باران دوان دوان داخل شدیم .

بمجردیکه پشت میز نشستیم و فرمایش نان دادیم ، یکی ازآن‌حوادثی رخداد که در غیر آن اکنون من‌زنده نمی بودم . لباس گلابی رنگم بکلی ازباران تر شده بود و نزدیك کولر نشسته بودم که باد سرد می‌فرستاد از پیش خدمت خواستم که اگر ممکن باشد جای ما را تغیر بدهد «بلی می شود» این را گفته و ما را ۱۵ فت آنطرف ترنزدیك کلکین نشاند .

موتر وان چاقی به میز نزدیك ما که خالی بود نشست . ۱۵ دقیقه‌بعد این بیچاره جهان راو داع گفته بود .

نان را فرمایش دادیم و پیش خدمت در آشپز خانه گم شد .

ساعت ۱و ۱۵ دقیقه چاشت بود ولی بیرون مانند شب معلوم میشد، نه تاریك از ابر بلکه مانند شب‌های توفانی ،کمی ترسیدم با هوای بد چندین بار بر خورده بودم و لی اینبار چیز دیگری بود .

بسیاری از مهمانان به سوی کلکین ها هجوم برده بودند تاتوفان را تما شا کنند ، مانیز به آنها پیوستیم . باد که بیرون به شدت می وزید اکنون باران را به صورت افقی مانند ورق کاغذ می راند ، ترسم بیشتر شد و بسوی میز باز گشتم به سللن گفتم: «چنین منظره ای را دیده نمی توانم » . و او نزدیك‌کلین درحا لیکه چهر ه اش رامحکم به شیشه ی‌آن چسپانده‌بود. ایستاد. فرد بیرون رفته بود تا ببینند که‌آیا شیشه های موتر را بالا کرده است یانی . بعد تر ، برایم‌گفت که او می دید که چگونه تانك ٥٥ گیلنه دیزل روی سرك کشیده می شد .

لحظه ای بعد فشار سنگینی بر بدنه‌ی موتر ما وارد شد ، نا گهان دروازه باز شد . فرد و مرد دیگر هر قدر سعی کردند که دروازه رابسته کنند زور شان نرسید .

در داخل اتاق زن دیگری نیزتنها پشت میزی نشسته بود چشمان ما بهم تلاقی نمود و این کلمات« این رانمی خواهم» از دهانش بیرون‌شد. ولی هنوز آغاز کار بود .

باد در بیرون ناله می کشید و ناگهان صدای قویتر از آن رویم را بطرف سقف کشاند ، آنجا چیز وحشتناکی دیدم .

سقف رستو ران شکاف برداشته بودو لحظه به‌لحظه ستون ها از هم دور می شدند و بعد ابر تیره‌ی گردباد در حالیکه با نیرو مندی چرخ می خورد، به صورت مستقیم بالای سرم قرار داشت ، بعد تر فهمیدم‌که سرعت آن ۳۰۰ تا ۵۰۰ میل در ساعت بود . با م لحظه‌ای بعد مانند چتری بهوا پرید .

در همان لحظه باد به هر سو ی تعمیر فشار وارد می کرد . دردروازه فرد بعد ها گفت که مانند اینکه با ریل سریعی بر خورد کرده باشم باد وزید ، خود را روی کف اتاق یافتم. صدای زو زوه باد گوش هایم را خراشید . تمام جانم زیر باران سنگریزه بشدت درد میکرد . بعدتر، فهمیدم که گرد باد بعضی ازساختمان ها رابخاك یکسان نموده بود .

نزدیکم ، زنی را دید م که‌بیشتر راجع به او حرف زدم ، اکنون اورا در آغوش خود چسپیده بهم دیگر یافتم . فریاد او از صدای باد هم بلند تر شد « خواهیم مرد، خواهیم مرد ، خواهیم مرد» او را تسلی می دادم و لی گفتم که همه چیز درست خواهد شد و بزودی نجات خواهیم یافت .

در حالیکه ازترس حادثه خشك شده بودم فکر کردم که زن درآغوشم دخترم سللی است . بیاد دارم که چندین بار نا مش را گرفتم .

ولی سللن کجا بود؟ ممکن او در گوشه‌ی اتاق قرار داشته و از شیشه کلکین می نگریست ، نا گهان‌وقتیکه دیوار ها از دو طرف شروع به غلتیدن برویش نمود و او زیر یك ستون آن در گوشه‌ی اتاق نجات‌یافت مگر بعضی جا های بدنش خراشه برداشته بود .

وفرد ؟ مردیکه با او در بستن دروازه‌ی موتر کمك میکرد نا گهان زیر ضربه ی قرار گرفت. فرد سعی کرد او را بگیرد و لی بزودی او را مانند پر کا هی بهوا برد ، درپشت فرد ، یك تعداد دروازه های درون از جای هایشان جدا شده و روی هم کو بیده شد .

– گفتم « بیرون» و لی جاییکه‌برای نان خوردن داخل شدیم اکنون‌وجود نداشت . و به انبو هی از خاك و سنگ بدل شده بود ، با م بهواپرید بود ، دیوار ها ودروازه هافروغلتیده بودند مانند اینکه بمب سنگینی هم جارا در هم کو بیده باشد .

صدای باد کر کننده بود، باران سنگریزه ها از هر طرف می‌بارید، با ران سیل آسا به پنا گاه ماراه یافته بود . و از شدت باد میز چپه شد .

و دفعتا مانند اینکه دستگاه تلویزیو نی را سوچ کرده باشد ، صدا ها خا موش شد و خا موشی سنگینی همه جا حکومت کرد .

صدای سالن‌خاموشی راشکستاند «مادر! خوب هستی ؟» به اطراف میز نگریستم و دیدم که از توده‌ی خاك می بر آید . دامن پاره پاره اش بکلی کثیف شده بود .



خانواده‌ی فرد بعداز حا د ثـه‌وحشتناك تو فان گرد باد

بعد ، ۲۰ فت دور تر، صدای فرد بر آمد « خدا را شکر که هم خو ب هستید ». لحظه پیش اوروی توده خاك کشانده شده واکنون به آهستگی سوی ما می آمد.

به صورت عجیب درآن لحظه احساس ترس‌نمودم ،ممکن‌بخاطری بود که این حادثه مصیبت بار آنقدر سریع و غیر مترقبه بمیان آمده بود که فرصت ترس را برایم نداده بود زیرا این تو فان فقط در ظرف سی ثانیه ویرانی آ فریده بود .

بصورت فوری احساس خو فی نمودم . بعد از لحظه ای بکس کتابم را یافتم ز نجیر آن را بستم و در حالیکه آن را زیر بغل داشتم برآمدم از کس دیگر اطلاع نداشتم ، جز خانواده ام .

از تو فان بر آمدیم ،و لی خطر دیگر رو برویما قرار داشت .

در بیرون ، تازانو در آب غرق شدیم . باران هنوز می بارید و لی کمی آرام شده بود. گاه گاهی بر قك آسمان را روشن میکرد . فرد سعی میکرد آهسته حرکت کنیم و بعدعلت آن را فهمیدم . پمپ های پطرول از جای شان کنده شده و تانك ها دیزل چپه شده بودند . اگر بر قك به‌تانك ها تصادم میکرد آ تش خیزی‌وانفجار ما را نا بود می‌کرد .

فرد که در این راه تجربه داشت راه درست نجات را می دا نست وبه همین دلیل بطرف پنا گاهی دویدیم . و با من دوزن دیگر هم بود .

سللن پیشا پیش ما می رفت ، نا گهان بسرش صداکردم «صبر کو» چند قدم آنطرف تر سیم ها برق کنده شده و رو ی زمین افتاده بود ممکن برخی از آنها برق داشته باشد .و تماس با آنها در این‌فضای ترهمه چیز رانابود میکرد. دایر ه طولانی ای به اطراف سیم نمودیم‌ویا دقت پیش می رفتیم ، نا گهان‌سللن چیغ زد .

« آنجا بچه ای است، بچه‌کوچکی اوه ببینید .»

دویدیم . یك جسم سیاه ر وی زمین دراز کشیده بود ، دست ها وپای هایش مانند گدی گگی به اطرافش افتاده بود .

بیهوش بود و به شدت ازاش‌خون می‌ریخت، هنوز زنده بوده کمی دور تر مردی نیز بیهوش افتاده‌بود. او نیز به شدت زخمی بود ، بعدتر دانستیم که آنها پدر و پسر بودند که‌از درون لاری ای به‌بیرون پرانده شده بودند ، فرد به کمك مرد شتافت . لحظه‌ای بعد یك موترسیاه از آنطرف جاده آمد، بچه ای به‌سن ۱۹ ساله با دختری ازآن به بیرون خیز زده و بکمك آمدند. فرد برای شان گفت :

« ای بچه به شدت زخم برداشته است . باید اورا به زود ترین و قت به شفا خانه برساند » . فرد و مرد جوان بچه را به آ هستگی از زمین بلند نموده به چوکی عقب موتر خواباند .

به آ هستگی ناله می کرد . دختر جوان از دیدن خون ریزی بچه گگ رنگش پرید .

آنها موتر را بسوی شفاخانه پیتسفایلد که ۱۵ میل دورتر بود ، راندند .

موتر دیگری بد رون‌آمد و ازبین‌آن یك مرد جوان که ریش و بروت‌داشت بیرون پرید و همراهش یك طفل ۱۵ ساله بود . پرسید «چه شده است؟»

« می توانیم کمك کنیم » آنها با دقت به فرد نگریسته پر سید «خوب هستی ؟ » جواب داد « نمی دانم» . در این لحظه جسد قربانیان دیگر را از تل خاك بیرو ن کردند. فرد ، مرد جوان وبچه به کمك آنها شتافتند .

بعد کمك زیاد تر رسید .

لحظه ای بعد مرد جوان ازسوی ویرانه ها بر گشت و گفت :

« بهتر است شو هر ات را به شفا خانه ببریم . اوبشدت زخم بر داشته است)) .

برای اولین بار دانستم که فرد به شدت زخمی شده است . به او نگریستم .

پتلون طلایی‌رنگش‌پرازخون‌بود. ولی هنوز اصرار میکرد. « خوب هستم . مردم های دیگر نسبت بمن بیشتر به کمك نیاز دارند »وشروع

بقیه در صفحه ٦۱

هلمندشهر سپیده‌های روشن، طلای س

شهری که کویرهادر آن رنگ باخته اندوسرابها مفهوم خودرا ازدست داده‌است

(بکوا)این کویروسیع که‌در جریان قرنها‌هرگز شاهدرستن بوته‌ای‌جزخار درآغوش‌خود نبوده است حالا مرکز کار و تلاش‌است، به نوید‌آینده های روشن و وفور نعمت

کارگران شریفی که‌درزیر آفتاب سوزان‌این **منطقه کشور** مابرای فرزندان این مرزوبوم **کارمیکنند** ،اطمینان دارند که‌ثمر ومحصول **زحمات شان برای خودشان** است ودرخدمت **اکثریت مردم نیازمند** شان ۰

همه جاآب است وخاك است **ورنگ** سبزی‌که هرروزبیشتر دامن‌گسترده میسازد،همه‌جا کار **است وکارگران** شریفی‌که‌در زمین خودوبرای رفاه هموطنان خود زحمت‌میکشندوهمین است که چشم‌اندازوآیندهٔ بهتر رابرای ماميگشايد **ومژده آینده روشن رابفرزندان** این آب‌وخاك **میدهد** ۰

پخته **طلای** سفید است طلایی که‌بنیاد **اقتصاد ملی مارا** مستحکم ترمیسازد وسپیده هارا روشن تر بروی ما میگشاید ۰

اکنون باستفاده ازاین ماده حیاتی نه‌تنهـــا چرخ‌های نیرومند فابریکه‌های بزرگ نساجی کشور می چرخد. بلکه باتهیه‌روغن‌نباتی‌نیاز **مرد مابیشتر رفع میگردد** واسعار زیادی بنفع ماذخیره میگردد ۰

کارخانجات بزرگ روغن سازی هلمند برای این شهرتازه سازشکوه وجلال بیشتری‌بخشیده **اند.وبه همین دلیل** نیزماطی راپوری ومصاحبه گونه‌ای باگردانند گان‌این فابریکه خواننده‌گان خودرا درجریان فعالیت های مثمر و بـــا ارزش این کارخانه بزرگ وعظیم میگذاریـم **ازشاغلی رئس فابریکه هلمند** خواهش‌میکنیم پیرامون موسسه وفعالیت آن‌شرحی بگویـد واو پاسخ میدهد :

ـاین موسسه که‌درسال ۱۳٤۲تاسیس گردیده **است امروز گرداننده** وفابریکه بزرگ هلاجی **وروغن سازی** ودستگاههای کمکی آن‌میباشد **،خریداری پنبه‌دانه**،دار جن‌وپرس آن به‌غرض **تولید محلوج استحصال** روغن ازپنبه دانـه **ومحصولات فرعی مانند** کنجاره پوستـك و صابون وعرضه وتولیدآن ببازار های داخلی وخارجی از وظایـــف عمـــده این موسســه بوده وعلاوه ازدو دستگاه بزرگی که **ازآن‌نام گرفته شد دستگاه تولید برق ،دستگاه تولید** بخار ،دستگاه تصفیه آب ،ودستگاه تولیـد هایدروجن ازآب نیز **جزودستگاههای الکترـ ولیز موسسه ودستگاه صابون سازی میباشد**۰

ـمیتوانید معلومات دهید که‌ظرفیت ایـــن دستگاه‌ها بچه پیمانه میباشد ؟

ـدستگاه حلاجی میتواند در۳نوبت کار یعنی درمدت ۲٤ ساعت ۱۲۰ **تن‌پنبه‌دانه‌دارراحمل کرده درحدود ۳٦ تن‌پنبه** محلوج پرس شده **تولید نماید** ۰

دستگاه تیلکشی درمدت ۲٤ ساعت از٥٦تا٦۰ تن‌پنبه دانه راحمل نموده واز آن **بیش** ازده تن تیل خام استحصال میگردد ۰

هم‌چنان دستگاه تصفیه در۲٤ ساعت وسـه **نوبت** کارازمقدار ده تادوازده تن تیل خـام **٥ر۸ تاده تن‌روغن تصفیه** شده جامد ویامایع **استحصال مینماید فابریکه‌دارای** سه جنریتر **برق هریك به‌قدرت پنجصد** کلیوات میباشد **که‌دوجنریتر فعال** بوده وجنریتر سومی برای مواردی است‌که‌یکی‌ازجنریترها ترمیم‌طلب‌باشد

ـمیزان تولیدات فابریکه **بچه پیمانه است** وآیا جوابگوی ضرورت **همگانی میتواندباشد** یاخیر؟

ـمیزان تولیدات مستقیما **متناسب است** بمقدار **مواد** خام مورد ضرورت فابریکه ۰ **باآنکه باساس طرح پلان‌دوم اقتصادی** کشور **میبایست باافز ایش حاصلات** پنبه درکشور **فعالیت** این دستگاه بحد اعظمی رسیده‌واز **عطالت** آن جلو گیری می‌شد مگر متاسفانه **این مامول** برآورده نگشت‌تااینکه بارفارم‌های اصلاحی دولت جمهوری وبااساس گذاشتن. **یك** روش‌زراعتی‌سالم میزان‌تولید واستحصال **پنبه درکشور افزونی گرفت** وبه ۲٥۰ر۱۱تن **رسید که‌معادل نصف ظرفیت فابریکه میباشد**

وباتجاویز سودمند ی‌که شده ومطالعاتی که صورت گرفته میزان تولید پنبه حتی ازمیزان ظرفیت فابریکه نیز زیادتر شده وبه‌همیـن دلیل نیز همین اکنون **مطالعات مقدماتـــی انکشاف فابریکه سردست میباشد** ۰

ـشرایط خرید پخته چگونه است دردهـــه **گذشته ازطرز پیش آمد** وپالیسی خریـد فابریکه شکا یاتی مطرح میگردید ، آیایقین دارید که خرید شما منضمن نفع‌دهقان‌پخته **کاراست یاخیر** ؟

۱ـ پنبه دا نه دار مستقیما از مو لدین خریـــداری میشود و دست دوم دران راه نـــدارد ۰

۲ـ برای شناختن زارعین کارت هو یت از طرف موسسه داده شده که فوتوی زارع یا ز میندار نیز دران نصب است ۰

۳ـ قیمت پخته پس از سورت و ز ن وتهیه سند خریداری متصل **تحویلی‌به زارع** پرداخته میشود و یك نقل صورت حسا ب نیز به هر زارع داده میشود ۰

٤ـ قیمت کودکیمیاوی ، گندم،ادویه‌پول نقـد. تقـاوی و سایـر قروضیکه بـدهقان داده شده از قیمت پخته وی وضع میشو ۰

٥ـ در جلب و رضای د هاقین ازطرف منسوبین موسسه خیلی کو شش میشود ۰ چنانچه زارعین این و لایت وولایات‌همجوار در قسمت تحویلی‌پنبه و معاملهٔ شان بااین موسسه کمترین شکا یت را نداشته ا ند **وشکایت هم اگر** باشد از جانب اشخا ص است که میخوا هند بااعمال نفوذ و دسیسه **از موسسه قروض نقدی و جنسی در یافت** کنند و آنرا نپر دازند تعداد اینگو نـــه اشخاص در گذشته خیلی زیاد بوده‌و هنوزهم مبالغ هنگفتی **ذمت ایشان** باقی مانده است ۰

ـ از پنبهٔ محلوج در کدام موارد استفـ میگردد و آیا از این ماده بخارج هم صادر میگردد یا خیر ؟

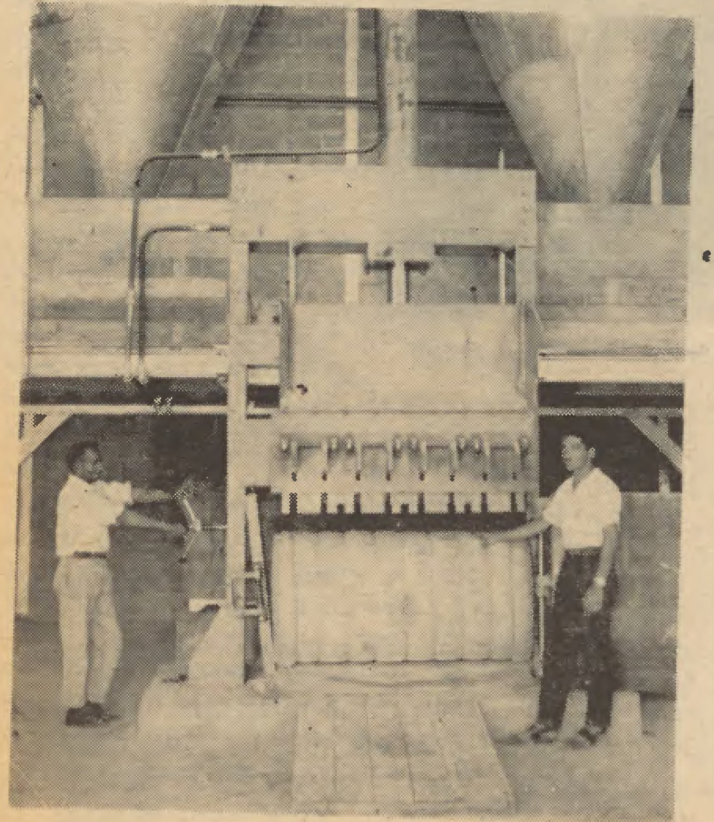
ـ پنبه محلوج که در دستگاه حـلا جی **این مو سسه تو لید میشود مانند تو لیدات** سایر فابریکه های مملکت دو مورد **منبع‌مهم** مصرف دارد ۰

۱ ـ صنایع نساجی دا خلی ۰

۲ـ صادرات بخارج مملکت ۰

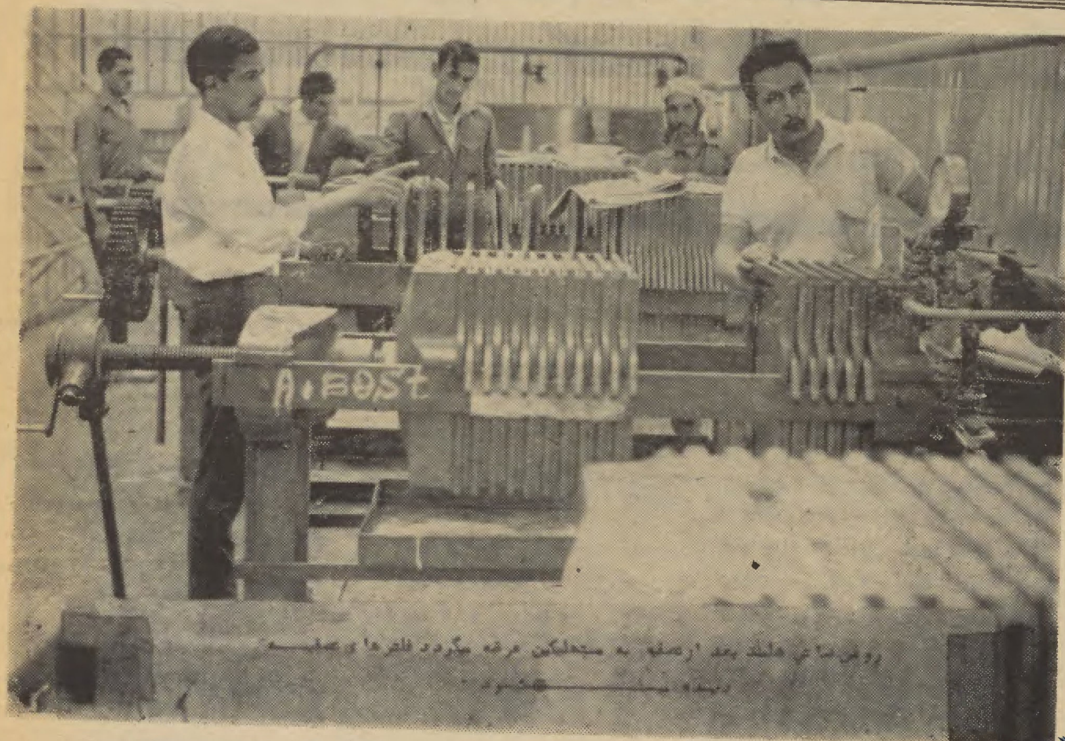
طوریکه گفته شد **چو ن تولیدات پنبـه** محلوج این موسسه به نسبت قلت مـوا د خام در سنوات قبلی خیلی نا چیز بـو ده بنابران قسمت عمدهٔ آن به فابریکه هـای داخلی مانند **نساجی افغان و نساجی بگرامی** تحویل داده شد و یك مقدار محدود آ ن بغرض تامین اسعار مورد نیاز بخارج صادر گردیده است ۰

درسال ۱۳٥۲ که ریکارد حا صلات‌پنبه



دستگاه عدل بندی پخته

سفیدودشت‌های گسترده سبز



روغن سازی هلمند بعد ازتصفیه به [illegible] عرضه میگردد [illegible]

در هلمند شکست و مقدار (۱۱۲۵۰) تن پنبه دانه دار بدست آمد محلوج حاصله ازان که به (۳۴۸٤) تن بالغ می‌گردد درحدود (۱٦٤۸) تن آن به نساجی بگرامی تحویل داده شد و قرار است (۱۵۰۰) تن‌عنقریب به اتحاد شوروی صادر گردد .

- پرسشی طرح میگردد وآن اینکه در صورتیکه فابریکه های داخلی بالاترین نیاز را به پنبه محلوج و پنبه دانه دارند چرا بجای استفاده از آن در این فابریکه ها بکشور های خارجی صادر میگردد ؟

- جلب اسعار خارجی به منظور تحکیم زیر بنای قوی تربرای اقتصاد ملـــی ما بزرگترین دلیل این اقدام است ، از آن گذشته در سال گذشته یعنی در جریان اولین سال استقرار نظام نو کشور همان طوریکه به بخش های عمده زیربنای‌اقتصاد توجه عمیق گردید برای تولید بیشتر پنبه نیز فعالیت مثمری صورت گرفت تا جایکه میزان تولید از میزان ضرورت فابریکه های داخلی افزونی گرفت و البته بازهم باساس طرح هاوپلانهای [illegible] هم سطح تولید و هـم حجم صادرات [illegible] بخارج افزایش خواهد یافت .

- در مجموع در جریان [illegible] میزان تولیدات شما [illegible] است ؟

- ۹۲۰ تن‌روغن ،۳هزارتن کنجـــاره پنجصد هزار قالب صابون و یکصدو نود و چهار تن لنتر درسال گذشته دراین‌فابریکه تولید گردیده که به تناسب تولیدات سال ۱۳۵۱ تا سه صد فیصد افزایش یـــافته است .

- برای انکشاف بیشتر فابریکه وبلند بردن سطح تولیدات آن تا جاییکه بتواند جوابگوی نیاز مندی های عموم می باشد . چه‌طرح وپروژه‌ای دارید وبکمك کــــدام منابع آنرا تطبیق می‌کنید ؟

همین اکنون به توجه دولت جمهوری میزان حاصلات پنبه هلمند تاجای بلندرفته است که از میزان ظرفیت فابریـکه بیشتر میباشد، برای‌توسعه وانکشاف بیشترفابریکه وبکار انداختن فابریکه های مشابه درسایر حصص این ولایت مطالعاتی روی دست است و برای تحویل پولی آن نیزاقداماتی صورت گرفته که درهمین زمینه می توانم از یك ملیون پوند استرلینگ دولت انگلستان نام ببرم که همین اکنون مطالعه چگونگی استفاده از این قرضه در وزارت معادن و صنایع دوام دارد .

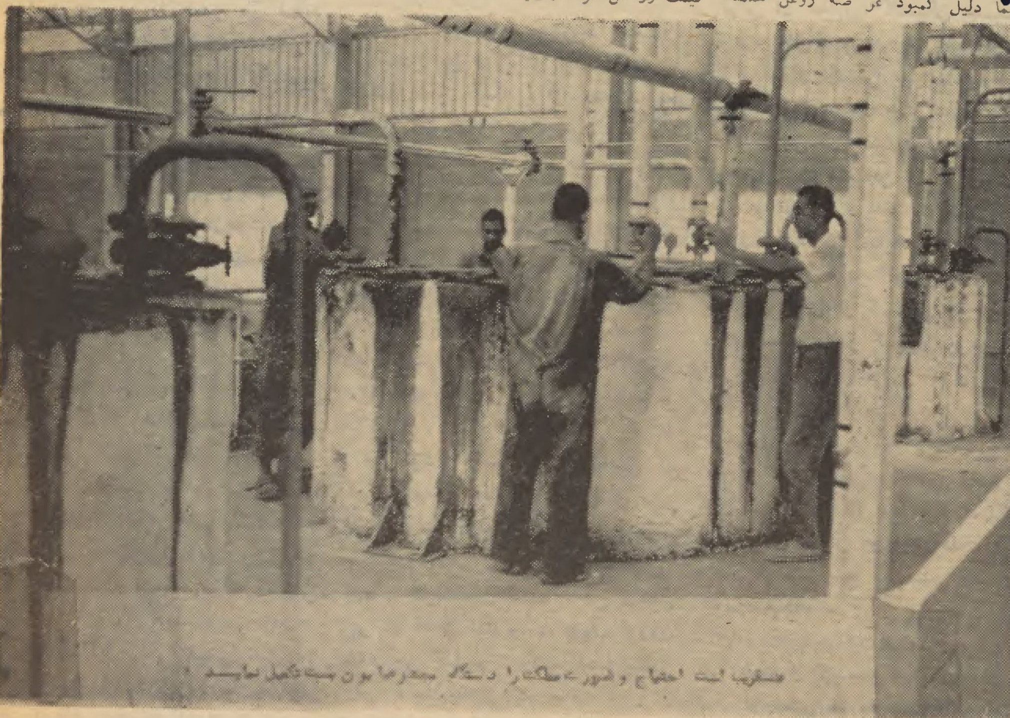


باآنکه میزان تولید روغن به قول شما افزایش یافته است کمبود آن دربازار کشور هنوز هم محسوس است ، از نظر شما دلیل کمبود عرضه روغن هلمند چیست ؟

- از دیاد نفوس ، ازدیاد میزان مصرف فی‌نفر ، تقلیل واردات به نسبت بلند رفتن قیمت روغن در مارکیت های جهان .

بناغلی رئیس فابریکه هلمند از جانب ژوندون از معلومات شما متشکرم .

- من هم از شما و مجله ژوندون تشکر میکنم .



[illegible]

مترجم : دیپلوم انجنیر اکبر سروری

معالجه امراض گونا گون تحت فشار عالی

اگر پنجاه هزار رگ های باریك وجود انسان را در پهلوی یك دیگر قرار بدهید ضخامت آنها به ۲ر۵ سانتی متر نخواهد رسید

علاقه روز نامه نگاران بآن اشخاصیکه تحت فشار ذریعه اوکسیجن معالجه گردیده بودند بسیار زیادبود با مردمان آنهائی گپ می زدند که بعد از بودن چندین مرتبه در محفظه (اتاق) فشار سنج‌درپیش چشم شان علاج یافته بودند . آنها برای مدت مدیدی از درد های قلبی تکالیف دهنده نجات یافتند . انستیتوت تحقیقاتی و عملیات خانه کلینکی هنوز تعمیر شفا خانه را تکمیل نکرده بود که در یکی از طبقه های عمارت مریضان را قبول کرده‌بودند در یك اتاق نه بسیار بزرگ محفظه فشار سنج که دارای بدنه فلزی ودستگاه های عصری الکترونی می باشد جابجا شده است. یکی ازآلات مدرن وعصری رژیم فعالیت ماشین‌را ثبت‌میکند وآلات‌الکترونی‌عصری‌دیگر وضع مریض را تشخیص می نماید. درینجا آنها تعداد نبضان ، فشار و درجه حرارت وجود مریض را تعیین می نمایند .

بمن (نویسنده) راجع به رموز وسایط الکترونی سخن می زدند مگر در نزد من یك مفکوره وجود داشت و آن عبارت از ساختن محفظه فشار بود .پر سونل خدمت کننده قبل از همه چندین‌سوال جبران‌کننده‌کردند آیالرزش بوجود نمی آید ؟آیا گوش های ما بدرد نمی آید؟ آیا کدام وقتی آب بازی کرده اید ؟ بسیار و خوب اینك برای شما پیراهن ، کلاه و غیره ،شما تمام‌کالای خودرا باید تبدیل کنید . تماما اشیا فلزی از قبیل‌حلقه انگشتری،ساعت وزیورات را از خود دور کنید . مژگان من (یکی ازخدمه های دستگاه) رنگ شده است آیا کدام نقصی ندارد ؟ جواب می شنود که پروا ندارد .سر پوش فوقانی محفظه فشار قدری بالاست. یکی ازپر سونل خد متی در عمق‌آن‌می نشیند محفظه بصورت نفوذ ناپذیر بوده مسدود میگردد در بالای سر یك گنبد شفاف پلاستیکی به نظر می خورد . در بین محفظه به‌هرشکل دل خواه قرار گرفته می‌توانیددر پیشروی چشمان من‌ترتیبات لاود سپیکر قرار گرفته است. این‌آواز شنیده میشود بطور مناسب قرار گرفته اید؟ آیا شروع کرده می توانیم . بلی شروع کنید . یك چیزی بصدا در آمد مثل اینکه بادپکه فعال شده باشد . حس می کنم‌که در گوش هاچه قسم فشار تاثیر می کند مثل اینکه در طیاره قرار گرفته باشیم . شاید تاثیر فشار هنوز هم زیادتر باشد ، زیرا درینجا تغیر فشار تا چندین حصه یك اتموسفیر می رسد.

برای من مودل عادی در فعال ساختند این نه برای اینکه من دل تنگ نشوم بلکه برای مقاصد نحو دیگری ضروری بوده این عبارت از کنترول دوامدار صدابوده است‌که‌آیا فشار به پرده های ممبران گوش کدام ضرری وارد میکند و یا خیر از طریق پلاستیك شفاف من چهره‌های خندان داکتران ولابرانت هارا می بینم . با گذشت زمان بصورت دوام دارراجع به‌احوال من ذریعه تیلفون یکدیگر را مطلع می ساختند .

من خود را بسیار خوب حس می کنم . فعلا در بالای گوش های من چیزی تاثیر نمی کند ، باسانی نفس می کشم ، هوای داخل محفظه‌بسیار تازه و خوشگوار است . من صدای لابرانت رامی شنوم ،به پایان آوردن فشار می گذریم ، وضع شما چطور است؟بسیار خوب به پایان آوردن فشار شروع کنید درین اثنا صداهای ناهنجاری در گوش ها یم تاثیرمی‌کند .فشار آهسته آهسته پایان‌می‌آیدالبته‌شخص‌مریض‌درمحفظه فشار برای مدت زیادتری باقی می ماند. فشار رابصورت بطی بالا می برند. دراتمو سفیر او کسیجنی آن نه کمترازیك ساعت تنفس می‌نمایند همچنان بصورت بطی و بسیار بار احتیاط از دواتمو سفیر به فشار نورمال می گذرند تماما این فعالیت ها قدری زیادتر از یك ونیم ساعت ادامه پیدا میکند . بعد از آن رئیس مرکز محفظه‌فشار پروفیسور سرگی ناومویچ یفونی چنین گفت : دماغ ازاکسیجن پر بهره شده است فعلا می توان راجع به نقاط مهم علمی طب و انجنیر سخن زد .

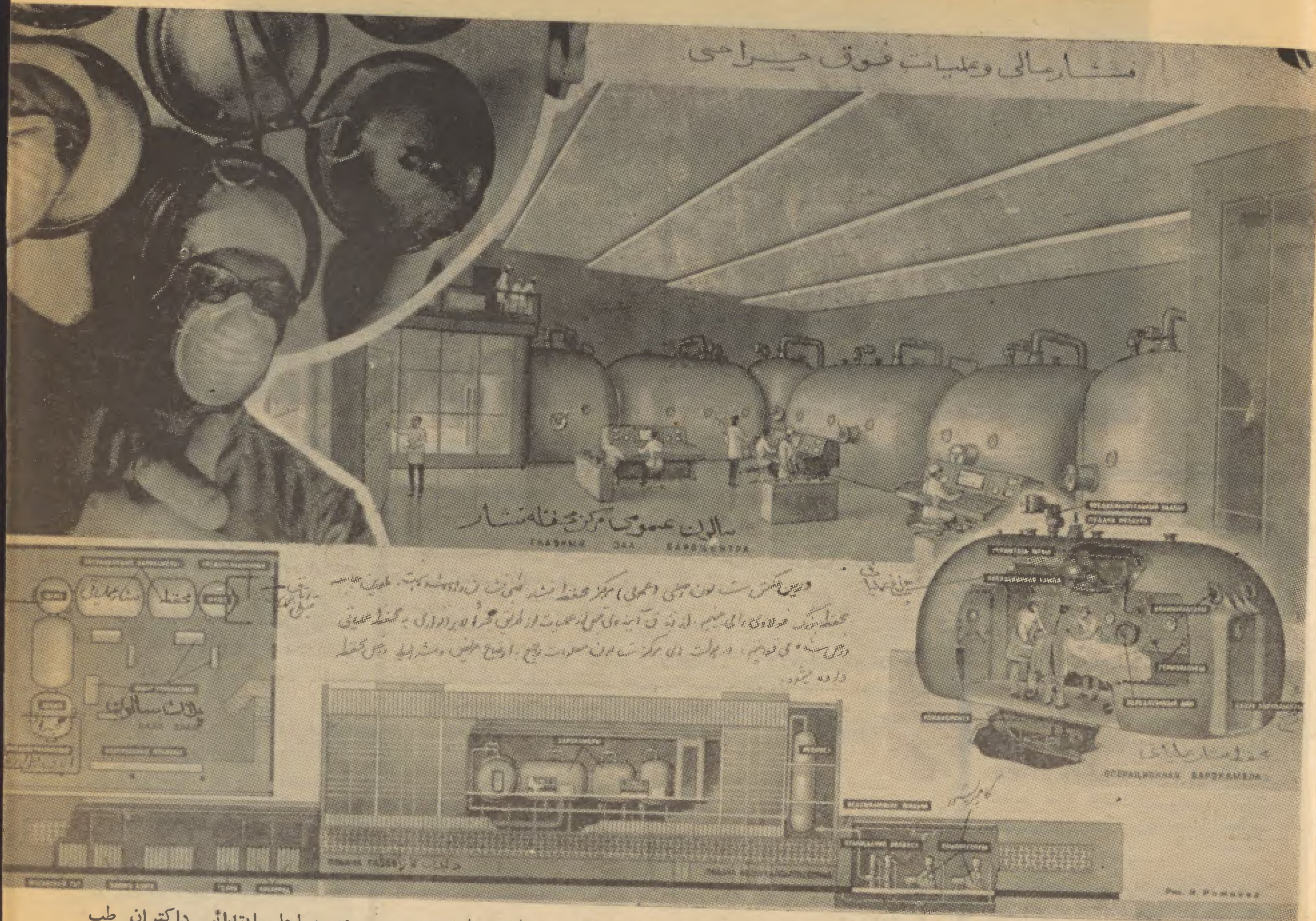
تجسس فوق جراحی

قصه خویش را سرگی ناومو یچ یفونی از حقایق اکادمیکی شروع کرد . علل و بروز یك عده امراض گونا گون‌و اوضاع غیر عادی‌وطبیعی مربوط به نرسیدن مود کفایت نکردن او کسیجن در عضلات و حجرات میباشد . اوکسیجن از طریق دیوار های بسیار نازك حباب های‌شش ها بخون نفوذ می نماید . درینجا مالیکو لهای هیمو گلو بین آهن ما لیکو لهای او کسیجن را گرفته و اوکساید هیمو گلوبین بوجود می آورد، در تشکیل مایکو لهای این مواد آهن موجوداست . در اثر موجودیت آهن درینجا عکس العمل بوجود آمدن‌اوکسی‌هیموگلوبین‌صورت می‌گیرد آهینکه در خون یك انسان کلان سن موجود است برای تهیه یك میخ پنج سانتی متری کفایت میکند .

همو گلوبین‌که دارای بارپرارزش کمر شکن‌او کسیجن میباشدباجریان خون از شش ها به عضلاتیکه به فقدان اکسیجن دچار میباشد تقرب میکنند . آنها مثل اینکه نفس عمیق می کشند ازین قسم نفس کشیدن عمیق ماسیکو لری میخانیزم بیوشیمی نفس کشیدن تشکیل میشود.

شما تنگنای پرپیچ و خم‌ارگانیزم انسان را در نزد خود مجسم سازید خون باید به هر یکی از صد ها ترلیون حجرات ارگانیزم برسد .فقط از طریق رگ های باریك خون بهر یکی ازحجرات می رسد .آنها باندازه باریك است که تعجب کننده است . پنجاه هزار رگ های باریك اگردر پهلوی یك دیگر قرار بگیرد ضخامت آنها به ۲ر۵ سانتی متر نمی رسد . کرویات سرخ خون که هیموگلوبین را انتقال میدهند دررگ های باریك در یك قطار قرار میگیرند ، غیرازین این سیستم مغلق وباریك در تمام نقاط از شکست تضمین نمی نماید. مرکز تنفس نورمال نیست و کدام چیزی خالیگاه های‌شش‌ضرر رسانده کدام تاثیری با قلب و شرائین وارد گردیده است . درین شرایط حرکت او کسیجن قطع می گردد عضلات به کمی او کسیجن دچار گردیده و این موضوع سبب بروز امراض گونا گون می گردد .

این قسم نقاط باریك بسیار زیاد است مگر وظیفه اصلی در آنست‌که بدون هیمو گلوبین چیزی باید کرد. لازم است برای انتقال اوکسیجن از پلازمای خون استفاده کرد . مفکوره بمیان آمد که جریان بیوشمی تنفس را بجریان فزیکی‌تبدیل کرد بصورت مجبوری پلازمارا از اوکسیجن باید مشبوع کرد .این یك عمل امکان پذیر است . این عمل در صورتی ممکن می باشد که بانسان امکانات تنفس را نه از هوای عادی بلکه از اوکسجین تحت فشار آماده سازند. در یك اتمو سفیر علاوگی در پلازما



تا ۳ر٤ آتمسفر فشار زیادتر ۲ ـ اتمو سفیر پلازما محلول شده تبدیل گردیده علاوگی تا ٦ ملی لیتر در ۱۰۰ ملی لیتر خون منحل می گردد درشرایط عادی اوکسیجن پلازمائی تماما به صفر عشاریه ۳ ملی لیتر یا ۱۰۰ ملی لیتر خون می رسد.

درین ساحه تحقیقات جراح هالندی بوریما بسیار دلچسپ است. آن آزمایشات خود را دربالای حیوانات اجرا کرده و مقاله نتیجوی خود را به نام «زندگی بدون خون» نام گذاری کرد. درارگانیزم خوك بجای خون یك معاوضه کننده مصنوعی داخل ساخت سطح هیموگلو بین درین شرایط بسیار پایان آمد. با وجود آنهم حیوان در محفظه فشار سنج آزمایشی تحت فشار اوکسیجن تا ۳ر٥ اتمو سفیر برای ٤٥ دقیقه مکمل بصورت درست تنفس می کرد. پلازما در شرایط مخصوص به آب حیاتی تبدیل می گردد و خون نورمال با هیمو گلوبین به فوق خون که در پلازما محلول شده تبدیل گردیده واوکسیجن در پای حیات را به صورت قوی و صحیح می سازند.

از بشکه به محفظه فشار مفهوم میتود جدید بسیار ساده به نظر می خورد. مگربرای درك حقیقت وحاصل کردن اطمینان متخصصین صد ها تحقیقات و آزمایشات را در کشور های مختلف جهان انجام دادند. تاریخچه این تجسسات سر گذشت خود را از حادثاتیکه در قرن هفدهم عیسوی صورت گرفته و بنام (قضیه بشکه) مسما است شروع می نماید. هنوز در سال ۱٦٦۲ عیسوی داکتر انگلیسی هیلنشو بزرگ بود تداوی کند. درین محفظه های فشار چوبی ترتیبات هوادهنده مخصوص (دم هائیکه از آن برای سفید کردن ظروف مس گرها استفاده می نمایند) و سرپوش های ارغنونی (یك قسم چوب است) وصل شده بود بکمك این ترتیبات هوا دهنده ساده می توانست فشار هوا را در داخل محفظ فشار کم ویازیاد بسازد.

بعدازآن اختراعی بمیان آمد که نه فقط میتود های جدید طبی را بمیان می آورد بلکه خود آنها از طرف داکتران مورد استعمال قرار گرفت درین وقت محفظه های صندوقی مخصوصی بوجود آمد که از آن تحت فشار بلند در ساختن تونل ها و پل ها استفاده می کردند. این محفظه صندوقی را درسال ۱۸٤۱ (تزیگر) ساخت.

در سال ۱۸٦۹ در پطر بورگ لیننگراد موجوده اتحاد شوروی ترتیبات مخصوص برای تداوی در شرایط فشار زیاد بوجود آمد، ترتیبات مخصوص اجازه میداد که تااندازه یك برسوم ویایك برچهارم اتمو سفیر در محفظه داخل کرد.

در مراحل ابتدائی داکتران طب باوسایط وترتیبات محفظه های شناوران زیر دریائی ویا محفظه های که برای مشق وتمرین کار گران اعمار کننده تونل ها وپل ها استفاده می گردید سرو کار داشتند البته تهیه کردن محفظه مناسب ونورمال بسیار مشکل بود. اینك یك شفاخانه مکمل با این قسم وسایط مخصوص مجهز می گردد

این کلنیك یکی از جمله بزرگترین ومشهور ترین کلنیك های جهان خواهد بود ساختمان ها وطرح های موجوده البته به خط السیر طولانی حراکت نکرده وحل تخنیکی را از گذشته به آینده نیاورده است درین باره ازتجارب وشناوران کادر زیر دریائی واز تجارب وتحقیقات طرح وپی ریزی سیستم های تامین کننده حیاتی برای فضانوردان وهوا نوردان استفاده گردیده است.

دور نمای شفا خانه به نظر اول تماما درین جامانند یك شعبه عادی

بقیه در ص ٥٦

علیشیر نوایی

اثر: م. ت. آیبیک

ترجمه: ع. ح. ایلدرم

نوایی به‌آرامی به‌چادر خود برگشت. چپن خودرابدر آورد تاکمی استراحت کنددرآن لحظه باتمام هستی خوددر هرات بود. اندیشه‌ها ونقش های گوناگونی برمغزش هجوم می‌آورد.

ملازم ازدیگ عمومی که‌برای همگان طبخ شده بود ،طعام آورد .شاعر اندکی گوشت تناول کرده ،کاسه راآنطرفتر گذاشت وبجای شربت ،کاسه‌ای دوغ سرد خواست بعدازآنکه‌ های شطرنج راکه روی قالین گلگون پراگنده بود، گرد آورد وخواست یکی ازاستادان شطرنج باز رااز چادرهای مجاور طلب کند، امابزودی ازین تصمیم منصرف شد وترسید که‌مبادا برسبیل عادت به‌بازی سرگرم شود ودر نتیجه، سفر به تعویق افتد...

اورا قچلادار رنگین وسفید گونه ای‌راکه درلای کتابهای چیده شده بریک کرسی‌نسبتا پست گذاشته شده‌بود گردآورده‌مرتب‌ساخت وآنها رادر لای‌قوطی عاج کوچکی که‌دورادورش بانقوش برجسته تزئین گردیده‌بود گذاشت. اینها چامه ها،معماها ووچیستانهایی بودندکه درطول سفرانشادگردیده،اماهنوز (پاکنویس) نشده بودند .

وسایل سفر اماده شد شاعرمتن فرمان سلطان رااز نظر گذرانید .مضمون آن‌طرف قناعتش واقع شد سپس آنرا لوله نموده‌رویش رامهرگرد وبگوشه ای از دستار خود خلانید ملازمان اسب کمیت سبکسیر وقوی‌پیکراورا پیشرویش آوردند .سایر همسفران نیزکه میبایستی یکجا باشاعر حرکت کنند ،آماده شدند .دربین‌آنها باباعلی‌چاکر صادق ووفادار شاعر که‌جوانی موزون قد، خردمندو مهذب‌بود نیز به‌نظر میر سید همینکه شاعر روی‌دوشك ابریشمین زین‌قرار گرفت،اسب تکان موزونی به‌سر خودداده گام برداشت ،ازعقب نوایی عدای از ملازمان دربار وصاحبان مناسب‌براه افتادند .

شاعر ،اسب سواری ،تماشای مناظر دشتهای گسترده،وآرام‌راخیلی دوست میداشت وحتی گاهی روی اسب درحال سفر الهام

تااینجای داستان

خبر بازگشت نوایی به‌هرات وانتصاب‌او بحیث مهردار دولت چون حادثه مهمی درسرا سر شهر انعکاس میکند اهالی خراسان ایـن‌تقرر رابفال نیك میگیرند وچشم امید به‌سوی اومیدوزند .

روزی بعداز آنکه نوایی دردیوان حضورمی‌یابد حسین بایقرا اورا نزد خود فراخوانده ،نظرش رادر باره میرزا یادگار ـیکـی ازشهزادگان تیموری خواستار میشود .اماهنوز دیری نگذشته ،شهزاده مذکور علم بغاوت‌بلندمیکندو بعداز اشغال جرجان،در صدد تسخیر خراسان برمی آید .

حسین بایقرا باسپاهی‌بزرگ بروی هجوم‌میبردوبه عزیمت وادارش میسازد .

در همین آوان خبر میرسد که مردم‌هرات‌ازرویه خشن وتطاول عاملان بستوه آمده‌علیه آنان شوریده اند واضطراب نامطلوبی‌درآنجا حاکم است .مصاحبان ،سلطان راتشویـق میکنند تااین غایله رابه ضرب شمشیر فـرونشاند ،اما نوایی برای اومدلل میسازد که‌در این حادثه ،حق بجانب اهالی است وایـن‌عاملان اندکه آنانرا برانگیخته اند. بنابـرآن بایداین گره باانگشت گشوده شود، نه‌بـاشمشیر .

حسین بایقرا نظر نوایی رامی پذیـردوخود ش‌را برای حل‌این‌معضله‌موظف‌میسازد.

میگرفت وچامه هایی میسرود.

کوههای که در فواصل دوردست ازعقب مهی آبی‌رنگ جلوه پیرایی داشتند ،جنگلزار هایی که‌از مسافه زیاد چون سایه انبوهی بنظر میرسیدند بادهای بیقراری که‌گویی ازشدت سوزش پای درحرارت گدازنده ریگستانهاهر سو میدویدند ،آبهای‌زلالی درسنگلاخها ازمیان سنگریزه ها،آرام وجوشان بیرون میشدنـد، نظیراینهاتمام چیزهای دیگر قلب‌وروح‌شاعررا برمی انگیخت واودر تمام این چیزها نیروی بس عظیم وآهنگی‌زیبا باعظمت احساس‌میکرد.

نوایی به‌مزارع سبز وخرم ،باغستانهای پراز میوه مناطق معمور بدقت چشم دوخت،به گله های مواشی که‌روی تپه ها مشغول چرا بودند ،به‌بزهایی که‌جست وخیز زنان ازفراز ستیغ‌های مهیب میگذشت وازلابلای سنگها برای خود علف میجستند، به غبطه‌وحسرت نگاه کرد .

چادرهای قبایل کوچی ...، خصوصیت های زندگی صحرا را دقیقانه ازنظر گذرانید ، با همراهانی درباره زبان ،عرف وعادت وطرز معیشت آنها صحبت کرد .

درطول راه ،سنگ بزرگی که‌در کنار آب قرار داشت ،توجه اورابه خودجلب کرد واثر نوعی تصویر روی آن احساس نموده ازاسب فرود آمد سرا پای سنگ رادقیقا بررسی کرد .تصویر نمایشگر مرد جنگی مسلحی بودکه گذشت زمان روی آنرا سائیده بود.

همراهان راگرد آورده،نظر خودرادایر براینکه محتملا این تصویر ازبقایای دوره اسکندر (ذوالقرنین) است توضیح داد وباارتباط به‌این موضوع دراطراف اهمیت آثار وآبده هـای تاریخی حرف زد .مشاهده این سنگ طوفانی ازافکار گوناگون پیرامون جریان‌ابدی‌وانقطاع ناپذیر زمان وعمر کوتاه‌انسان که‌نسبت به‌این ابدیت شباهت‌به درخشش‌گذاری برق‌سبکسیر دارد وهمچنان پیرامون مفهوم واسرار زندگی برانگیخته بود .

شاعر ازآنجابا چشمان مشحون‌ازنوعی علایم اندوه حرکت کرد مدتی بدون آنکه‌حرفی برزبان آورد ،همانطور درگرداب سحرآمیز افکار فرورفته بود وفقط هنگامیکه بخاطر استراحت وعلوفه دادن به‌اسبها دریکی از رباطها فرود آمدند نشاط ومسرت خودراباز یافت موقعی که‌با همسفران دریك حلقه‌نشست ،ازبدی راه ،هاوخرابی کاروانسرا هـازبـان بشکایت گشود ودرزمینه ضرورت ترمیم‌راهها واعمار رباطهای جدید علاقمندی خودرا بیان داشت پس ازصرف غذا ،حل‌برخی ازمعماهای خودوشاعران دیگر رابخاطر سرگرمی درمعرض آزمایش هوش گذاشت واز حاضرین خواست تااسمای نهفته درآنهارااستخراج کنند .ساعتی هم‌بشوخی ومطایبه گذشت .

همینکه نوایی درهرات پاگذاشت .این‌خبر که اوحامل‌فرمان مخصوصی ازسلطان‌میباشد بسرعت برق درسراسرشهر پیچید .همه‌منتظر شنیدن آن‌بودند گرچه ظاهراً فضای هـرات مانند پیش‌آرام بودوهمگان سرگرم کاروزندگی خویش بنظر میرسیدند اماخشم وستیز کسبه پیشه وران ودهقانان هنوز کاملا فروکش‌نکرده بودند وهرلحظه زمینه آن‌وجود داشت تاطوفان بار دیگر بشدت ودهشت وقاطعیتی‌بیشتراز پیش وبمقیاسی وسیعتر آغاز گردد.

شاعردر (دیوان)فرودآمد وبلادرنگ‌مالیاتی راکه توسط خواجه عبدالله وبرخی دیگراز عاملان براهالی تحمیل شده بود لغو کرد.تمام عمالی راکه درین قضیه مسولیت داشتند،از عهده های شان برطرف ساخت سپس بقبول عرایض اهالی بینوا که‌بخاطر دادخواهی درجلو دروازه گرد آمده بودند ،پرداخت ،شکایت‌هر یك‌از عارضین ،چه‌پیر وچه جوان ،چه‌مردوچه زن‌را بهرقومیتی که‌منسوب بودند ،باثبات‌و متانت شنید، ازحال وزندگی عارضان‌جویاشد به‌تسلیت ودلداری شان پرداخت ودعاوی‌شان راحل وفصل نمود داد خواهانی که‌باچشمان گرین نزد شاعر آمده بودند بالبان پرازتبسم وعارضان خمیده قدی که‌به‌وی شکایت برده بودند ،باقامتی‌استواروروحی سرشار ازنیروی عدالت ازحضور وی‌خارج گردیدند .

درخانقاه مسجد جامع بزرگ هـــرا ت، درایوانهای پراز نقش ونگار آن که برپایه های‌سطبر استوار بود، درصحن هموار ووسیع آن‌وبر فراز مناره هاوروی بام قطار حجره‌هایی که‌سه طرف جمعیت رااحاطه کرده بود توده های مردم موج میزدند · ·····

شاعر بامتانت وگامهای شمرده برمنبررفت ناگهان تمام جمعیت بپااستاده شد کوچکترین صدایی هم‌بگوش نمیرسید تمام چشم هاآکنده ازشور وهیجان بیك نقطه‌دوخته‌شده بود· نوایی ازفراز منبر بااحساس صمیمانه ونوعی هیجان بسوی توده بزرگ مردمی که خشك درجازده بودند نگاهی همدردانه افگند، چنین بنظر میرسید که شاعر ضمن این نگاه بادرك عمیق که‌خاصه‌وی بود، به‌ژرفترین زوایای‌درد آلام ونیاز مندیهای مردم پی‌برده است· تحت تاثیر احساساتی که‌دراعماق قلبش‌بیدار شده بودنفسی عمیق‌کشید فرمان‌راکشود ودردستان خود که‌لرزش خفیفش احساس نمیشد ،آنرا گرفته ،بی‌آنکه برخود فشار آورد ،بصدای‌بلند ترازمعمول ،توام باآرامش ووقار قرائت کرد· غریو پر صلابتی ازمردم برخاست آنهادراوج شور وهیجان ،افکار واحساسات سرکوب‌شده خویش راابراز میداشتند وصدای (ای‌عدالت) (انشاالله) (نفرین برستمگران) و(آفرین)ازهر طرف طنین انداز گردید·

مضمون فرمان ازدهانی به‌دهانی گذشـت ودریك لحظه کوتاه حتی به(خانه‌نشینان)نیز رسیده بود ·

همینکه شاعران نطق موجزآتشین‌اماپر محتوا وصمیمانه خودرا بپایان رسانید ،هزاران‌دست ودستان زبرو آتنومند دهقانان‌پنجه‌های‌نیلگون رنگریزان ،انگشتان‌باریك واستخوانی‌بافندگان ودیگر پیشه‌وران درهوا بلند شد· صدای‌دعای خیر درحق‌نوایی ازهرطرف طنین انداز گردید ودرپیشتاقهای شکوهمند مسجد جامع انعکاس کرد ···

مردم بادلهای پراز امید ونشاط درکوچـه هاسرازیر شدند شاعر که‌اعتقادش به‌مردم‌و نیروی عدالت مستحکم‌تر شده‌بودودیرترازهمه حرکت کرد وبعداز آنکه‌باعلما ومدرسین‌بزرگ شهر درباره احوال طالبان ووضعیت مدارس صحبت کرد ،بدون کوچکترین تشریفات ،تنها به‌دیوان برگشت ·نام آنعده ازعاملان راکه بر مردم بیداد وستم روراداشته بودند روی ورق نوشت وتصمیم گرفت‌تاهریك رامتناسب بـه جرم وجنایتی که مرتکب گردیده مجازات‌و محکوم نماید ·

تمام هرات درسایه‌عدالت شاعر میزیست· نوایی درخلال یك‌هفته تمام امور مربوط‌را به‌انجام رسانیده به‌قرارگاه حسین بایقـــرا برگشت ·

میزا یاد گار پس ازنخستین عزیمت باز هم‌نیروی زیادی جمع‌آورده ،استرا بادرااشغال کرده‌بود برای یورش برهرات آمادگی میگرفت ·گروهی ازگماشتگان وی‌مخفیانه دراطـراف هرات بفعالیت آغاز کرده بودند ·

حسین بایقرا درتشویش ونگرانی بسـر میبرد همینکه نوایی مشوره داد تابسرعت‌ممکن به‌هرات برگردند وباجمع آوری نیروی جدید تمام دسایس وفعالیت های دشمنان رانقش برآب سازند بلادرنگ باقشون خویش،راه پایتخت رادرپیش گرفت ·

وقایع بسرعت برق‌ازپی هم‌روی دادند · حسین بایقرا شب وروزراه درنوردید وبفاصله ۲ـ۳ منزل ازهرات توقف کرد · وبرطبق‌معمول انتظار داشت تابزرگان هرات باستقبالشـس بشتابند وباشکوه وه‌بدبه وارد شهر گردد· اماچنین بنظر میرسید که‌پایتخت ازبازگشت اوهیچگونه اطلاعی‌ندارد، هرات‌بسردی گراییده وشنوایی خودراازدست‌داده‌است رنگ ازرخ حسین بایقرا پرید ·شایعاتی دربین قشون پخش گردید ·آنانیکه برای کشف حقایـق گسیل شده بودند ،مایوسانه برگشتند واطلاع دادند که‌راه پایتخت مسدود است وبیك‌های قلعه ،به‌جانبداری ازمیرزا یادگار برخاسته‌اند هیجان وسراسیمگی باردیگر برقشون مستولی گردید ·

نوایی به‌چادر سلطان واردشد کوشید تا روحیه سلطان محزون راکه رنگ ازروی‌باخته بودتقویه کند ·

حسین بایقرا سرخود رابادرد وتاثر تکان داده گفت :

این چه‌خیانت است !··· این‌موجوده ، ناسپاس وبیوفا ،برروی من‌دروازه حصـاررا بسته اند !

نوایی بااعتماد واطمینان گفت :

بقیه درصفحه ۵۷



لیکو نکی : زلمی

سپین گل سور گل شو

سهار لا لمرنه وختلی چی له کوره ووتم او له کلی بهرد کروند خوا ته رهی شوم په کروند کی ولاړ غنم‌پسرلی دوروستیو شپو دخوړو ووږمو په څپو کی یو خوا بل خوا را اوښتل .

په څینو پخو غنمو کی لوګړ شوی و ، او د لوګرو میرمنو د سبا ناری لپاره د شړو مبولو ښبی په سرو ایښی وو ، او دووړی یی په لاسونو کی نیو لـی وی ، څینو له ډو ړی د خپلو وړو ماشومانو پـه شا پوری وی ، او مخ په کروندو رهی وی .

د پټیوبه منځ کی ګرځیدم چی له‌یوی خوا را باندی ږغ شو ((خوانه! راشه موږ سره سبا ناری وکه !))

ددغه آواز په اوریدو سره می دلګرونو لړی وشلیده ، اوچی دابلی خواتـه مـی وکتل،د غنمودیوی لوشوی کروندی د پولی ترخنګه یو بوډاچی یوه زړه او څیرنه خولۀ یی بر سروه ،او په یوه زړه تړانګه یـی خپله ملا تړلی وه ، او لور یی خپلی خواته ایښی و ، مخامخ یی ورته سپین سـری میرمن ناسته وه. دواړو دشړومبو لـوښـی په منځ کی ایښی و ، او د لرګیو یـوه کـا چوغه یی یکی اچـولی وه او دواړوپـه وار سره له لـوښی شـړو مـبی اخیستی او ډوډی یی پر پوری کوله .

زه هم راغلم ستړی مشی می ورکړه ، دواړو په یـوه آواز راته کړل:((عمـر دی ډیر شه ! خیر یوسی !

راشه دلته کښینه . . د دواړوتر څنګۀ کښینا ستلم . د دوی د خوشحالی لپـاره می یو کپ ډوډی واخیسته پدی کی سپین ږیری راته وویل :

– څوانه څنګه راپیښی شوی؟ ما ورتۀ وویل :

– بابا جانه! سهار چی له‌خوبـه راوپښی شوم ، زړه می وغوښتل ، چی‌یوه شیبه په پټو کی وګرځم او د لوسیل وکړم .

– سپین ږیری ، ښه ډیر ښه ، ډیرښه! ښایسته مها ل چوپ نـاست وو ، خـوما چی د ده د پاغوندی په شان سپینه ږیره کـړو په مـلا ، لـو یـد لـی ځـانبونـه ګونجی مخ ، او ږیر دیدو نکی لاسونه‌ولیدل نو په مغزو کی می د پوښتنو توپان سر هسک کړ ، له ځانه سره می وویل : بابا خو د ډیر عمر سړی دی ، دابه نو مشران زامن ونه لری ، چی پدی ضعیف ځـان لو کوی ؟

کله می وویل : چی زه څه یی کوی ؟ خوبیا می طاقت ونه شو، زړه می‌غوښتل‌تری پوښته وکړه ؟ بابا !

پوښتنه وکړه ؟

پوښتنه می کوله ؟

– آبچیه څه وایی ؟

زر خله بچی ، څه پوښتنه کوی ؟

– بابا ! ته خود ډیر عمر یـی! مشران زامن نه‌لری ، چی ته لو کوی ؟ ته خو د لونه یی ؟

زما خبری لا خلاصی نه‌وی، چی مـی دده وضعی ته کتل ، نو دوچولی او مـخ ګونجی یی زیاتیدی خو چی‌ښه ورته خیر شوم ، دستر ګو په کو نجو کی یی‌دنی‌او ښکی هم‌را پیدا شوی ، او ورو ورو یی‌د ده‌په سپینه ږیره لاری وکړی .

زه د بابا په دی وضعه هك اریان شوم اوپه زړه کی می راوګـرځـیدل چـی سپین ږیری یو درانه غم ځپلی دی .

ده سملاسی‌خپل ملاوستنی‌له ملا پرانیست او خپلی اوښکی یی پرپاکی کړی ، اوراته یی کړل :

– بچیه ! ستا په شان‌می یو ځوان‌زوی درلود،خو خدای را روزی نه که ، چی د ګنی وتی شو ، او ښایسته یی زه له دغو کړاوونو خلاص کړی وم ، چـی ځلك پـر ظالمان شول او ...

بیایی ستونی ډك شو . او سترګو یی او ښکی وکړی، خودا ځل یی ژر خپـله وضعه بیرته سمه کړه ، د غاړی تر تازه کولووروسته یی راته کړل .

– بچیه ! دری کاله دمخۀ سپین ګـل ځوان شوی و ، او له تولو چاروبی بی‌غمه کړی وم ، د غنمو او شولو لوبی راته‌ګاوه په ژمی به‌یی له غره لرګی راوړل ، چی د هغو له پلورلوبه‌مو په متی ګوزاره کیده خو ... یوه شیبه چوپ پاته شو خوما ژر بیا تری پوښتنه وکړه .

– ښه نو بابا ! سپین ګل څه شو ؟

– بچیه ! په لوی شولو کی یو مازیګر

هماغه ساعت سپین ګل‌ستړی ستومانه د شولو لـه ! ځیستی څـځه راغـلی‌و، زه، دی او مـو ر یــی ددی سره دکـوډ په غولی کی پـه‌کټ کـی څنګ پۀ څنګ ناست وو ، ګل ځانګه لګیا وه سپین ګل ته یی چای پخا وه ، چی پدی کـی‌دخان کشری زوی راغی ، او ږغ یی کړ :

– سپین ګله ! وسپین ګله ؟

سپین ګل ! ژوله کټه هسك شو، اوچی وړاندی ورغی ، نو د خان زوی ور تـه کړل:

– د پلار می د وسره کار دی ، چیری دی استوی .

بوډالا خبری کولی، چی توخی ورغـی او د جوزا په هغه تودو ښه کی یی دو چی خلی د یو سینه بغل ناړو غ په خیر وټوخل ، خراشکی ، مراشکی یی توی کړل او بیا یی شروع وکړه .

خوانه څځ بۀ دی سر خوږ وم، سپین ګل چی هماغه مازیګر له کوره ووت .

ما ښام شو ، ماخوستن شو ، خودده هیڅ پته ونه لګیده ، شپه هم تیره شوه ، خو بیاهم‌دی مالوم نه و .

– ښه نو بابا ! خان سپین ګل چیرنه لیږلی و ؟

– ته خو ګوره کنه ! سهار چی زه له جوماته کورته راغلم،نو ګل ځانګی پـه‌نغری کی اوربل کړی و، او چا یخوښی یـــی پرا یښی و ، خوزه لاناسـت نه وم، چی‌دی (خپلی میرمنی ته‌چی مخامخ ورته ناسته وه اشاره کړه) راته کړل :

– دسپین ګل‌پلاره ! سپین ګل چـی پرون مازیګر تللی ، تراوسه مالوم نه‌دی نن دادی له‌لونه هم پاتی شوو .

په چو مات کی بهدی دخان‌لۀ‌ناظرنه پوښتنه کړی وه ، چی دی‌خان چـیری آستری دی ؟

– ماورته په خواب کی وویل :

خدای زده پوښتنه می ونه کړه ، ما وویل چی چیرته کو م لیری ځای ته بی استولی وی ، کنه سپین ګل خو چیر ته شپه نه کوی .

موږ په خپلوکی سره دا خبری کو لی چی لور می (ګل ځانګه) زموږ په خبروکی سره را ګډه شو ، او خپلی موړته یـی کړل .

– ادی ! لالا خو چیرته شپه نه کوله چی دا څنګه پری شپه شوی ده ؟ ته لاړه شه ، د خان کور ته او له بی‌بی‌پوښتنـۀ وکړه ، چی دی خان چیری لیږلی دی ؟

اوس نوبابا چوپ شو ، او بـــودی مایښه یی چی مخامخ ورته ناسته وه ، او یو زوړ تور ړوکی یی پر سرو ، داړوکی نو داسی سوری سوری و ، چی‌د بوډی د سر سپین ویښته تری له ورایه څلیدل ماته یی مخ را واړاوه اوراته یی کړل:

– زویه ! ګل ځانګی چی داخبره وکړه نو زه سملاسی له خپله ځایه پاځیلم اوخان کره وورهی شوم .

د خان کور ته چی ور ننوتم ، نو زویه څه به درته وایم – بدی ورځی نۀ دی‌وینم چی بی بی (بی‌بی دی نه شی) ، له ورایه را باندی بوګړ ،او راته یی وویل !

– مریمی ! داخو ور څی چیری وی، لګه چی په کور کی مو بیا اړګانه را پیدا شویده ؟

تاسی څلك چی څه مایه ګړ پیدا کړی نو بیا هـرڅه درنه هیـر شی، اوچی ولـږه در باندی زور وکی ،نو بیا مو موږ پـه یاد شو !

ما ورته په ډیره عاجزی وویل :

– بی‌بی جانی ! نه داسی نه‌ده، موږ خوستا سو لمنی ته پراته یو ، تاسوګله هیرو لای شو ،خو ورکه غریبی کړی ،پدی ورځو کی دلو لور وخت دی، سپیـن ګـل مور مړی لوکوی ،زه پلار یی او ګل ځانګه پسی‌وږی ټولوو ،

نوځکه دلته راتلای نشوم ، ښه نو بی‌بی ګلی پوښتنه می کوله ، چی سپین ګل خان بابا چیری استولی دی ؟ هماغه پرون مازیګر چی تللی تر اوسه مالوم نه دی ؟

– بچیه ! څه‌به درته وایم ، زه‌لا دخان ښځی سره په خبرو اخته وم ، چی خان‌دخپلی ښځی په بغارو وینبی شو، پـه ښځی یـی چیغه کړه :

بیادی څه شور بګت جـوړ کـړی دی خوبه‌دی‌له وایستم .

ښځی ورته کړل :

– دا مر یمه راغلـی دسپین ګـل پوښتنه کوی ، چی پرون خان‌چیری استولی

دی ،اوتر اوسه مالوم نه‌دی .

زویه ! خان بیا سرله بالښته را هسك کړ، اوپه غضب یې‌راته کړل :

- هغه خو پرون مادبرکلی په بزگرانو پسی استولی‌و ، خو موږ لادکـلی تر مـخه دگنیو په کرونده کی ناست وو ، چی‌دی له بزگرانو سره یو ځای بیرته راغی ، بیانوموږ پرخبرنه‌یو ،چی دی‌چیری ولاړ ؟

تاسو دخپل زوی له‌کړووړونه خبرنه‌یاست، چی هغه څه‌کوی ؟

ټوله ورځ په مردارو پسی سروی ، بیگاه پوری غاړه په کوم کلی کی‌سیل‌و، دی به هم‌هلته تللی وی. هغه اوس نوی ځوان‌شوی، نه‌زما خبر منی ، نه‌دبل چا ، رښتیا یی‌ویلی چی «مصلی ځوان شوبیایی مخ‌ته مه‌ورځه».

- زویه ! ماچی دخان خـبری واوریدی سودامی یوپه دوه شوه ، او ددوی ستوغو، سپوروته می هیڅ پام ونه‌کـړ ، ژر بیرتـه کورته راغلم ،اوده ته‌می کړل :

- سړیه ! خان خو وویلی چی پرون می سپین‌گل دبری کلا بزگرانو پسی استولی‌ؤ، له‌هغوی سره یوځای بیرته راغی ،ته ورشه په‌کلی‌کی له‌چا پوښتنه وکړه ، چی‌دی بیاڅه شو ؟ او چیرته‌لاړ ؟

زماله خبری سره دی اوچته له خپله‌ځایه هسك شو، اوکلی ته ووت.

- زویه بلادی واخلم ! چی‌دی ووت،نوزه په‌کټ‌کی هکه اریانه کښیناستم ، او په‌زړه کی‌می سودا وه ،چی خدایه دازوی بـه می چیری تللی‌وی ؟ په دی چورت‌کی وم ،چی دی بیرته راغـی ، نـوله ورایه می پری بږغ‌کړ :

- سړیه ! له‌چادی پوښتنه وکړه ،هغوی څه‌وویل ، چی سپین گل بیاچیرته ولاړ ؟؟:

ده راته کړل :

- له‌ټولو هغونه می چـی ـلـه خان سره ناست وو پوښتنه وکړه ، هغوی ټولوو‌ویل:

چی موږ له خان سره ناستوو،چی دبری کلا بزگران یی راوستل ، بیامو ونه لیدچی دی چیری ولاړ ؟

- زویه بلاگی دی په ماشه ! دواړه‌پـه کټ اریان دریان کښیناستو ، پدی کی گـل خانگی چای راوړی پیالی مولانه‌وی ډکی‌کړی چه‌په‌کلی‌کی شور زوږ پیداشو، موږ دواړه‌نیغ له‌ځایه پاڅیدو ، او کلی‌ته ووتو ،گل ځانگه هم‌په موږ پسی راغله، دکلی منځ څه‌لانـهٔ وورسیدلی ، چی وړوکی زوی می بابك چی غوایی پیوانی ته بیولی وه‍ـ په‌چیغو سردی اومخ په‌موږ رامنډی وهی . سملاسی یی زما غاړی ته ځان واچاوه ، له وار خطایی‌یی‌ځان ویږدی ، او زبون یی وهل شوی دی ، موږ چی‌هرڅه ورته وایوڅه خبرده ، څه‌خبره‌ده؟: دی ،گونگونا ، گونگونا کیږی ، خو دومره یی‌وویل : چی لالا- لالامی- چاـچاـ وژلی-

وژلی ...

له‌دی خبری سره‌می یوه بی‌ترا چیغه‌کړه اوپه‌ځای چپه شوم ، بیانو پـه ځان پوهـه شوی نه یم .

بوډی ادی چی داخبری وکړی ، نوپه‌مخ یی خولی را ماتی شوی وی ، او زیاتی‌چوپ‌شو، بیاسپین ږیری بابا راته شروشو .

- ځوانه! بابك چی داخبره وکړ، مورخو یی بی‌سده شوه ، زه او گل ځانگه له نورو کلیوالو سره په منډه منډه هغه ځای ته‌چی‌له کلی‌کوز دولو دځنگلو په منځ کی‌دی ،اوپکښی دخان یوه ژرنده هم ده ورغلو له ورایه مو ولیدچی سپین‌گل ځوانیمرگ‌یی خیشت‌پیښت په‌کټ اچولی، خلك اولوگری - چی‌په‌شاوخوا خمکوکی یی دشولو لوکاوه - تری راټول دی ماچی هی ولید ، نوپه کټ می یی ځان وغور ځاوه، خوریی هم ځان پرغوزاو وکړ،چیغی می ووهلی - توبه، توبه هغه ساعت هم‌خدای که -(بیایی په‌سترگـوکی اوښکی تـورا‌تاو شوی)، خو کلیوالو بنځو نرو موږ لـه‌مړی جگ‌کړو ، او مړی موکلی ته راووړ، دگور کفن پیسی می‌نه در لودی ، اوله خان نه‌می دغوا په اعتبار څو پیسی په‌غوړیو واخبستی اودکلی هلکان بازار ته په‌کفن او نوروشیانو پسی لاړل ، داخو لاپریږده چی‌دکلی ملـك ترټولود مخه ، حکومت تللی ، او حکومتی مامورین یی دسپین گل له وژل کیدو څـخه خبرکړی ؤ . هلکان لاله‌بازاره نه‌وو‌راغلی‌چی له‌حکومته ماموران راغلل ، طبیب‌هم ورسره وو .

طبیب مړی مایانه (معاینه) کړ، او موږ‌ته یی وویل : «چی مړی ښخ کړی‌ءه».

پدی‌کی هلکان هم‌له بازاره راغلل، جنازه تیاره شوه ، او مړی مو ښخ‌کړ . چـی لـه هدیری راوگرځیدو نوپه جومات‌کی راته‌خلکو دعاوکړه . کلیوال خپلو کوروته لاړل . او دلیری ځـایو میلمانه لا ناست وو ، چـی ماموړانو زه‌را وغوښتم ،زموږ خان‌هم ورسره ناست و ، پوښتنی یی راڅخه پیل‌کړی .

- خوی دڅه کار کاوه ؟ پـرون چـیری تللی‌و ؟ له‌چا سره بدی‌لری ؟ اوس دی‌زوی قاتل څوك دی او په‌چا دعوه لری ؟؟

ماورته په ځواب‌کی کړل : چی زوی می لکه ماغوندی بیوزلی او مسکین سړی‌و ،شپه اوورځ په خپلی خواری او مـزدوری پسی روانؤ ! پرون ماړیگر هماغه ساعت سپین‌-گل خوار له اخیستی راغلی ؤ ماسره یوځای په‌کټ‌کی ناست ؤ ، چی دخان‌بابا کشرزوی راغی اودی یی له خانه سره بوت ، بیامی نوپه سترگو ونه‌لید ، ترڅوچه یی نن سهار په‌مړی ورغلم . له‌چا سره بدی هم نه لرو، څکه چی نه‌می پوله نه‌پټی شته اونه‌می‌څه‌بل څه‌چی له چاسره به‌موپری بدی راغلی‌وی ! دزوی قاتل هم نه پیژنم اوپه هیچا دعوه

هم‌نه لرم، هر چاچی وژلی وی دخدای زور ته‌یی پریږدم !! اوس به‌څه پدی‌سپینه ږیره خپله غاړه بندوم ، یوبل به ناحقه ربړوم.

- ځوانه ! مالاخبری کولی چی خان‌سملاسی زمونږ منځ تـه راو دانگـل ، او حکومـتی کسانو ته‌یی کړل :

- دی سپین ږیری دی ،ماغزه یی شړومبی شوی‌دی ، له خپل زوی نه هیڅ خبر نه دی، چی‌هغه څه کارونه کول .

- صاحب ! هغه سره له‌دی چی کاریگر هلك‌و ، خپله خواری او مزدوری یی‌کـوله، مگر په‌بدو کارونو پسی هم گرځیده ، چیرته به‌چی په‌دی اطراف‌کی سیل پیدا شو، دی‌به ورته روان و، هلته‌په‌سیل کی‌بیی سل‌نوردی مردار خوری کولی ، جنگونه به‌یی جوړول . له‌څو جنگونو څخه یی زه‌خبر یم ، پرون چی دی‌ماپه خپلو بزگرانو پسی ولیږه ، هغوی یی راوستل ، دادی ټول کلی شاهـان دی، (کلیوالو هم شاهدی ورکړه) بیادی له سترگو رپ سره والوت .

- صاحب ! نن سهار چی خبر شوم چی سپین‌گل چاوژلی دی ، سملاسی می ملك‌کاکا راوغوښت ، او ورته می وویل :«چی ژرلاړ شی ، حکومت ته هم خبر ورکړی ،اوورسره دقتل د ځرنگوالی تپوس هم وکړی ».

هغه و،چی ملك کاکا تاسوته هم‌خبردرکړ او ورسره یی دقتل په هکله پوښتنی کړی وی ، ملك کاکا چی بیرته راغی نو راته‌یی کړل :

«چی‌بیگا شپه په‌پوری غاړه کلی کـی سیل‌ؤ ، سپین‌گل هم تللی‌و ، هلته په‌سیل کی‌یی دبازگل له‌زامنو سره څه شورکړی‌ؤ. چی له سیله را او ښتی وو ، نو په‌لاره‌کی یی‌دغو هلکانو سره خبری کښته پورته‌کړی چی‌په نتیجه کی‌یی سره وهل‌کړی ؤ، او دی په‌چاکو لگیدلی و او مړ شوی دی ، بیایـی ورته مړی په‌جرگی اچولی دی ».

- ځوانه ! ډیری خبری می درته وکړی: موږ خوغم اخیستی یو ، هرچاته خپل زړه تشوو !

- نه، نه پلاره ! ماته هیڅ تکلیف نشته. اوخوښ یم‌چی ستا ټولی خبری واورم !

-خوانه !ماموران بیاله ملکه پوښتنه وکـړه! ملك هم‌بیا داخبری وکړی دکلی تواچی اوځو نوردخان ډوډی خورو پری شاهدی ووهله،او هغه خواران په‌دام کی کیو تل .

-بچیه !دبازگل زامن نوداسی خواران دی چـی په‌کلی کی سیل وی هم‌نه ورځی نوهغه و،چی مامورانو هغوی راوغوښتل اودماښام پـه‌توره خړه یی دسپین گل دقاتلانو په‌توگه حکومت‌ته بوتلل زموږ خبره‌هم‌چانه اوریدله !خان دسپین گل وارث‌وهغه خواران یی‌په‌حکومت‌کی‌سجل‌کړل او څوځو کاله یی پری قیدونه وخیږول .

خوځوانه ! دخدای‌کړوته گوره‌چی‌خدای‌انارگل په‌خان قهر کړ، او ټولی خبری یی‌حکومت‌ته ورسولی او...

-ښه نو بابا انارگل مامورانوته څه وویل:

- ځوانه !په‌ربښیا چی حق نه‌پټیږی‌دهغوخوا رانو-به‌چی دسپین‌گل په‌مرگ‌تورن‌وو، خدای حیرانیوته کتلی وی .

انارگل ته‌چی ټوله کیسه له‌سرنهٔ ترآخـره مالومه وه‌چی سپین گل‌چاوژلی؟اوڅنـگه وژل شوی ؟اوبیا داخواران څنگه ناحقه په‌زندان‌کی ولویدل نویوورځ حکومت ته‌تللی واوهغه سړی دسپین گل دمرگ پوره‌ځ‌کلی‌ته راغی‌ؤهغه‌یی پیداکړی اوټوله کیسه یی‌ورته‌کړی‌وه انارچی حقیقت ویلی ونو هماغه وچی‌بیاکلی‌ته‌نهٔ‌راغی اوبل چیری وتښتید .

ښه ښه پلاره انارگل مامورانو ته‌ویلی ووچی سپین گل چاوژلی دی ؟

-ځوانه! دا انارگل‌چی می‌یادکړ- خدای‌یی‌دی عمر ډیرکی هرچیری چی وی خدای دی یـی خوشحاله لری ـدادخان باغوان و .

-اصله کیسه خوداسی وه چی‌زمالور گل‌خانگی دخان په‌کورکی کارکاوه خوچی پیغله شوه‌نوپه سپین گل‌باندی دخان‌کورته ددی تگرښهٔ نـهٔ لگیده یوه ورځ یی‌ماوخپلی‌مورته کړل پلاره دانجلی دی نـور دخان بـابا کورته نه‌ځـی دخان خپل ځامن هم‌ځوانان دی اوبله داچی‌په کورکی‌یی نوکران‌مزدوران‌نورهم وځی رانوځی نوددی پیغلی نجلی ورتگ به‌ښه‌خبره‌نه‌وی.

-بچیه !ماومورییی دده خبروته چندان پام‌ونه کړو څکه چی‌موږدخان اوبی‌بی خپگان نشو منلی خوخیر دی چی یوه شوچی‌مور اوپلار می‌دبی‌بی اوخان خپگان ته‌گوری نوپه خپله دخان گورته ورغلی و اوبی بی‌ته یی داخبری کړی‌وه.

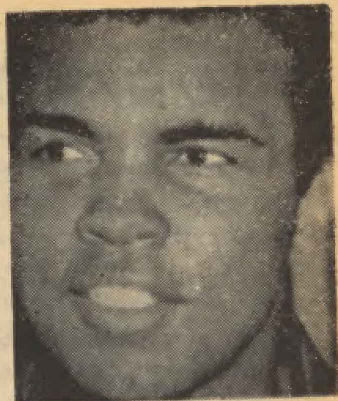
خوڅه به‌دی سرخوږوم‌چی‌بی‌بی پدی راضی کړی وه‌چی دی‌اومور به‌یی دخان په‌کورکی‌کار کوی اونجلی به‌نور نه‌ورځی .

وروسته تردی مور اوزوی دخان کورته دکار لپاره تلل اونجلی به‌کور وه .

-ځوانه ! دازموږ سپین گل‌چی و- خدای‌دی‌و بخښی-(بیایی‌سترگو اوښکی‌وکړی نه‌وژرژر یی په بارخوگانی راتویی‌شوی دیر سکه مـن هلك‌و، اودخان دمشری لوی پری‌سترگی‌خوږی شوی وی‌زموږ سپین گل‌هم پری پوهیده خـو مخه یی نه ورکوله څکه‌هغهٔ ته‌خدای داسی‌حیا ورکړی وه‌چی دچا نمك به‌یی‌چی وخوړ دهغـه ناموس به‌ورته لکه خپل ناموس بریښیده خو وړی بی‌بی به‌ډیر کوښښ کاوه چی دی‌چیری یوازی گیرکړی .

-خودخدای «ج» کړوته گوره‌چی یوه ورځ‌له ورځو نه‌سپین گل‌دخان په‌باغ‌کی‌یوازی خیشاوه کوله اودانجلی خویی په‌کمین کی‌وه نوچی یوه شوه چی سپین گل‌په باغ‌کی‌یوازی دی‌ژرژرباغ ته‌ورغلی اودسپین گل‌ترڅنگه ناسته وه‌کومه

پاتی په ۶۰مخ کی



محمد علی کلی

دربزرگترین نبرد بوکس محمد ع...

جورج فورمن کلی را باری در کنار رینگ میخکوب کرد ولی موفقیت از کلی بود

سنگین وزن بوکس که بنا م نبرد قرن معروف شد دروند هشتم جورج فور من قهرمان جهان رانقش بر زمین نمود و بعد از هفت سا ل لقب قهرمانی سنگینی وزن د نیارا حا صل نمود .

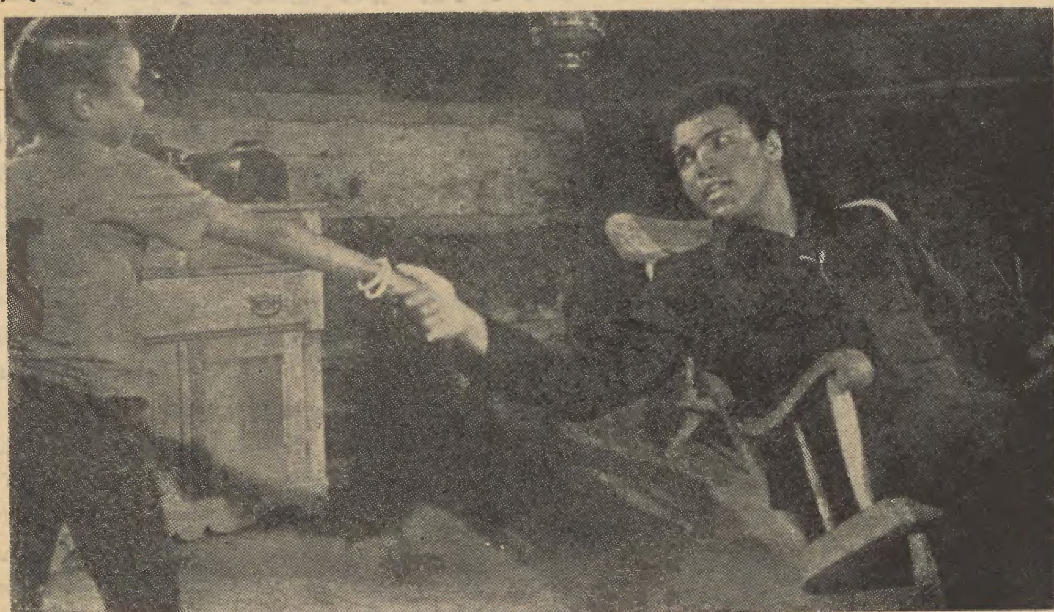
محمد علی کلی درمسابقهٔ که برای بدست آوردن لقب قهر مانی جهان صبح روز ۸ عقرب در کنیشا سا با جورج فورمن انجام داد ،بار دیگر بمقام قهر مانی سنگین‌وزن بوکس جهانی رسید .

حکمیت مسا بقه این دو مشت زن سیاه پو ست امریکایی را یک ریفری سیا هپو ست دیگرامریکایی بعهده دا شت .

محمدعلی کلی ۳۲ سال‌دارد وبه سال ۱۹٤۲ درلوئیز ویل ،کنا کی امریکا تولد گردیده است.

فور من ۹۸ر۲۷ کیلو گرام و کلی ۹۷ر۹۷ کیلو گرام وزن دارند .

قد فور من ۱۹۰ر٤ سا نتی متر و قد کلی هم ۱۹۰ر٤ سا نتی متر و عر ض سینه ها ی هریک در حالت عادی ۱۰۹ر۱ سا نتی مـی باشد .



کلی به پسر ش : عزیزم من‌دررووند ... غا لب خوا هم شد .

فورمن ۲۵ سال دارد و به تاریخ ۱۹٤٦ درشهر مارشان ـ تکسا س به دنیا آمده است.

دروقت‌اجرای مسابقه عرض سینه کلی وفور من از معیار عا دی آ ن علی التر تیب به ۱۱۵ر۰۵ سا نتی متر و ۱۱٤ر۰۸ سا نتی متر تو سعه میابد .

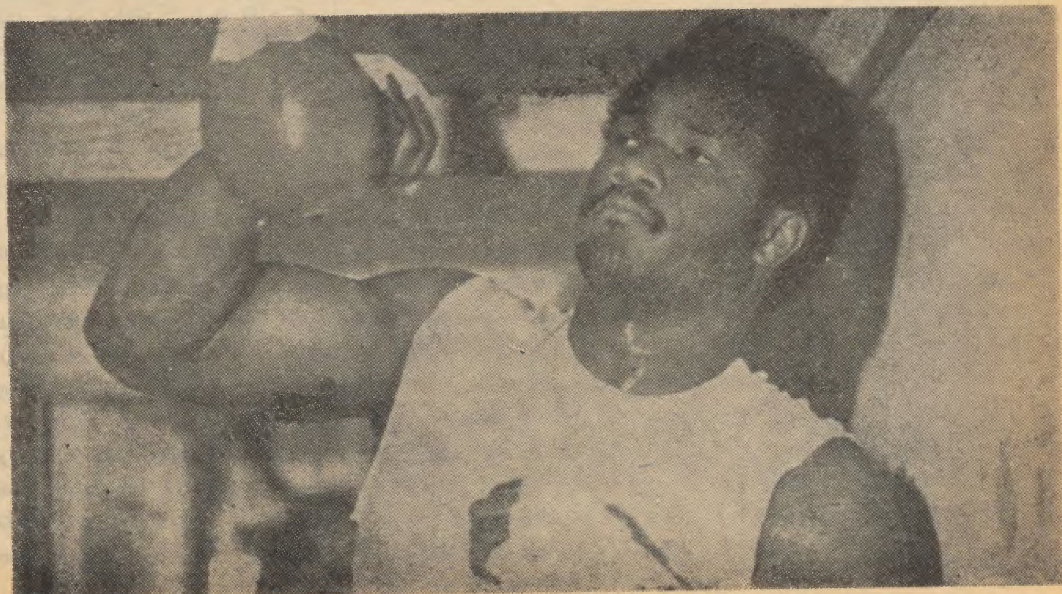
مشت فور من ۳۱ر۷ سا نتی‌متر ومشت کلی ۲۳ سا نتی متر مـی باشد .

محمد علی کلی بالاخره در مسابقه

سر انجام نبرد افسانه ای بوکس روز چهار شنبه هشت عقرب در ـ کینشاسا صورت گرفت. در پایان جدال که هشت روند بطول انجا مید بار دیگر افسانه مردی بنام محمدعلی کلی اوج گرفت ،و پیروزی حیرت انگیز کلی وشکست فورمن‌بوکسر حرفه‌ای جهان رابلرزه آورد .

مسابقه محمد علی کلی قهر مان سنگین وزن بوکس جهان وجو رج فورمن موقعی صورت گرفت که جهان به‌پیروزی فورمن می اندیشد، فتح تاریخی کلی بپایان رسید وبد ون تردید علی‌توانست فاتح رنیگ وقهر مان بوکس جهان شود .

شیوهٔ که محمد علی کلی از آغاز



جورج فورمن میگفت : مشتها ی‌من یك گاو را از پای می اندازد .

...د علی کلی بار دیگر قهرمان بوکس جهان شد

پیروزی حیرت انگیز محمدعلی کلی دنیای بوکس جهان را به لرزه در آورد


محمد علی کلی

مسا بقه باحریفش جورج فورمن بکا ر برد، یك جدال حسابی شده ودرعین حال شکل دفاع وخسته کردن حریف بود اودر روند های اول الی پنجم به کلی گذاشته بود که فورمن آخرین قدرت اش رابکار ببرد شیوه که کلی اختیار نموده بود حتما موفقیت را میتوان درآن سراغ کرد. بالا خره

محمد علی کلی زمانیکه اطمینان حاصل کرد ،ازکنار رینگ به چابك دستی خاصی که داشت دروسط رینگ پریده جای خود را به فورمن خالی کرده و این لحظه بودکه فورمن به سرنوشت مغلوب شدن اش رسید .

فور من ز مانیکه کلی را درکنار رینگ میخکو بکرد فریاد تما شا چیان استدیو رابه سرور داشته بود هر تماشا چی با احساسا ت شان ورزشکار مورد علاقه شا ن راتشویق میکردند فور من در این فر صت ضربات متعددی به کلی حواله کرد ولی هیچ یك از ضربا تاو کار ی نبوده ولی سر انجام با خالی نمودن جای اول کلی با تجر به و مهار ت، یکبار دیگر شگفتی آ فرین شدو فور من نسبت به اثرضر بات متعدد محمد علی کلی در روندهشتم نقش برز مین شدو دیگر قدر تش را از دست داده بود .

فورمن از زما نیکه تابحا ل مسابقه داده ، در حدود ٤٠ مسا بقه رابا پیروزی های چشم گیر ، انجام داده ضمن اینکه در ۳۷ مبارزه اش حریفان راناك اوت نموده بودولی قدرت اودر نبرد چهل ویکم کار ساز نشد و

همانطور یکه پیش بینی های صاحب نظران نشا ن میداد ، کلی پس از ۸ روند مقاو مت به پیروز ی با لا ی فور من دست یافت ولقب قهر مانی بوکس جها ن را نصیبب شد .

فور من تمام قدر تش را در چند روند اول تمام کرد، چنانکه کا ر شناسان ورزش بو کس جها ن گفته بودند اگر کلی تاروند هفتم و هشتم در مقابل فور من مقاو مت کندشانس پیروزی به طر ف اوست ، ز ما نیکه کلی از کنار رینگ دروسط ر ینگ پرید بامهار ت خاصی که داشت با

سرعت سرسام آوردوضربه داشت وچپ به صور ت فور من واردساخت او رابه کف رینگ نقش سا خت و فریاد های تماشا چیان استد یوم کنیشاسا رابه لرز ه در آورد .

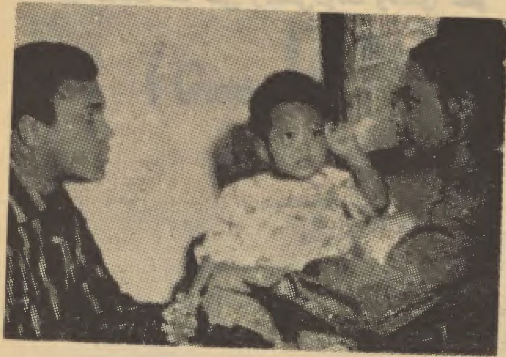
فورمن درروند چهار با حملا ت شدید ووارد نمود ن ضربا ت بدوز تاثیر کلی را سخت به مخاطره انداخته بودوچند ضربه راست وچپ به طرف کلی حواله نمودکه تماماً بی اثربود. اگر ضربا ت فور من به کلی اصابت میکرد ، بدو نشك مقاو مت دربرابر ضربا ت وی دشوار بود. تماشا چیان باو جودیکه علی ز یر ضربات فور من قرار گر فته بوداورا تشویق میکردند و فریاد مینمودند بگذار کلی نوبت با توست باید کار کرد تااین مردبه سر نو شت اش برسانی.

علی باو جودیکه ضربه های پی درپی فور من را دفاع میکردبرعلاوه آن امتیازا ت رابخود نصیب میشد،

قریب یك دقیقه کلی در کنار رینگ به چنگ فور من گیر ماند ه بودوکلی مطابق به نقشه که قبلا درموردنا ك اوت نمودن فور من در نظر گر فته بود بعداز روند پنجم ضربات اش را به فور من آغاز کرد. باآغاز شد ن این ضربا ت حرکا ت مخصو ص اش نیز آغاز نموده بودکه به جا لب شدن مسا بقه افزود شده میر فت.

فور من که در رو ند پنجم ضربات کلی رامانند باران می دید ازخستگی گیج شده بود و خیلی رنج میبرداواز واردشد ن ضربا ت کلی کنتر ول

بقیه در ص ٦٣


محمد علی کلی ،همسرو پسرش


جورج فورمن

«رشدشخصیت ازدامان مادر آغاز می یابد»

از بیانات ښاغلی رئیس دولت وصدرا عظم

(مساوات، انکشاف، صلح)شعار سال

پیوسته به شماره گذشته

زن موجودیست سزاوار احترام ودارای توانایی وقدرت آفریدن وسهم گرفتن درتمام امور حیاتی واجتماعی ، البته این حق مسلم آنها است که بایست زنان بانیرو مندی فکری خویش درامور زندگی سهیم شوند .

واما چرا امروز دربسی ازنقاط جهان وبخصوص درممالك رو به انکشاف خلای محسوسی ازنظرفعالیتهای اجتماعی وسهم گرفتن درکارهای فکری بین زن ومرد وجود دارد؟درسیر تاریخ بیشتر دیده شده که زنان کمتر درکار های فزیکی وجسمی حصه گرفته اند واین امر تااندازه ازفعالیت های اجتماعی آنها کاسته است قسمادراعصار شکوفان وترقی علوم نیز زنان کمتردرکار های مغزی وفکری سهیم میشوندوهم عوامل گونه گون دیگر نیزکه بطور متداوم در تاریخ ادامه داشته مانعی درراه سهیم شدن زن درکارهای اجتماعی بوده است. ولی آن زنانیکه مغز شانرا باکارهای فکری عمیق بکار انداخته ومحك زده اند نتیجه بدست آورده اندکه زنان به عین دست آورده مردان متفکر بوده اند.

وامروز که زن دراجتماع جای برای خودباز کرده وموقف خاص وشایسته یافته بخصوص درکشور های مترقی ،بطور واضح وروشن می بینم که قدرت کار واثر آفرینی وفعالیت های مختلفه اجتماعی زنان همسان بامردان است.

ازاینرو امروز درتمام جهان تلاش های جدی صورت میگرد تازنان موقف وحقوق متساوی بامردان را دارا باشند .تجلیل سال ۱۹۷۵ بحیث سال بین المللی زن بهترین شاهدمثال این مدعابوده وبزرگترین اعتراف تاریخی است به این نکته که زن واقعا موجود والاوبر گزیده است .

درفیصله نامه سال بین المللی زنان درملل متحدچنین تذکر رفته (برای سهیم گیری کامل زن در تمام مساعی انکشافی مخصوصا با تاکید مسولیت زنان ونقش مهم آنها درانکشاف اقتصادی -اجتماعی وکلتوری به سویه های ملی منطقوی وبین المللی مخصوصا دراثنای دومین دهه انکشاف ملل متحد .-برای درك اهمیت سهمگیری روزافزون زنان درانکشاف همکاری وروابط دوستانه بین دول واستحکام صلح جهانی)

بنا تجلیل سال ۱۹۷۵ عیسوی بحیث سال زن اقدام ارزشمندی است که ازطرف ملل متحدرویدست گرفته شده واینك درکشورما ازاین اقدام ارجمند استقبال بعمل آمده ومامصاحبه های خودرا بازنان کشور در مورد این سال ادامه میدهیم .

د نباله مصاحبه های گذشته راکه درشماره گذشته بنابرتراکم مضامین ازنشربازمانده بود اینك قسمت اخیر آن با مصاحبه که باپروین علی مدیره کوچنیانوانیس بعمل آورده ایم خدمت خوانندگان ارجمند تقدیم مینمایم . راپور از رشید آشتی

میرمن معصومه استاد لیسه ملالی در خصوص ابتکارات و زارت اطلاعات وکلتور در تجلیل از سال زنان تمجید نموده گفت :

سهم گرفتن ابتکارانه و زارت اطلاعات و کلتور در تجلیل از این سال به حکم اصل و ظیفه که مر جع خدمات اطلاعاتی و کلتوری درکشور است ، مورد تقدیر و تحسین بوده وامید است تمام موسسات مربو ط خصوصا و زارت پلان ، معارف و انکشاف دهات و موسسه نسوان در این راه بیش از همه نه تنها در تجلیل آن سهم بگیرند بلکه پروگرام های همه جانبه و عملی از طرف مقا مات مسؤل خصو صا در چو کات فعالیت های معارف و مو سسه نسوان در دهات و قراء با تدویر کنفرانس ها و فرستادن هیئت های سیار ، صحی و تعلیمی تهیه و مورد تطبیق قرار گیرد ، مخصو صا توجه بحال آن عده زنانیکه در اطراف و اکناف مملکت ما به صنایع مختلفه دستی مشغول اند و لی امکا نات میسربودن مزایای تمدن امروزی برای اکثرآنها تابحال تدارك نگردیده است .

آمره جوایز مطبوعاتی بپا سخ سوال دیگر گفت :

یکی از اهداف مهم اینکار اینست تا آنها ئیکه بنابر فقدان تسهیلات لازمه در خصوص تعلیمات متوسطه ویا بخاطر رسم و رواج های معمولی مختلف از تعلیم و تربیه باز مانده اند دو باره با تاسیس کورس های مختلف ، تعلیمات شان تکمیل شده ویا در جهت احیاء نمودن یك زندگی بهتر و عصری و معقول تشویق و رهنمایی شوند . در این خصوص وظیفه جوانان تعلیم یافته و قشر منور طبقه نسوان سنگین تر است تا آنها در مورد شنا سایی حق و حقوق و موقف زن در اطراف واکناف مملکت سعی نمایند تا نسل آینده واقعا یك نسل روشن و فهمیده در جامعه ما عرض اندا م نماید .

میرمن صالحه نظام درمورد حقوق و نهضت زنان در افغا نستان چنین گفت :

در افغا نستان زن چادر نشین و چادر پوش بود ، نه تنها حقوق شمان در نظرگرفته نمیشد بلکه از منحیث یك موجود حقیر دیده میشد ، اما چهارده سال قبل از استقرار جمهوریت و یا رژیم مردمی به اثر توجهات رهبر ملی ما ښاغلی محمد داود رئیس دولت و صدرا عظم نهضت زنان بوجود آمد و با اینکار حقوق وحیثیت طبقه زن اعاده شد و زمینه را برای سهمگیری زنا ن منور مساعد ساختند و زنان اکنون سهم گیری فعالی را چه بحیث معلم و مربی و چه بحیث مدیر و رئیس و چه بحیث وکیل وداکتر پدوش گرفتند ما یقین داریم که در آینده فعالیت زنان که نیمه از نفوس کشور را تشکیل میدهند در ساحات مختلف کشور بیشتر گردد .

موصوف در مورد بر گزاری این سال گفت :

سهم گیری موسسات از نظر وظایف فرق میکند اماتمام موسسات



زنان کشور مادر تقویه صنا یع ملی نقش اساسی دارند

همواره امید های زندگی ، ازجهش های‌احساسا ت برو مندان مایه میگیرد واین مادرانند که آنان را تربیه میکنند .

* * *

درآسمانهای برین :

فرشتگان، هنگامی که به یکدیگر زمزمه‌میکنند.

نمی توانند درمیان کلمات سوزان عشق‌خود کلمهٔ‌که بقدر «مادر »مقدس باشدبیابند.

۱۹۷۵ سال بین‌المللی زنان

بایست در بزرگداشت از این سال‌بپردازند که جنبه تشویقی داشتهٔ وحقایق روشن را برای تمام مردم بدهد و دربیداری طبقه‌زنان سهم فعال بگیرد ویك بار دیگر زنان باید موقف اصلی خودرا در جامعه امروزی‌وجامعه فردا بدانند .

اکنون که پالیسی کلتوری کشور روشن وواضح است وحرکت های مارا واضح وروشن میسازد وزارت اطلاعات وکلتوربحیث ارگان نشراتی وتبلیغاتی باید بسیار فعال باشد وازاین سال از طریق نشر کتاب ها، وسایل ، درامها، دیالوك ها وامثال آن تجلیل نمایند.

پروین علی مدیره مجله کوچنیانو انیس در مورد اقدا م موسسه ملل‌متحد در تجلیل از سال ۱۹۷۵ بحیث سال بین المللی زن گفت :

موسسه جهانی بخاطر اینکه‌بتواند توجه جهانیان‌رابه یك‌موضوع خاص جلب کند، همیشه بعضی ازسالهارا مختص به‌یك‌موضوع ساخته‌است چنانچه سال ۱۹۷٤ بحیث سال نفوس مسمی‌گردیده‌بود والبته شمامی‌فهمیدکه علت‌آنهم موضوع انفلاق نفوس وخطراتی‌بود ازاین ناحیه متوجه‌امروزوفردای بشرمیگردید به‌همین‌سان سال ۱۹۷۵را موسسه ملل متحد نظربه نقش‌زن‌در انکشاف، به‌سال زن‌اختصاص دادوآلبته این‌سال آغازدهه دوم انکشاف‌ملل‌متحدمی باشد.

دردهه اول انکشاف ملل‌متحد تجارب‌ثابت ساخت که‌انکشاف بدون مساوات وصلح میسرشده نمیتواند تاوقتیکه تساوی کامل بین زن ومرد درتمام ساحات‌زندگی‌تامین‌ویاتضمین نشود،ازیك طرف صلح کامل‌درجهان بر قرار نمیشود، ازجانب دیگر انکشاف ممالك به‌رکود مواجه شده وسیر انکشافی آن‌بطی‌میشود.

موضوع صلح جهانی ویاسعی دربرقراری صلح برای‌ایجاد یك فضای بهتر جهت‌انکشاف ممالك عقب‌افتیده یك امرمهم وحیاتی بشمار میرودآنچه درراه تطبیق مفکوره دیتانت‌موانعی راایجاد میکند، عدم‌تساوی بین قدرت های بزرگ وممالك روبه‌آنکشاف است آنچه برای انکشاف ممالك ضرور می نماید، صلح‌وآرامش است که‌آنها میتواند درپرتو آن‌اقدامات موثری درراه انکشاف خود بنمایند وسیر ارتقایی رابصورت اساسی تعقیب‌نمایند.

ارتباط بین زنان درممالك بزرگ وکوچك تهیه پروگرامهای مبادلوی دید و بازدید زنان به سویه ملی وجهانی از آرزوهای ملل متحددرمورد تامین‌بهتر وشناسایی بیشتر موقف زنان درجهان است‌ودراین راه ملل‌تعداد ازنانرایاهیئت‌های‌نمایندگی شانرابه‌کنفرانس های بین المللی جلسات واجتماعات بین‌المللی گسیل‌داشته تااین‌دید بازدید هابهترومو ثرتر باشد .

موسسه ملل متحد درتجلیل ازاین سال بیشتر برسه موضوع تاکید مینماید .

الف: گسترش مساوات زنو مرد .

ب- سهم گیری زنان در تمام ساحات انکشافی

ح: به‌رسمیت شناختن اهمیت ونقش زن‌در تقویه صلح جهان .



پروین علی مدیره کو چنیا نوانیس

پروین علی مدیره کوچنیانو انیس در موردنهضت زن‌درکشور گفت :

گرچه درکشور ماطبقه نسوان درمکاتب وپوهنځی ها پیش از نهضت‌نسوان مصروف تحصیل وتعلیم بودند ولی ساحه خدمت‌بوطن فقط درچار چوبه بعضی ازپوهنځی ها‌وموسسات نسوان منحصر بود وهم چنان توازن بین تعلیمات ذکور واناث وجود نداشت .

بعداز نهضت زنان درکشورو تطبیق‌موفقانه آن وتوجهات حکومت آنوقت درتامین این‌آرزو زنان توانستند عملادرامور اجتماعی سهیم‌شوند دختران توانستند بابرادران شان مشترکادر پوهنتون هاو دیگر موسسات تعلیمی شامل شوند وازامکانات تعلیم وتربیه سکالر شپ هاوبورس های‌ممالك دوست استفاده کرده‌ودر مجامع بین المللی اشتراك نمایند .

ولی متاسفانه دردهه اخیر اقدامات متمم دیگری دراین مورد وآماده ساختن ذهنیت‌عامه درتمام افغا نستان‌برای‌پذیرش نهضت ومجادله بارسم ورواجها وعنعنات که‌مانع سهیم گیری زنان درامور اجتماعی میشد بوجود نیامد از اینرو این نهضت فقطدرشهر ها تنهادرقشر تعلیم یافته منحصر ماند وزنان دهات وقراء ازاین نهضت محروم ماند.

گسترش وبوجود آوردن کودکستانها ، پرورش گاهها ، بخاطر تربیه بهتر فرزندان وامکانات تهیه محیطآرام برای‌مادران درفعالیت های اجتماعی ،مساله ایست‌که درتعمیم‌نهضت زنان‌در کشور سهم ارزنده دارد .

امید است درپرتو نظام مردمی جمهوریت درمساعدت ساختن زمینه‌برای تساوی‌حقوق‌زن

ورق بزنید



از سالهاست‌که زنان افغان در مؤسسات علمی مصروف تحصیل اندداین عکس عده از محصلا ن دارالمعلمین هرات در حین تجر به علمی دیده میشوند .

ومرد توجهات لازمه بعمل آید وچنانچه در بیانیهٔ تاریخی خطاب بمردم افغانستان‌بناغلی رئیس دولت وصدراعظم در مورد موقف‌زن فرموده اند :

« دولت نظر به ایجاب وضع مالی مملکت زایشگاه ها شیر خوار گاهاو کودکستانها‌به منظور حمایه‌ادران وکودکان ورشد سالــم وتربیت جدیداً ایجاد خواهد کرد» .

امید است درپرتو این توجهات وضع زنان درکشور ما بهتر وبامساعد ساختن امکانات ،نهضت زن‌سیر تکاملی خودرا بپیما‌ید .

پروین علی در مورد سهیم گیری موسسات در تجلیل این سال گفت:

درقدم اول سهم وزارت عدلیه وموسسات قضائی درتجلیل این سال مهمتر وضرورتــر به‌نظر میخورد ٠مطالعه وبررسی قوانین که‌در کشور مادرمورد زن‌نافذاست‌وبررسی خلاهـای آن وهم صورت بهترتطبیق آن‌قوانین دراجتماع کاریست که‌اقدامات لازمه بکاردارد

درقدم دوم سهم موسسه نسوان بحیث‌یك کانون نهضت زنان درکشور بااهمیت تراست مراجعه به‌افکار ونظریات زنان پیشقدم‌ومنور درگسترش فعالیت های موسسه نسوان درقرا ودهات تهیه وتدارك امکانات سهم گیری‌زنان درموسسات متذکره ازجمله اقـداما تیست که بایست موسسه نسوان باآن توجه نماید.

بقدم سوم سهم وزارت اطلاعات وکلتـور بحیث‌یك ارگان تنو یری وکلتوری درتنویر اذهان مردم نقش عمده دارد ٠درچوکات وزارت اطلاعات وکلتورتشبث رادیو درموردگسترش وفعالیت های اطلاعاتی وتنویری بیشتر ومهمتر است ٠

چون اکثریت مردم خصوصا طبقه نسـوان‌از سواد محروم اند بنا سهم رادیو پراهمیت تر می‌باشد ٠

وزارت اطلاعات‌وکلتور وارگانهای مـــربـوط به‌آن بانشر واشا عـه وتالیف کتاب هـای تنویری و آموزنده کـه نماینگر چهره واقعی زن‌باشدونشر آثار ادبی،اجتماعی ،درراه‌تبارز استعداد های نهفته زنان وبانمایش گذاشتن فلم های مستند تعلیمی وتربیوی دردهات‌وقرا برای مجادله علیه رسوم وعنعنات بی‌جاوکمر شکن که درتضعیف موقف زن نقش منفی‌دارد ازجمله اقداماتیست که نه‌تنها وزارت‌اطلاعات وکلتور بلکه همه موسسات میتواند سـهم موثر دربهبود شرایط زندگی زنان بگیرد.

بنابر همین اساس در چوکات وزارت اطلاعات و کلتور کمیته انسجام پروگرام‌کار درمورد تجلیل بهتر ازاین سال تهیه کرده‌تا بتواند بانشر واشاعه وتطبیق آن‌خدمات‌برازنده ،آنچه درخور توقع است‌به‌انجام برساند .

میرمن عزیـز ه آمـره جـوایـز مطبوعاتی دراخیر گفت :

توجه بحال اطفال و محبو سیـن زنانه در محابس و تفریق درنوع‌جرم و توسعه بخشیدن حرفه های مروجه در محابس و تدویر کورس هـــای صنعتی در آنجا کاریست که وظیفه ما را سنگین تر و توجه جدی بکار دارد. تفهیم محبوسین به آینده شان ودو باره آماده ساختن آنها برای‌یك زندگی بهتر و خلق مفکوره بـرای علاقمندی شان بـه آینـده بهتـر ، کاریست که فقط ازراه تهیه پروگرام های مفید و تنریری‌آنهاتوسط معلمین نسوان عملی شده میتواند .

به همین ترتیب ، امید واریم در پر تو رژیم جمهوریت عمو م طبـقـه نسوان بتواند آنچه حقوق مسلم‌شان است بکف بیاورند .

باید گفت در بین زنان افغـان در تمام ولایات اشخا ص یافت میشود که از نظر سویه و علم ودانش قابل تعریف اند .

واگـر کمیـسیو نـی در مـورد شناسایـی موقـف زنان تا سیـس گردد کاریست نیکو و مفـید برا ی جامعه زنان افغا ن.

میرمن صالحه نظام درپا سخ‌سوال دیگر گفت:

برای بزر گداشت این سال تمام موسسات باید آمادگی کامل بگیرند، اما این آمادگی مخصوص شهر های بزرگ‌نباشد‌بلکه‌باید‌کمیسیو نی‌ارزیابی ومعلوماتی وآنهائیکه باکلتورورسوم مردم بلد هستند تشکیل گردد .

توجه بحال صحی زنان در اطراف قابل یاد آوری است .

در افغا نستان اینکار از طریـق گروپ‌های صحی آسان میشود واما باید در راس این گروپ هـــا و در عضویت آن اشخاص فعال ، پــاك و با عاطفه باشد تا بتوانند قـدرت فنی و تجهیزات و ادویه را بـرای اعاده صحـت طبقه مذکور بـکــار اندازند .

کنون زن افغان در هر مرحله که قرار دارد باید آنها درهمان ساحـه بیشتر بکار انداخته شود که فعــلا مصروف میباشند باین ٠کار فعالیت آنها سریع میگردد .

و ضـمـنــا د رپـهـلوی آ ن ازنظر سواد زنان‌افغان باید تجهیز شوند ، وقتیکه آنها با دانش ومنور شدند اصطکاك‌فکری‌و تبادل نظریات ویا صحبت ها یی ذات البینی هـم تاثیر مثبت در رشد فکری و ذهـن آنها می کند .

ولی باید از طریق پرو گرام هایی رادیو این مساله جامه عمل بپوشد زیرا رادیو یگانه وسیله است کـــه همـــگان با آن سرو کار دارد .

این پرو گرام ها باید زنده ودارای روحیه قوی بوده و در آن ســو یه علم زنان مدنظر باشد مخصو صاًاز نظر سایکا لوجی باید بسیار عمیق و قوی باشد .

تشکیل کمیسیون برای از بیـن بردن رسم‌ورواج های یك‌امرضروری است امااین کار بایداز طریق اداره انکشاف دهات بعمل آید زیـــرا انکشاف دهات‌درولایات‌بخوبی‌میتواند ازعهده آن برآید نهایـت در مورد پرسونل این اداره باید غور شود .

میرمن معصو مه استاد لیسه‌ملالی دراخیر یادآورشد ،برآورده شدن‌این مامول‌یعنی‌بهتر شدن‌موقف‌زنان د ر اجتماع‌ما، بدون ازیك‌فعالیت سرتاسر امکان پذیر نیست و گفت آرزو مند است تا موسسات مسؤل در پر تو رژیم جمهوریت مسؤلیت بزرگی که در برابر زنان کشور دارند ، درعملی نمودن آن و سیع تر وبیشتر اقدام نمایند .

حمیرا حمیدی دراخیر ازتوجهات دولت جمهوری در پیشبرد موقـف طبقه نسوان در کشور یادآورگردیده وآرزو نمود تا نسل آینده کشور در پرتو اقدا مات مفید دو لت‌از نگـــاه رشد ذهنی و مفکوره زو شنتروبهتر بار آید .



سهم گیری طبقه نسوان در اموراجتماعی کشور

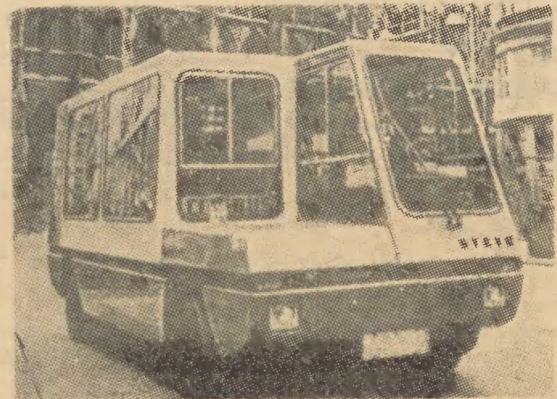


مترجم الف صدیقی

موتر های شهری

کمپنی های موتر سازی جهان سعی دارند تا سا ختمان موتر ها را نظر به ایجابات شهر های مدرن و جدید وفق دهند ، محا سبات نشان داده است که از اکثر موتر ها در تردد و گشت و گزار بین شهر ها قوی ساخته شود . واز همه مهمتر باید گاز مضر را در فضاتولید نکند .

این خواسته ها و تقا ضا را موتر های الکتریکی مرفوع نموده میتواند مدل های جدید آن شانس موفقیت



استفاده میشود ، و سرعت مو تر هائیکه در شهر ها حرکت میکنند زیاد نیست بنابر ین موتر با قدرت اعظمی خود کم کار میکند دراین صورت موتر هاییکه از آن در شهر استفاده میشود بائیست مختصر، با داشتن سیستم اداره‌ساده وماشین بیشتر را دارا اند .

برای حمل بار های کم وزن در داخل شهر سرعت حد وسط آن‌چهل کیلومتر فی‌ساعت وبعد ازیك چارج ۱۳۰ کیلو متر باشد .

در پولیند تولید موتر تیز رفتار برقی (ملکس) آغاز گردیده است . قدرت انجن آن سه کیلو وات که از طریق بتری باطاقت آن ۳۶ و لت تغذیه میشود و زن خالص موتر ۶۰۰ کیلو گرام ووزن موتر با راننده وسواری آن ۸۵۰ کیلو گرام میشود سرعت اعظمی آن ۶۰ کیلو متر فی ساعت و بعد رفتار بدون چار چ ۷۰ کیلو متر و امکان مضاعف شدن آن هم پیشبینی شده است . در نتیجه مقایسه « ملکس» با «فیات- ۱۲۵پ» معلوم گردید که فاصله هر کیلومتر آن نظر به فیات سی مرتبه ارزان‌تر است اما فیت بار زیاد تر و سرعت بیشتر دارد .





انتظار میرود که صادرات ملکس درسال ۱۹۷٤ در جمهوریت فدرالی آلمان آغاز گردد .

اما حجم انرژی بطری با حجم انرژی مواد سوخت مقایسه شده نمیتواند . بنا برین سازند گان‌موتر های شهری انجن دیگری راجستجو میکنند و موتر گاز در این حال مناسب تر حساب میشود مثلیکه میکرواتو بوس « شتیر دایملر-پوخ» که برای تردد درشهر تخصیص‌داده شده است و از اختراق گاز فعالیت میکند. این بس برای بیست سواری (۱۰ نفر از آنها ایستاده) بسر عت تا چهل کیلو متر درساعت که برای شهر مناسب است، پیشبینی‌گردیده است .

وبالاخره دومین مو تر شهر ی با انجن پترو لی معمولی « لینی‌سیما» چار نفری که در نمایشگاه بین‌المللی موتر درلندن به معرض نمایش گذاشته شد طول این موتر ۲۲۵ سانتی بود انجنیر فرانسوی موتر خود را « اور با نیکس» نا میده است طول این موتر ۲۱۵ سانتی‌متر و انجن آن زیر چوکی جابجا شده است . سرعت اعظمی موتر «اوربانیکس » به۱۲۰ کیلو متر در ساعت می رسد تاگرفتن سرعت۱۰۰ کیلومتر درساعت ۱۵ ثانیه زمان لازم است .

این نوع موتر های خورد که‌جای کم در ایستگاه و تانك های بنزین میگیرد و مصرف بنزین آن هم اندك ودارای سیستم اداره ساده است میشود به زودی شکل عمومی را در شهر های بزرگ بخود بگیرد .

علایم جدید ترافیکی درامریکا

امسال در ایالات متحده امریکا استعمال سیستم لوایح جاده های اروپایی آغاز گردید . تاکنون در این کشور لوایح جاده ها بصورت علایم نبود و این لوایح را با نوشته ها عوض کردند . اما خواندن نوشته ها درسرعت زیاد دشوار است وعلایم به یك نگاه و آن هم در صورتیکه به مطالب علایم آشنایی داشته باشند ، فهمیده میشود علاوه بر این‌درسرحد بین کشور ایالات متحده ومکسیکو ودر حوزه فرانسوی زبان هم سرحد با کا نا دا اکثر رانند گان انگلیسی خوب نمی دانند ازینرو علایم و اشارات بین المللی مشکل آنان را حل نموده میتواند . علایم جاده ها در اکثر جا ها امسال نصب میشود اما چندین سال در کار خواهد بود تاشرح آن‌هم دربهلوی این علایم باقی بماند .

بایسکل رانی در هالیند

* کشور هالیند با داشتن ۱۳ ملیون نفوس زیاد تر ازهفت ملیو ن بایسکل دارد . صرف درسال ۱۹۷۲ تعداد کسانیکه از بایسکل استفاده میکنند در این کشور بیك ملیون ، افزایش نموده نظر به معلو مات دکتوران هالیند عمر بایسکل‌سواران به مقایسه زندگی آنعده یکه از بایسکل استفاده نمیکنند پنج سال بیشتر است . علاقه مندان پیاده گردی در هالیند از حد وسط عمر باشند گان آنجا سه ونیم سال‌بیشتر زندگی میکنند .

ترجمه وتنظیم: دعا گوی

سنجی کیست؟

هنر پیشه خوش قیافهٔ که طرفدار ابتکار و نو آوری است - او بعد از یازده سال هنر پیشگی بالاخره دائرکتر شد



« سنجی» برادر دومی فیروز خان هنر پیشه فلم های هندیست که در سال ۱۹٤۱ در بنگلور دریك فامیل مستعد پتان چشم بدنیا کشوده و ناز دانه ترین فرزند آن فا میــــل بشمار میاید .

وی پس از ختم تحصیلات و قتی موفقیت فیروز خان برا درش را در بازی های سینمایی دید تصمیم گرفت او هم بروی پرده فلم ظاهر شود و برای خود مسلك هنر پیـــشگـی ر ا انتخاب نماید روی این اراده بکومك وهمکاری نزدیك فیروز خان که عده از پرو دیو سر های معروف بمبئی را میشناخت وارد حلقه سینما شد وبرای اولین بار بحیث هیرو درسال ۱۹٦۳ در فلم « دوستی» نقشی را ایفا کرد که مردم از آن سخت استقبال کردند . چنانچه بعد از هفته سوم نمایش فلم «دوستی» بیشتر ازهشت قرار داد نقشی های اول به سنجی پیشنهاد شد .

«سنجی» تا حد ودی در فلـــم «دوستی» وبعدا با ظهورش در فلم های «دس لاکــه ودل نــی پکــا را» بموفقیت و شهرت خواستنی خــود نایل آمد .

«سنجی» که در حال حاضر سی وچهارسال دارد از ردیــف هنــر - پیشگانیست که از مکتب دلیپ کمار پیروی میکند و با وصف اینکه یازده سال ازعمر هنر پیشگی او میگـذرد بقدری در حرفه و مسلك خود جلو رفته و ترقی نموده که امروز ازجملهٔ ستارگان دست اول محسوب میشود.

ناظران در مورد سنجی اظهـــار عقیده کرده اند که «سنجی» اولیــن فلمی را که درآن بعنوان هیرو ظاهر شده است « دوستی» وانمود کــرده است و لی قبل از این فلم او دریك فلم دیگر نقش کوچکی را ایفا کرده که باید آن فلم رافلم اول سنجی قبول کرد . آن فلم « تارزن کا م تو دهلی» نا م دارد .

نا م اصلی سنجی عباس خـــــان است که قبلا از دواج نموده و فعلا دوفرزند دارد . وی قبل ازسال ۱۹۷۲ فعالیت هنری وسیعی داشت واز دو سال باینطرف است که تصمیــم گرفته درفلم ها کم ظاهر شود و در مقابل چون درهندیك جنریشن نوی دربین علاقمندان سینما بمیان آ مده او میکوشد موافق بخواسته ها و آرزو های همین جنریشن نو آوری کند تا از این ر هگذر خدمتی بهنــر سینمای هند نموده باشد .

« سنجی» یکی از علاقمندان سر سخت اسپ دوانی بوده و در حــال حاضر اسپ های نهایت ورزیده دارد که قسمت اعظم پول های خودرا در دایره شرط بندی میگذارد و از این ناحیه او گاهی پول هنگفت بدست می آورد و زمانی پول هنگفت را از دست میدهد .

سنجی باو صف اینکه مقدارقابل توجهی ازپول های خودرا در آزای شرط بندی های متواتر از دست داده است باز هم در قبال هنر نمایی های یازده سالهٔ خود را بقدری پول بدست آورده که اخیرا بحیث پرو دیو سر فلم احراز موقعیت نموده است .

اولین فلم شخصی «سنجی» کــه گفته میشود پول فوق العاده درآن مصروف خواهد شد « چاندی سونا» نا م دارد که علاوه ازتهیه کننده فلم امور دایرکشن فلم را نیز خودشــ متعهد شده است .



عکس صحنه ای از فلم «چاندی سونا» رانشان میدهد که بپول شخصی سنجی تهیه گردیده است



سجنی در فلم دهند

نقش اول این فلم را خود سنجی ایفا میکند و همدوش وی زینت امان پروین بابی ، ونبی و پران نقش های را بدوش گرفته اند .

سنجی سه برادر دیگر دارد کــه فیروز خان درسال ۱۹٦۰ واردسینما شد و اولین فلم وی زمانه نا م دارد سمیر برادر خوردش درسال ۱۹۷۲ دفلم ظاهر شد که اولین فــلم او «گهومتی کناری» میباشد، اکبربرادر کوچك درسال ۱۹۷۳ دریك نقشی کوچك در فلم « انجان راهین» ظاهر شده است که نقش عمده و اول این فلم را فیروز خان بدوش دارد .

اولین فلمی که از سنجی درسینما های کابل نــمایشــ داده شده فلـم «دلی نی پکارا» است که ششی کپور بحیث سائید هیـرو ورا جـشیری بحیث هیرو یــن درآن فلـم حـصه گرفته اند .

سنجی در طول این یازده ســا ل در بیشتر از سی و هشت فلم شرکت نموده که آزفلـم هـــای مشهـــور پشپا انجلی = میله = ابا سنا = دهرکن = دهند و ابیلا شا رامیتوان یاد کرد .

در مورد سنجی اغلب ستار گان سینمای هند نظر نیکی نداشته وبه صورت عمومی عقیده بر این اســت که او جوان تند خوی ، از خودراضی مغرور و بد دماغ است که این نسبت ها را ناشی از ناز دانگی های ایــام کودکی و طفولیت او میدانند .

اما آنانیکی باوی معاشرت نزدیك دارند تما م این گفته ها را در مورد اوتردید نموده علاوه می کنند کــه سنجی جوان خلیق، مهربان وصاحب احساسات نهایت شسته و پاك بوده وبقدری خوش صحبت است که از صحبت او شنونده هیچگونه خستگی احساس نمیکند .

وشما خوانند گان محترم ابرازات خردو دسته را که متکی به خوشــ بین و بد بینی هاست جدی نگیرید.

گردن آزاده

قیدهستی نیست مانع خاطر آزاده را
دردل مینا برون گردیست رنگ باده را
خوابنا کانرا نمیباشد تمیز روزوشب
ظلمت ونور است یکسان تن بغفلت داده را
تاتوانی مشق دردی کن که در دیوان عشق
نیست خطی جز در یدن نامه های ساده‌را
همچو گوهر سبحه یکدانه دل جمع کن
چند چون کف برسر آب افگنی سجاده را
نیست سر وا بی بری ممنون احسان بهار
بار منت خم نسازد گردن آزاده را
آب در هر سر زمین دارد جدا خاصیتی
نشه باشد مختلف در هر طبیعت باده‌را
اشك یاس آلوده بود از دیده‌بیرون‌ریختیم
خاك برسر کردم این طفل ندامت زاده را
هر کجا عبرت سواد خاك روشن میکند
خجلت کور یست چشم ازنقش‌پانکشاده‌را
«بیدل» از تسلیم ، ماهم صیدد‌لها کرده‌ایم
نسبتی بازلف میباشد سر افتاده را
«بیدل»



امتحان حیات

فضای سینه قفس گشت آشیان دیگر
که‌مرغ دل‌دهد آزار سر فغان دگر
بامتحان حیات آنقدر خجل ماندم
که‌مرگ نیز نیامد بامتحان دگر
حریم کوی خرابات عشق باد آباد
که‌ما سراغ نداریم آستان دگر
زسوز سینه شمعست حال ماروشن
چه‌لازم است درین بزم ترجمان دگر
جهان اگرچه بمن حقشد ندادم غم
خیال یاروگر بیان وصد جهان دگر
«استاد خلیلی»

شگوفه نور

بمرگ روز نوا میکند پرنده شب
ولی غروب غم‌انگیز بی‌ترانه منم
بهر بهار گل‌ولاله میسر شد بچمن
کویر خشك سینه بخت جاودانه منم
بهر سپیده شگوفان شود شگوفه نور
ستیغ قطب سیه پوش این زمانه منم
دگر زکنج قفس نشنوی توناله من
پی شکستن ناموس آشیانه منم
(بیرنگ)

جنون آشکار

شرآب در سرم و دوست در کنار منست
بسیار باده که امروز روز گار منست
خدای داند و من دانم و نداند کس
که عشق کار من و می کشی شعارمنست
بچشم مست تو ساقی‌که‌امشب این دل‌مست
چو آرزوی تو بیرون زاختیار منست
پیاله رازکف از مینهم نه هشیاریست
که مرگ منتظر نوبت خمار منست
چو گل نشته در آتش گذشت عمر مرا
درانتظار خزانی که نو بهارمنست
اگر چه برهمه عالم نهفته میگریم
رهین خنده خویشم که پرده دار منست
«پژواك»

هرچند برآئینه آثار قیود رنگ‌آوردم
یابرمینای اعتبارات وجود سنگ‌آوردم
کم‌نیست که درتحیرآباد خیال ازگردنفس
بروی‌حقیقتی که جزوهم نبود رنگ‌آوردم
(ابوالمعانی بیدل)

تومرو

آفتاب وفلك
اندر کتف سایه توست ،
گررود این فلك واختر تابان ،
تو مرو!
دست طومار دل من
به‌درازای ابد،
برنوشته زسرش ،
تاشوی‌پایان:
(تو مرو !)
(مولوی)



برگ گل

در پای گلی دامن میناست بدستم
منکر نتوان بود که دنیاست بدستم
هر سبزه برقص است در آغوش نسیمی
دل موج زنان گفته که دریاست بدستم
امشب زخوشی هیچ سراز پا نشناسم
چون برك گلی زان دوکف پاست بدستم
درلانه من باد خزان راه ندارد
در گلشن دل مرغ هوسهاست بدستم
از هرنگه لذت خاصی است نصیبم
گلگشت کنان دست تماشاست بدستم
امشب که منم «واله» از وغرق تنعم
یکدسته گل از گلشن فرداست بدستم

بیا باور کنیم هیچ بدبختی وجود ندارد

ترجمه‌ی : رهپو

نوشته ی :پیسارو

ن واقعیت تلخ که سیلوی‌حامله دار
پایش شکسته ، ومادرش آنها را
ون کشیده وآنان از غرور زیاد به
سهر پناه نمی یبرند، هیچ درد
ستند، کم ازکم آنان همیشه سعی
چنان بنمایانند که هیچ مشکل

روز نشستاین هجده ساله و جو
ده ساله بود.
کارنوالی در بخش برو کلین‌نیویارك
شدند. وبعد به‌خیا بان شصت‌ویکم
ول دوم درست جاییکه جوزند گی
زدواج نمودند. کار ساده ا ی

انی دریك بار واقع محله ایست
خدمت بود، ولی پایش در بازی
جبور بود تاسیلوی رابا خودگرفته
برادر کو چك در اپارتمان‌سه‌اتاقه
کند.
اتاق سالون روی کو چی که‌به
تبدیل می شد خواب مکردند .و
بدی که داشت این‌بود که مادرجو
ی شب و حتی ۲ تا ۳ صبح
راتماشا میکرد ودوست داشت که
ی تلویزیون روی همان کوچ

شه بخاطر این حرکت با مادر
ند ونتیجه این گفتکو ها آن شد
آنان را از اپارتمانش بیرون
ن کلماتش این بود که دیگرحاضر
را بخانه اش راه‌بدهد.
شما قلب مرا شکستید ومن‌هم
ا را می شکنانم .»
بجه صبح بود .هوا به شد ت
و از اپارتمان بیرون رانده‌شدند.
ی بر خورد واز او کمك‌خواست
ارا به اداره نوانخانه ر هنمایی
ره تیلفون کرد ومامور شبانه
که‌به مر کز حواد ث غیرمتر قبه
واقع جاده ای شصت‌و هشتم
آنها به اداره مذکور مرا جعه
مو ظف آنجایك سلسله سوا ل
مغلش ، عدم توانایی اش وکمك
ود جو ازدست سوال های پشت
د وبرایشان گفت که آنان فقیرو
ـ ولی از بیرون شهرآمده‌وبکس
دزدیده اند وفقط بجای‌نیازدارند
را بگذرانند. مردآن‌هارااجازه‌داد
کی‌بخوابند .
اینکه بخواب برو ند هو ا
د لی تاساعت ۳ بعد از ظهر
ا اینکه سیلوی او را بیدار
د .»

(چی‌گپ اس)
جواز جایش پرید .
رنگ سیلوی مانند گل چراغ پرید .بوده
وپریشان معلوم می‌شد ومردم با نگاه شگفت
ده به‌آنان می نگریستند . تکرارکرد:
(بلند شو برویم)
آنها برخاستند وزنی بطر ف آ نها آمد.
(ممکن باشما کمی گپ‌بزنم) ودستش پراز
کاغذ هابود .

این حادثه همانسال رخداد . وسیلو ی
درحالیکه دربرابر رستوران املیانو منتظربود
سراپایش از برف ترشد، اوباشکم بالا آمده
زیربرف وهوای سرد انتظار می کشید،انتظار
کشنده برای برگشت جو، زیرا اوبااستفاده
از غیبت مادرش که‌برای خرید رفته بود، به
اپارتمان شان رفت تااز برادرش بیست دالر
قرض کند.
بالاخره جو در چارچوب در وازه ظا هر

رابسوی جو .
نزدیکش آمد.
(اینه کمی چارمغز)
(چارمغز هاره چه‌کنم)
آن هارا به جیبش انداخت .
(پول پیدا نشد)
(بیا برویم) مثل اینکه در مورد پو ل
توجهی نداشت .
درحالیکه جو چار مغزرا می جوید

جوبرایش گفت:
(ببین ،خانم، همی مردم‌ره کمك کنیدکافی
است ؟ گفتم که مه وزنم کمی ناراحتی
دا شتیم ، از کمك تان تشکر ، و لی ما
می‌رویم).
(گیازری از طرز کار نوانخانه راضی‌هستی
مه فقط همین رامی خواستم) .
(ببین – نام مه را خط بزن ،شنیدی؟
سیلوی اورا بطرف دروازه کشید .
«مامثل بینوا ها بنظر میایم »
میرویم سیلوی . ببین ا می‌خواهم نامه‌ره
خط بزنی)
زن رویش را گشتاند وگفت:
(جای شرم نیست)
جو درحالیکه طول اتاق راعبور می کرد
گفت :
(ما گدانیستیم .)
مردمانی که دورادور اتاق نشسته بو دند
تبسم کردند ولی تبسم ناشی از دلسوزی.
زن پیری خندید و رویش‌رابه‌طرف‌دوستش
نمود:
(آنهاپس خواهند گشت)
اوپیش بین نمود
درماه دسامبر برگ درخت هادر نیویارك
کاملا میریزند . گاهی اگر خزان درازترشود،
کمی باقی میماند وهنگامیکه‌چراغ‌های‌کرسمس
روشن می شود اگر بردر خت کاج هنوز هم
برگ باشد، خنده آور بنظر می آید. و لی
بدترین حادثه آنست که‌پیش از ریختن برگ
ها، توفان برف همه چیز را در هم بکوبد .
این حادثه هربیست وپنج سال تکرار میشود
وباخود اندوه وتاثر می آورد.
شد وبازحمت قد راست‌نمود .

سیلوی آمدنش رادید، و لی بهانه کردکه
ندیده است زیرا بچه های جلو د کان
شیرینی فروشی، که‌ممکن از دوستان جو
باشد به او می‌نگر یستند، وا ومی‌خواست
که‌آمدن جورا به‌طرفش ببینند تارفتن خودش
پرسید .

(کجا؟)
(نمی دانم . بیا ازاین چپ گرد شی‌برویم)
جوبچه هارا دید ومطلب رافهمید .
آنان بطرف غرب درجاده‌ی شصت‌یکم راه
رفتند خیابان دوم راعبور نموده واز کنار بلاك
(چیزی برای خوردن پیدا کنم ونگو که گرسنه

نیستی)
(جوی‌توچنان مینما یی که‌هیچ‌دردسری وجود
ندارد .)
(بیاباور کنیم که هیچ‌دردسری‌وجود ندارد).
بطرف نگاه‌کرد روی‌چوب‌های زیربغلش
گازمی خورد ،کاملا خوشحال است به‌هر کس
زیبائی که‌درآن سنگ های نسواری کار شده‌بود
گذشته داخل جاده سوم شدندازبین جمعیت مردم
می‌گذشتند وبه‌جای رسیدند که‌برای سیلوی
آشنا بود جوی راست رامی‌رفت ومردم رامجبور
می‌ساخت که‌برای خودش‌وچوب های‌زیربغلش
راه بدهند وسیلوی سعی می‌کرد ازخلای که
بدنبال جوباز می‌شد استفاده کند .
بلاخره پرسید :
(کجا می‌رویم؟)

تبسم می‌نماید مانند اینکه پای شکسته اش‌یك
چیز مسخره است .
درکافه تریا برایش مهربان بود بجز لحظه
های کمی دید تامبادا دختر زیبای بدون‌دیدنش
خارج شود .
پرسید :
(چی؟)
چشمان سیلوی ترو پراز اندوه بود تکرار کرد:
(امشب کجا خواهیم خوابید ؟)

(توبه اتاق مادرت ومن به‌خانهٔ مادرم)
(مدت هاست برای من پدر ومادرم‌مرده
هستند) .
وشروع بگریه کرد .
(اوه‌طفلك طفلك توگریه میکنی بداست)
صدایش رابلند کرد :
«بگذاربمردم‌نشان نته‌که همة‌چیزدرست‌است»
بگو نه‌اش دست کشید .
«بیا! بیك هوتل میرویم»
«کدام هوتل؟ »
(همان هوتل بزرگ درآخر جاده مانمی توانیسم
روی پیاده رو بنشینیم)
(من،وتو باید کاری پیدا کنی)
(مه‌نمی تانم بای‌پای شکسته کارپیدا کنم
(پس بگو ماچه کنیم ؟)
(نمی‌دانم که‌چه‌کنیم)ولی‌فکر می‌کنم ...
«سیلوی ببین‌تو باید میگفتی که‌پدرومادرت‌تو
رابااین‌وضع‌ازخانه میکشند. بااین شکم‌برآمده»
باتیره‌گی به‌جو نگاه‌کرد، باچشمان تروخسته
وبه‌آرامی دید که آخرین کشتی امیدش ازجزیره
زندگی لنگر بر می دارد واورا تنهامی‌گذارد.
ناآرام به‌چشمانش نگریست چنان به‌آنها نگاه
میکرد مثل اینکه برای آخرین بار به‌یك اتاق
خالی که‌آن راترك می‌نماید،بنگرد .همانجا استاد
جو بازویش راکشید :
(کجا می‌روی ؟)
(گم می‌شم)
اعتراض کرد
(نی)
(کر بدنبالم‌آمدی‌آخرین‌چانسی‌راکه‌منتظرش‌بودی
ازدست خواهی داد فقط برای ده‌دقیقه صبر کن
تامه‌درانبوه جمعیت گم شوم.مه‌ازپیشت‌میروم
جو،بخاطر ی‌که این بهترین راه است وده‌دقیقه
بعدتومی توانی پیش مادرت بروی ودر بستر

گرمش برای همیشه بخوابی)
اودانست .آنچه سیلوی گفته بود روشن‌بوده
وحق هم داشت فکرکردکه چقدرشگفت آور
خواهد بوداگر اوگم‌شود .تاکنون اینقدر برایش
علاقه نداشت .اومی دانست که بدون سیلوی
می‌تواند بهتر زندگی رارو براه کند ولکن این
کار برای سیلوی نیز آسان باشد ولی چیزی‌که
ازدست خواهد رفت همدیگر شان خواهد بود.
پرسید :

(کجا می روی ؟)
(تومیدانی که‌مه‌جواب داده نمی‌تانم، خداحافظ
جو)
اودوید ،درانبوه جمعیت تکان می‌خورد ـاز
نزدزن چاقی که‌بطرف دکان جواهر فروشی می
رفت ،ازبرابر مرد لاغری که‌کفش های بلند
پوشیده بود ،اززنی که‌موی های نقره‌ای داشت
بالاپوش پوست پوشیده وروی بوت‌های‌کری
بلند سوار بود گذشت ازبین دوبچه‌ی سیاه
پوست که‌هردو به‌طرفش دیدند .اودوید وجودر
جایی که‌بود ایستاده شد ،چشمش یخ
زده بود وباخود میگفت «بگذار بروه».
تاپنج بلاك دوید ازنفس‌افتاده بود شکمش
خیلی بزرگ شده‌بود ونمی توانست به‌تندی
بدود وزیر لباس های که‌برای دوروزپوشیده
بود عرق موج‌می‌زد .موی هایش پریشان بود
وباخود سبدی راکه برای خرید می‌برند ،
نداشت وبه‌این ترتیب درمیان دیگران‌مشکوك
بنظر می‌رسید ازاینکه جورا ترك نموده بود
متاثر بود .حتی اگر اونمی خواستش ،بهتر
ازتنهائی بود هوتل بزرگی راکه جودرباره‌اش
گپ زده بودبالاتر بوداگر جوتغیر عقیده بدهد
حتماً بدنبال اوبه آنجا خواهد آمد .
وقتیکه نزدیك هوتل رسید تصمیم گرفت یك
ساعت دیگر برایش وقت بدهد واگر نیامد،به
مادرش تلفون خواهد کرد یك‌دالر داشت.
سگرتش پیش جومانده بوددالر را پول سیاه
کردویك قطی سگرت ازماشین خرید وبجای‌که
چوکی هامانده ومردم‌روی آنهانشسته بودند
رفت ،نشست .

روبرویش زن‌لاغر موی خاکستری
جاکت بافتی‌سرخ پوشیده بودقرار داش
.پای هایش راروی هم‌گذاشته‌بود ودوا
بکس های متعدد قرار داشت اوتبسم
سیلوی باتبسم پاسخ داد سگرتش راباز
ویك‌دانه روشن نمود زن‌کمی به‌جلو خم
(ماه حملت چه‌وقت است ؟)
(ماه دیگر)
(اول باری است ،نیست؟)
(چه‌گونه فهمیدی ؟)
سیلوی نمی‌دانست که‌زن پای‌بسن گذ
است
«پریشان هستی ؟»
(بلی) باانگشتانش بازی میکرد .
زن ادامه داد :
(مه‌نیو یارك رادوست دارم واز جداش
بدم می‌آید)
شوهرش پیداشد وبدون نگاه کردن
سیلوی گفت :
(تکسی گرفته بیابریم)
حمال بکس های شان را گرفت
مهربانی بسوی سیلوی دست دراز کرد
(باطفلت خوش بخت باشی)
سیلوی باآرام گفت:
(بزودی به‌نیو یارك دوباره برگرد)
بعداز اینکه آنان رفتند سیلوی تصو
که‌چقدر خوب است درددل خودرا بازن د
بمیان گذارد، راجع‌به‌جو بااوحرف بزند
چگونه آنان دربرابر خانواده‌های خود پاف
کردند تاباهم ازدواج کنند ،چطور یکروز
برای ساعت تیری ،جوبدیوار آهنی پل
پنجاه ونهم بالارفت تاتوپی راکه باپا
آسمان زده وبه آنجا افتاده بود پائین آ
چگونه ازارتفاع بیست وپنج فتی بزمین
پایش شکست ،وچگونه بنزد دوکتوری
کشیش برایش توصیه نموده بود رفتند
پول پرداخت فیس داکتر رانداشتند ،و
چگونه اووجواز هم جدا شدند واونمی‌دا
بکجا وبرای‌چی برود. بلاخره سیلوی بط
قطار تلفون های عمومی رفت ،سگرت د
روشن نمود وشماره گرفت :
«هلو؟» مادرش بود .
(چطور هستی مادر ؟ مه‌سیلوی)
(کجاستی؟)
(دریك هوتل)
مادرش گوشك رادور نمود
(باپدرت گپ بزن)

«ناتمام»



جمهوری بیرغ ته

داولس دآرزوگانو می سباشه
دوطن دمستقبل دگل مسکاشه
ای‌د خوانو افغانی ارادو نخښی
په‌فضاکی په رپاشه، په‌گډاشه

اجمل خټک

متصدی ز،س

لرغونی ادب :

زمایارشه!

سرمی سل‌ځله ترتا دلبره ځارشه — ولی هومره درته وایم چی می‌یار شه
په درست عمرکی کنار راشخه گرځی — باری یوځله په مهر راکنار شه
پرهغه چی‌ستا خاطر پری آزارېږی — پربدل زما ،دلدار خاطر آزار شه
چی‌په میان ددرو مینو جدایی‌که — دغه فعل دغماز دی ،غماز خوار شه

دوصال شپه دشب قدرده «اناره»
پردغه شپه چی اوده نشی بیدارشه !

(انار، ددوولسمی پېړی شاعر)

دنتکی تصور

چی محبوبه راته وگوری مسکی شی — تقاضی می د زړگی دیوکوکی شی
زماهیره شی سپوږمی دخوار لسمی — چی‌را یاد می تصور ستا دنتکی شی
څوك چی ستا دخواهش دم‌ومی دلبرۍ ! — زما غوندی به‌په زړه پولی پولی شی
ستاکچه‌کچه څوانی ته‌چی زه‌گورم — لکه پورته‌چی له‌څوبه یوکلی شی
اوس دیار دوصالونو تنهایی‌کی — کله‌کله اسویلی کله سلگی شی

خودبه ستا غوندی همیشه دارته خیژی
چی‌په ژوندیی راخودی تودی‌کوځی‌شی

«همیش خلیل»

اوسنی ادب :

دچایاد

اندیښمنی تلوسی می ځوروی بیا

تیری هیری خاطری رایادوی‌بیا

ژړوی هسی دمینی بیوسی می

بیا دریږی زخمی زړه ته مایوسی‌می

بیاپه زړه می دعشق سری لمبی بلیږی

پری‌می سوی دغمونو تازه‌کیږی

بیا زخمونه دځیگر وهی څړیکی

تیر یادونه پکښی باسی دغم‌لیکی

بیامی هیلی دژوندون غمونه ژاړی

راسپړی می دغوځ شوی زړگی نواړی

بیامی لگی دامید په‌سر گلونو

یوسوړ باد دار مانونو حسرتـونو

بیالیموکی می ورو ورو اوښکی څڅیږی

یوآشنا غوندی تصویرپکښی‌ځلیږی

وینم بیادخیال آئینه‌کی بانه ور وځی

تیره غشی می زړه له غو ښو وځی

«دوکتور مجاور احمد زیاره»

ادبی ټوټه :

ماهیره کړه!

هغه رانه ولاړه اومروره ولاړه .

دادهغی وروستی پیغام ؤ :

نورنو په‌ما پسی لټه‌مه‌کوه ، ماهیره کړه‌مسی چی انسان دوخت په تیریدوسره هرڅه هیروی .

سره ددی چی‌وایم ته‌بی گټی مالتهوی‌خوزه لاهسی ستا دلیدو او راتلو په‌هیله دزړه وینی خورم ، لامی‌هم سترگی ستا پــه‌لاره‌نښتی اولاهم مات زړگی ته‌می داداد ورکوم چی‌ته به راشی ... که‌څه‌هم چی مروره یم . خوته باید پدی پوه شی چی زه لاهم داهیله په زړه‌کی نځوم چی‌ته به راشی.. اودزکندن‌په‌وخت به‌می په هغو سترگو ورو خپلی‌گوتی کیږدی چی کلونه کلونه یی ستا لار څارله‌اوستا دلیدو په امید روښانه وی .

خونه ! لکه‌چی هیره‌کړی دی یم ... اوزه‌هم‌پدی خوښه یم

نوځکه اوس دادرته وایم چی‌که بیاهم‌زما دلیدو لپاره هڅه اولټه‌کوی نوبی‌گټی‌ده...

هو ! په‌داد درته وایم چی بی گټی ده.. ته‌مانور نشی موندلای .

نوهرکله چی درپه یاد شوم . هغه ورځ‌درپه یاد کړه ، هغه‌ورځ چی :

هوا ترخه‌وه ، ډیــری ډیری وریځو دآسمان مخه پــوښلی وه ، زړه در دونــکی بادهم چلیده او زما ویښتان یی ستاپه سراومخ شیندل ، باران هم وریدی ... خوزداو ته ورو، ورو په هغی رښتی کی سره روان‌ووچی له‌صحرایی گلانو څخه یی ډمنه ډکه وه . . زما زړه هم دغم وریځو پوښلی وو‌او اوښکی مــی دباران دڅاڅــکو سره ډمی توئیدی ... ماتاته ژړلــی اوستا د بیــلتون‌لپاره می ژړلی .

خودا ته‌وی چی گومان دکاوه‌چی‌زه درسره‌اوکی‌کوم . . هغه کړی وه‌چی پراخه دنــیا را باندی تنگه شوه نو درڅخه ولاړم .. اودتل لپاره درڅخه ولاړم .

نواوس غواړم چی ماهیره کړی اوما پسی‌لټه ونکړی ځکه‌بی گټی ده .

ښایی چی‌ته ما پیداکړی . هو . . خوهغه‌وخت‌چی پر سینی می ډیری ډیری خاوری اوښتی‌وی مرور روح به‌می په آسما نونوکی‌گرځی اوما‌به خپله خپه اوغم لړلی ښیره‌دابد لپاره له‌تانه پټه بیړی‌وی .

«مصطفی جهاد»

ملک ته !

ستاد خانی په کلی راغی‌څر سیلاب‌ملکه
شی به خراب ملکه!

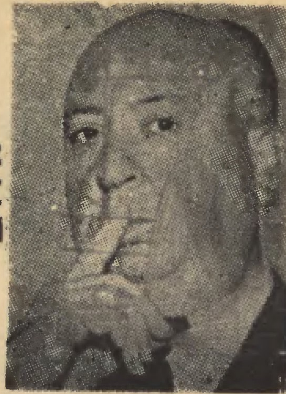
ستاد خانی کلی بر باد وینمه
دغریبانو کور آباد وینمــه
غټ خیټی واړه په فریاد وینمه
ستاکله خیالو، چی به‌راشی‌انقلاب‌ملکه !
شی به خراب ملکه!

تاکله خیال په غریبانو کړلو
ظلم دی‌تل په مظلومانو کړلو
څنگه ستم دی په خوارانو کړلو
اوس راشه‌وردی کړه داټول‌حساب‌کتاب‌ملکه!
شی به خراب ملکه!

اوس راشه وگوره داحال پخپله
خان ته‌دی پیښی کړو داجنجال‌پخپله
ښکیل شوی‌اخر پدغه جال پخپله
دخپلو کړوله لاسه‌ته‌شوی‌په غذاب‌ملکه!
شی به خراب ملکه!

دخپلو کړو دی هیڅ علاج نشته
زمونږه تاته هیڅ احتیاج‌نشته
شکر په مونږه دی خراج نشته
ته‌خولاخه‌کړی چی‌خراب دی‌شه‌نواب‌ملکه!
شی به خراب!

قلندر مومند



آلفرد هیچکاک

نو شته از : نور ما شیر

متر جم: نیرو مند

قسمت دوم

قربانی درمعبد

فاکنر به سر عت از آنجا دو ر شد واز و سط حلقهٔ از سنگها ی سلیتی و لو حه های بالای قبر ها ویاهرچه پسی از مرور چهار هزار سال درین حلقه باقی مانده بود ، قدم زنان عبور کرد. سپس به‌طرف خیابانی که مو تر ش را پارك کرده بود، روان شد.

* * *

داکتر الکساندر چر میچل، پرو فیسر در ریا ضیات بود و در حال تقا عد بسرمی برد. چشمهایش از زیر مژه های غلو غم آلود و عصبی جلوه مینمود. و قتی فا کنر خبر غم انگیز کشته شدن‌همسرش را به اطلاع او رساند، صو رت پروفیسر مانند ما سکی در آمد که تغییر افسردگی واندوه فور ا ازان خوانده شد. آندو در اتاق کو چك نشیمن خود پرو فیسر نشستند یادداشت ها و کتا بهای باز در اطراف چر میچل به روی میز و چوکی ها و حتی به روی ز مین پراگنده افتیده بود. به روی بعضی اوراق و نبشته ها یك طبقهٔ نا ز ك از گرد وخاك وجود دا شت. چند بوتهٔ زینتی در اتاق گذا شته بودند که بر گهای زرد و پژمر دهٔ آن ازانها آویزان بود. رویهٔ اکثر موبل فرسوده و سو راخ سو راخ بنظر فاکنر آمد. زن مقتوله با در نظر گرفتن وضع اتاق نمی‌توانست یك زن منظم خانه دار بشمار رود.

داکتر چر میچل با صدای‌نازکی دوباره سوال کرد: فلیسیتی مر د ه؟

داکتر چر میچل در دوران تقا عد سرگرم معضلات ریاضی اسا تیری درمنزل شخصی اش بود و تلا ش میکرد نتایج حاصله از مطا لعا ت علمی و تحقیقاتش را به جراید و مجلات مسلکی بفرو شد او مرد میانه قدی بود و سر ش را به پشت گردنش چسپا نده بود تا صور ت رئیس پو لیس را بتوا ند بهتر ببیند. طوری معلوم میشد که‌نسبت به همسر ش بسیار پیر تر یا شد.

داکتر چر میچل اضا فه کر د : اورا کشته اند؟ شما مطمئنید که او به قتل رسیده است؟

فاکنر پاسخ داد: میتر سم که بگویم بلی. بهتر است شما خو د اورا از نزدیك ببینید. آنگاه‌اطمینان شما حاصل خوا هد شد.

وقتی فاکنر پرو فیسر متقا عد را در مرده خانه رهنمایی کرده، جسد همسرش را به روی تذکره به ا و نشان داد. دیگر تردیدی باقی نماند گریه راه گلوی پرو فیسر را گرفت وفاکنر او را سر انجام با مو ترخود به منزلش گر داند ودر آنجا یـك گیلاس مشروب کنیاك بر ایشـ ریخت رئیس پو لیس اظهار داشت داکتر، شما چه حد س می زنید ؟ چه کسی ممکنست مر تکب ایـن جنایت شده باشد؟

چر میچل زیرلب زمزمه کـرد: اوه، بلی. چگو نه توا نسته نسبت بمن بچنین کاری دست بزنـنـد. درز مانی که فلیسیتی هنوز زند ه بود، وضع بقدر کافی بدبود ، ا مـا حال اکنون دیگر او را برای همیش از دست داده‌ام و برای من بـاز نخواهد گشت.

داکتر چر میچل که به فکر حفظ حیثیت و شهر تش بود، با لا خره حقایق را فاش ساخت همسر قا بل پرسش و شرا فتمند پـرو فـیسر یك‌روح لطیف و شیرین چنا نچه داکتر ویرا بهمین‌ص مفت یاد میکرد بایك با ستا نشنا سی در لـنـدن روابطی داشت.

مرد باستانشناس سال گذ شته به‌آنجاآمده‌بود، تادرباره معبدشتون هیگ تحقیق کند. وخانم چر میچل که در نجوم دیپلوم دو لتی دا شت، درین پروژه با او همکاری میکرد.

داکتر برای معلو مات انسپکتر پولیس اظهار داشت: ابتدا با و دم نمی‌آمد. تلیسیتی –نی. اوجدا مدعی بود همین بار اولست که او را می شناسد و روابطش با این‌با ستا ن شناس محض جنبهٔ مسلکی دا رد . من سعی نمودم این مطلب را بحیث یك حقیقت قبول کنم. اما آندوباهم بسیار نزدیك وصمیمی بودند. اکثر اوقات این احساس بمن د سـت میداد که اینها از مـد ت ها پیش همد گر را می شنا ختند وتحقیق در معبد شتون هیگ محض یك‌بهانه برای تجدید دیدار ویك اختر ا ع

داکتر متفکرانه بحر فها یش‌ادامه داد: شاید آنها با این کاربه نتیجهٔ نمی رسیدند. اما آنچه را مـن پسانتر در یافتم، بسیار و ا ضح وآشکار بود. آقای انسپکـتـر ! فلیسیتی هر هفته یك باربه ملا قات باستانشناس به لندن می ر فت . این رفتارش و حشتناك بود.

فاکنر پر سید: شما این مطلبرا از کجا میدا نید؟

پرو فیسر در جواب گفت: او بـه لندن می رفت و بمن در بارهٔ علت رفتنش تو ضیحاتی میداد که بـا حقیقت وفق نیمداد. فلیسیتی دروغ میگفت. دیروز عین عملش را تکرار کرد. شاید شما مرا نسبت به این رفتارم ملامت کنید یالااقل این کاررا شایستهٔ مردی به مو قف من‌ندانید. یك مرد، دا رای افتخا رات والقا ب اکادمیك، این رو شی را منا سـب تلقی نکنید. اما من میبا ئیسـت بسادگی همسرم را تعقیب کر د ه بدنبالش می رفتم و سه مر تبه‌دیدم که همسرم در داخل عمارت باستان شناس از نظرم نا پدید شد.

– اما به چه دلیل با ستانشناس تصمیم می گیرد همسر شما را به قتل بر ساند؟

پرو فیسر با لحن تمسخر آمیزی پاسخ میدهد: برای چه؟ غالبا کدام زن دیگر را پیدا کرده است وهمسر من سد را هش میشد. این با ستان شناس مرد محیلی است. جدا مـی خواهم توجه شمارا به این نکـتـه جلب بدارم که با ستان شنا سـ دارای روح خبیثی می باشد.

فاکنر دست خود را در جیـب بالا پو ش فرو برده، کارد را بیرون آورد.

چرمیچل باصدای تیز فریاد زد: قتل توسط همین کارد صـو ر ت گرفته است؟ این کارد‌متعلق بخوداو می باشد، آری، این کارد کاوشـ دونات است! مدتی زیادی ازان‌تاریخ نمی گذرد که یك روز همین کاردرا بما نشان داده بود. این کارد د لیل کافی برای محکو میت او بشمـار می رود. حقیقت ندارد؟

فاکنر وعده کرد: ما در اسـرع وقت این مو ضوع را معلوم میکنیم.

* * *

در راه رفتن به لندن فاکنر جریا ن را با هوگ پریدی معاون خودمطرح کرد. هر باری که سر جنت پولیس از شنیدن ما جرا به هیجان می آمد فاکنر را سر گرم میافت. پر یدی همیشه به شغلش طوری می‌اندیشید

بقیه درصفحه ٥٦



از مجله کاریکا دیل

مترجم : ژرف بین

حسرت

همینکه او بهوش آمد ، خانمی که کنار بستر وی بستر بود گفت :

- شما خوشبختند بر خورد با همچو تصادمی و فقط با شکستن یك پانجات پیدا کردن عجب می نماید . اگر من با این‌حادثه مواجه میشدم حال دیگر نام و نشانی از من در صفحهٔ روز گار باقی نمی ماند .

خود این خانم که چند یست در شفاخانه تحت تداوی قرار دارد . در روز های عیادتش شوهر وی میاید و آنقدر گل با خود میاورد و روی او می پاشید که همه تعجب میکند در روز های دیگر یك شخص دیگری می آید و همان کاری را که شوهر ش میکند او نیز به تقلید تکرار می نماید .

به عیادت خانم اولی هیچ کسی نمی آمد ، این موضوع را خانم دومی متوجه شد :

- شما خو شبختید . مرد ها برای ما فقط هنگامه جوئی میکنند و سرا سیمگی می آورند ، آیا شما طفل دارید ؟

خانم اولی نخواست راجع به اطفال حتی سخنی هم بزبان بیاورد ، هیچ چی نگفت فقط کمی سرش را تکان داد .

- شما خو شبختید . ودر حالیکه آه ازسینه برون میکرد ادامه داد . بدون طفل زندگی بکلی شکل دیگری دارد هیچ تکلیفی ، هیچ دردسری ، و هیچ ترسی وجود ندارد .

خانم اولی از پرگوئی او بستوه آمده بود و ریزه کاری های زندگی خصوصی خانم دومی او را بکلی گیج کرده بود .

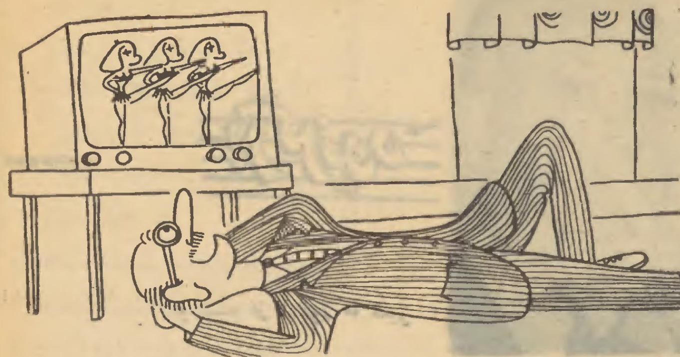
- این چه زندگی ایست که من دارم ، به کجا شکایت کنم ، اپارتمان بزرگی که من دارم همه از اشیا ی زیقمیت پر است . آیا درین عصر ممکن است خدمتگارصادق وراستکار سراغ نمود ؟ یکی هوش پرك و بی سر رشته ، دیگری دزد و فریبکار. فقط و فقط همین باقی می ماند که انسان تمام اشیاء و لوازم منزل را یکسر بشکند و یا دور بیندازد خوب شما خود قضاوت کنید سه دانه قاشق چای‌خوری نقره ئی مرا از بین یك سرویس مکمل بیست وچهار نفری آن دزدیدند . سه دانه قاشق در حقیقت تمام سرویس چای خوری هیچ! وشما اموال قیمت بهای تانرا کجا نگهداری می کنید ؟... خو شما اموال ذیقیمت ندارید ؟

- شما خوشبختید ، واقعا بهتر آنست که انسان هیچ چیزی نداشته باشد .

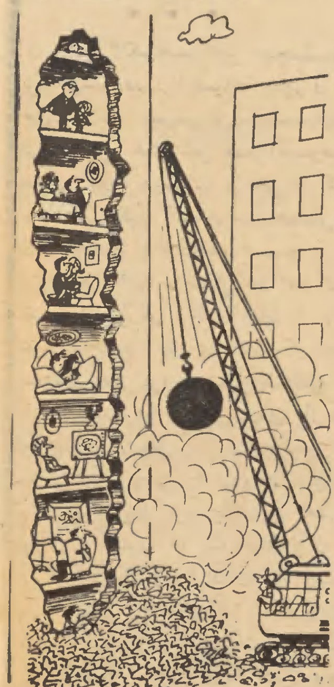
تمام زندگی‌ات را وقف این کن که لوازم منزلت را نگهداری کنی و همواره درمورد آن فکر کنی بالاخره انسان حق دارد یك کمی‌در بارهٔخود هم فکر کند و به سرو بر خود رسیدگی نماید ، زندگی من همواره در تلاطم است و همیشه در هیجان و اضطراب بسر می برم ...

در همین زودی ها دانسته شد که پای خانم اولی را درست نبسته اند وکج جوش خورده لازمست تا د و باره پایش شکستانده شود و از نو بسته بندی گردد . همینکه او را روی تذکره اندا ختند و بطرف اتاق عملیات می بردند شنیده می شد که خانم دومی زیر لب غم‌غم‌کنان می گفت :

- مردم چه‌خوشبختید !حالا میرود تا با مردم نوی آشنا شود ، ولی من بدبخت در همین اتاق افتیده ام که افتیده ام ...

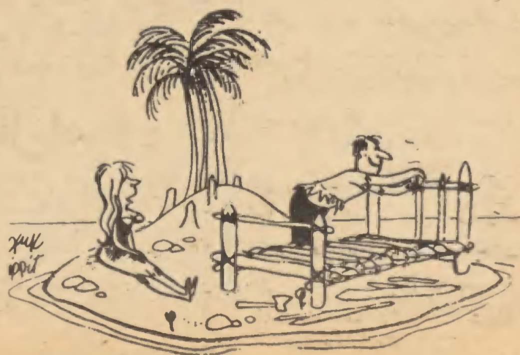


بدون شرح





بدون شرح



بدون شرح

کتاب و شفاخانه

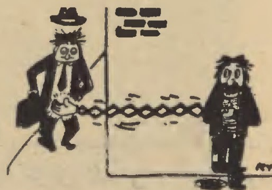
سوزی با سرعت سرسام آوری گذشت و رهروی را زیر گرفت. وقتیکه پولیس ترافیك اسم او را یاد داشت کرد و علت تصادم را جویا شد، سوزی با تبختر گفت:

- خیلی برایم عجیب است کـه علت تصادم چه بوده؟ من با آنچه که راجع به دریوری میدانم، میتوانم یك کتاب بزرگ را پر بسازم.

پولیس ترافیك اظهار کرد:

- درست است، ولی با آنچه که راجع به دریوری نمیدانید، میتوانید یك شفاخانه بزرگ را پر بسازید.

گدای عصری



« بدون شرح

سیلی پدرانه

پیتر با صدای بلند میگریست.

مادرش پرسید:

- چرا گریه میکنی؟

پیتر در حالیکه صدای گریه اش بلند تر شده بود، گفت:

- پدرم میخ را بدیوار میکوبید و چکش خطا خورد و انگشتش راافگار کرد...

مادر با مهربانی گفت:

- اینکه گریه ندارد، تو بایـد میخندیدی.

پیتر با لحن گریه آلود گفت:

- منهم خندیدم، ولی...

منطق کودکانه

هنگام عصر، وقتی یوهان بخانه برگشت، خانمش حکایت نمود که کودك شان قبل از آنکه میبایست یك دندان کرم خورده اش کشیده شود، از صبح تا چاشت گریست.

شوهر پرسید:

- خوب بالاخره چطور حاضر شد که دندانش کشیده شود؟

مادر کودك گفت:

خواهرش برایش گفت:

برادر عزیزم، اگر اجازه بدهی دندانت را داکتر بکشد، فردا یك دندان کمتر را برس خواهی کرد!

وقتیکه زنان شوق دریوری میکنند!



خانم بشوهر:

- اگر تصادفاً موتر ما تصادم کند، اطمینان داری جورج که شرکت بیمه برای مایك موتر نو میخرد؟

انتظار

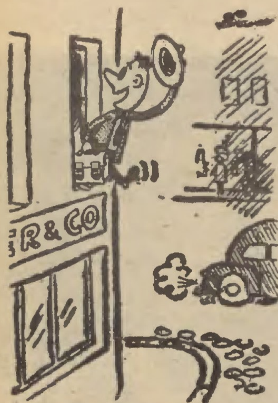


- چه میکنی؟

- ساعتم را بلعیده، منتظرم تا مسترد کند!

هیجان

- از لطف شما تشکر. غذای پر کیفی بود!...



همسر خونسرد

به «اریش» اطلاع دادند کـه خانمش در غیاب وی با یکتن از سرایندگان جوان سروسری دارد. وی بر افروخته بمنزل آمد و خانم را دید که روی کوچ لمیده، با آرامش تمام مجله میخواند.

اریش فریاد کشید:

- بگو با کدام سگ ارتباط عاشقانه داری؟

خانم بدون آنکه از مطالعه دست بکشد، گفت:

- با تو...

اریش با صدای بلند تر گفت:

- من همه چیز را میدانم.

خانم سگرت خود را روی خاکستردانی گذاشت و گفت:

- اگر واقعاً همه چیز را میدانی پس بگو: اسم مکمل یکی از شاخه های دریای راین چیست که با «ام» آغاز میشود و با «ان» ختم؟

از روی نسخهٔ طبیب!



مادر - داکتر صاحب گفته بود که بعد از استحمام ترا بزیر شعاع آفتاب خشك کنم. دیگر بهتر است صدایته نکشی!

عادت

پدر - چه میکنی فریتس؟ آیا تو همیشه باید انگشت به بینی خود و دیگران کنی؟



اطفال امروز

- نول بزن.. دلم یك گدی گك نو شده.

- ؟

- وقتیکه تو نول زدی، من گریه میکنم و مادرم برای من یك گـدی جدید میخرد.



ستارگان

مترجم: مهدی دعاگوی

مودل موفق هنر پیشه موفق

« پیتا مارین» مودل بیست و دو سالهٔ انگلیسی که او را صاحب زیبائی خیره کننده می گویندگذشته از اینکه یك مودل فوق العاده بخاطر زیبائی و اندا م کشیده و موزون‌خود بحساب میرود .چون ارتباط نزدیك فا میلی به ملکه انگلستان دارد این موضوع هم بمحبوبیت وشهرت او افزوده است .

این دو شیزه صاحب مو های‌نیمه طلائی و چشمان میشی بوده وتبسم گیرائی دارد که هر بیننده را درنگاه اول تسخیر میکند ، چنانچه وقتی اودر آخرین نمایش مود سال حصه گرفته و مصروف نمایش بود که پرودیوسروکارگردان معروف‌انگلیسی «جان هستون» متوجه اش گردید. سر انجا م این توجه عمیق نتیجهٔ‌بار آورد که « مارین» با جست دوم‌خود ازجهان مود بسوی سینما کشید ه شود چه « جان هستون» با اویـك قرار داد طویل المدتی را امضانموده است‌که برویت آن «ما رین» مکلف است در ۲۲ پارچه فلم تلویز یونی «هستون» شرکت کند .

علاوتا « مارین» دریك فلم بزرگ انگلیسی نیز شرکت میکند که این فلم بشمول فلم های تلویزیو نی در هسپانیا و روم تهیه وفلمبر دار ی خواهد شد . این مودل خوشگل بجواب یك سوال گفته است‌باظهور درپرده فلم گذشته از اینکه خودش رافوق العاده خوشحال احساس میکند یکی از آرزو های دیرینهٔ خود را نیز بر آورده میخوانه و یقین دارد در هنر پیشگی هم بمو فقیت های نایل خواهد آمد .

ستاره سینما وخبر نگاری

کاندیس برگن ستاره مشهور و بنا م رسیده هالیود که تازه بیست وهفت بهار عمر را پشت سرگذاشته است و بزرگترین نقش های ارزنده را نیز در فلم ها بازی کرده تصمیم گرفته هرچه زود تر حرفه خود را تغییر دهد و از جهان فلم وسینما یك‌قلم خودش را کنار بکشد .

« کاندیس برگن» که آخرین مشعوقه «سنا تور بوب کنیدی» بود شغل آینده خود را که بدان منهمك خواهد شد خبر نگاری خوانده‌است از اینرو فریدا در مورد توضیح‌داده گفته است « روزی که ماهیان میاید» آخرین فلم او در جهان سینماخواهد بود .

از خلال نشرات بزرگترین‌مجلات امریکائی که در این مورد سلسله ، بچاپ رسانیده است این حقیقت



کاندیس برگن ستاره که میخواهد ژور نالیت شود .

حاصل میشود که « برگن» برای حصول شغل خبر نگاری تلاش های فراوانی نموده بود و این مسلك رؤیا کهنهٔ «برگن» محسوب می‌شود واز اینکه زمینهٔ مساعدی پیش آمده که او رؤیای خواستنی خود را در آغوش میکشد فوق العاده مشعوف وخرسند است .

کاین در جال ازدواج دوم :

« میشل کاین» هنر پیشهٔ چهل سالهٔ انگلیسی که معروفیت بین‌المللی را با بازی های هنری خود در سینما بدست آورده است بعداز چهارده سال زندگی با« پاتریسا- هانیس» بالاخره جدا شد و اورا رسما طلاق داد .

« پاتریسا» که خودش ازستاره های بنام‌رسیده‌درسینمای انگلستان بشمار میاید از کاین یك د ختر سیزده سالهٔ هم دارد در خصوص این جدائی کدام ابراز نظر بخصوص نداشته و گفته است اینکار رابخاطر خوشی «کاین» قبول نموده است.

ژوندون



«روت ماریا »ستاره چهل ساله‌آلمانی‌که برای بازی درفلم های تلویزیونی‌اطریش جلب شده است

افسانه ساز

چه او از مدتها قبل میدانست که «کاین» ارتباطی بایك دو شیزه «گوایائی» داشت .

این دوشیزه « شاکره شیلابخش» نام دارد که درسال ۱۹۶۷ ملکهٔ حسن هم شناخته شده بود که «کاین» بعد از جدائی از همسرش «پاتریسا» فورا با «شیلا» از دواج نمود .

«شیلا» دریك مصاحبه‌گفته‌است:ـ «کاین» مرد ایده آلی او بوده و میتواند بگوید که اوستاره بخت برایش خواهد بود .



پینا مارین مودل زیبای دیروز و ستاره موفق امروز

شوخی همسر یك هنر پیشه :ـ

«هورست بو خهلس» هنر پیشه چهل سالهٔ آلمانی که در حال حاضر هنر پیشه بین المللی شناخته شده است دراین اواخر درپاریس زندگی میکند ولی در فرصت های مساعد برای تفریح های سالم به سویس هم میرود . اما در این باریکه او مصروف بازی دریك فلم آلمانی بود وبا استفاده از فرصت میخواست مدت کوتاهی را در سویس سپر ی کند نا گهانی بسو ی پاریس پرواز کرد .

علت این پرواز غیر متر قبه این بود تا«هورست» از زن واطفا لش که برای باز دید او بپاریس آمده بودند دیدن کند و چون عزیمت زن واطفاش بدون اطلاع قبلی صورت گرفته بود از اینرو در نخستین بر خورد با« هورست» گفت :ـکار های را که زن یك هنرمند اجرامیکند باید هنری باشد . آیا در اینکار او هنری ملاحظه میشود ؟

« هورست» به بیحو صلگی تما م گفت :ـ اینکار کوچکترین شمهٔ از هنر ندارد اما یك شوخی کا ملا خسته کن و کسل کننده حتمی‌شمار میشود .

ستاره چهل ساله و بازی‌های‌شوخ:

«روت ماریا» ستاره تلو یز یون وسینما که موفقیت های او در بازی های هنری چشم گیر و متبارز است اخیرا بسوی تلویز یون اطریش‌جلب شده که بزو دی نقوش زایل ناشدنی در تلویز یون اطریش جاه خواهد گذاشت .

جلب همکاری « ماریا» به‌تلویزیون اطریش با هتمام «فریتس اکارد» صورت گرفته است چه این مرد خودش مدت طویلی را در راه نگارش درا م ها ، تمثیل درامه هاورژیسوری صرف نموده و یکی از چهره های موفق درتمثیل شناخته میشود .



هورست باهمسر واطفالش در شهرپاریس

« روت ماریا» در حال حاضر چند فلم کوتاه تلویز یو نی را بهمکاری «فریتس» تهیه میکند تا دیده شود کار های هنری « ماریا» درتلویزیون چه نتیجهٔ برای اوبار خواهد آورد ، ولی «فریتس» عقیده دارد که چون بازی های « ماریا» همه اش شوخی است نتیجه کار اوفوق العاده‌مطلوب خواهد بود .

ممتاز هنر پیشگی راترك میگوید :

ممتاز ستاره معروف فلم های هندی تصمیم دارد بعد از نیمهٔ سال ۱۹۷۴ از سینما یکسره کنار برود. چه اوچندی قبل بایك تاجر هندی که در لندن شغل تجارت دارد رسما نامزد شد و حسب قرار قبلی کمه با نا مزدش نهاده بود در نظر دارد تا نیمه سال جاری تما م فلم های نیم کاره خود را تکمیل وبعدازدواج نموده و ر هسپار لندن شود .

نامزده ممتاز (میورمد هوا نی) منتظر است کار های هنری ممتاز بپایان بر سد تا مانعی برای از دواج شان و جود نداشته باشد و ازجانب دیگر ممتاز هم بسرعت وتلاش خستگی نا پزیر مصروف ختم کار های هنری دیده میشود .

گفته میشود یگانه فلمی که از ممتاز نیمه کاره مانده همانا فلم «مهمان» است که ممتاز رسمابااطلاع پرو دیو سر آن رسانیده است که اگر کار فلمش را شروع نمیکند ومو عد معینه بسر میرسد هیچگونه مسوولیتی در برابر آن نخواهد اشت .

محمد رفیع بیمار است :ـ

محمد رفیع معرو فترین سراینده فلم های هندی از چندیست گرفتار یك‌تکلیف شدید مزاجی گردیده که حسب توصیهٔ دوکتوران باید مدت طویلی را با ستراحت بپر دازد از اینرو او در « گهنداله» باستراحت پرداخته و بهیچگونه فعالیت هنر ی دست نمیزند تا ظران گفته اند که غیابت محمد رفیع میدان را برای فعالیت کشور کمار بیش از پیش مساعد خواهد ساخت .



میشل کاین

احمد ضیاء خواننده آواز فلکوریك «دلبر شیرین»

احمد ضیاء میگوید:

تقریبا یکنیم سال قبل براد یو افغانستان مراجعه کردم و برا ی اولین بار آهنگ اصیل فلکلوریك «دلبر شیرین» را که درمرکز ومحلات پروان و بعضی جا های دیگر وطن عزیز ما شهرت داشت در ستدیوی رادیو افغانستان ثبت نمودم .که پارچهٔ مذکور را بناغلی فقیر محمد ننگیالی با آرکستر بزرگ رادیو افغانستان هارمو نیزه کرد .

بعد از طریق دیپارتمنت موسیقی آهنگ های دیگر ثبت نمودم ، اولین آهنگم که از طریق این موسسه ثبت شد ،بنام: (میروم باحسرت حرمانها) که شعر و آهنگش از خودم است . پارچهٔ دو مم ،(چون ابر نوبهار بهر جا گر یستم)وپارچه سومم که درین اوا خر ثبت شد است ، که مجموعا تاکنون چارپارچه خوانده ام .

احمد ضیاء در مورد تحصیلش میگوید :

زادگاهم شهر زیبا و خوش آب هوای چاریکار است . تعلیمات ابتدایی و ثانوی را در لیسه نعما ن (پروان) به پایان رسانیدم . پس از فراغت تحصیل دوره بکلوریا، تقریبا یکنیم سال بحیث عضو فنی فو تو ژور نالیزم مدیریت عکاسی و زار ت اطلاعات و کلتور رسما ایفای وظیفه نمودم. یکی از آرزو های دیرینه ام، تحصیل در رشتهٔ هنر وادبیات بود تا آنکه خوشبختانه در امتحان کانکور پو هنتون کابل موفق شدم و فعلا در صنف سوم پو هنځی ادبیات و علوم بشری مصروف تحصیل میباشم .

احمد ضیاء از هنر مندان موسیقی ومورد علاقه اش چنین میگوید :

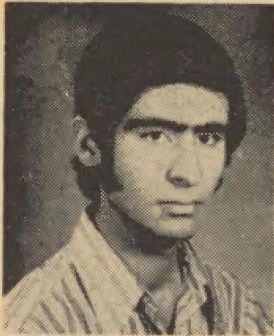
باید گفت که هر یك از هنر مندان موسیقی رادیو افغانستان از خود سبك و هنر نمایی بخصوصی دارند. علاقه ام به همه آنها به خصوص هنرمندان و رزیده و جوان ما، آقای مسحور جمال ، احمد ظاهر و ظاهر هویدا بیشتر است . در زمره خانمها به آواز « ناهید» علاقه مفر طی دارم .

تاکنو ن از کسی پیروی نکرده ام، میخواهم روش خاص خودرا داشته باشم .

احمد ضیاء میگوید :

به نواختن آرمونیه ، اکور دیون، نی و تنبور آشنایی دارم. به سبب اینکه شرایط نا مساعد بوده است،

بقیه در صفحه ٦١



احمد ضیاء خواننده د لبر شیرین

تدریس موسیقی به شیوه های جدید



مادامیکه تشخیص گردد که بحد معقول تعقیب مو سیقی برا ی اطفال ممکن است وطفل استعد اد آنرا دارد که به موسیقی رو آورد ویاد میگیرد معلمین و مسؤلین موسیقی با درك این مسایل بتدریج در آمو زش موسیقی و پذیرش آن از طرف اطفال زمینه آ مو ختن موسیقی را به سیستم جدید برای شا گردان مهیا می‌سازد. البته باید درنظرداشت که ذوق وعلاقه شاگرد به موسیقی او لتر از همه مد نظر باشدوتدریس موسیقی به شیوه هایکه برای شاگردان کم سن وسال ثقیل نباشد باید به تدریج صورت گیرد تا ازیك طرف شاگرد آهسته آهسته به موسیقی علاقه گیرد واز جانبی هم نتیجه که بدست می آید قنا عت بخش باشد ، و شاگرد بتواند در آینده موسیقی را به معنی وا قعی آن بداند .

در جستجوی دوستان قلم

بنده علاقمندم با هموطنان خویش درولایات‌و مرکز مکاتبه نمایم .
اسم منصور أعل .

در جه تحصیل : بکلوریا .
علاقمند : تکت پوستی و دید ن فلم های هنری .
زبـان : پښتـو، دری ، اردو ، انگلیسی .
آدرس ترجمان سفارت هنـد در کابل .

* * *

بنده میخواهم در مطالب ادبـی ، مخصوصا شعر و مو ضوعات اجتماعی با تمام خواهران و برادرانیکه‌مایل به مکاتبه اند نامه بنو یسیم .

آدرس : لیسه نادریه ، فقیرحسین اندو هگین متعلم صنف یازدهم دال .

* * *

اینجانب عبدالنبی میخواهم‌درباره موضوعات مختلف اجتماعی مکاتبـه نمایم .
آدرس : هرات ـ عبدالنبی متعلم صنف یاز دهم لیسه جامی .

* * *

مایلم درباره سینـما وهنر فلم برداری معلو مات جدید داشته‌باشم کسانیکه درین قسمت عـلاقه منـد باشند لطفا به این آ درس مکا تبـه نمایند .

کابل ـ لیسه نادریه، محمد زبیر متعلم صنف نهم .

* * *

آرز وی مکاتبه را با خواهرانیکه درباره بافت ماشین معلو مات دارند ومیتوانند درین باره کمك نماینـد لطفا به این آدرس مکاتبه نمایند .

لیسه عایشه درانی ، نجیبه متعلم صنف دهم .

* * *

اینجانب محمد طاهر میخواهم در قسمت جمع آوری و کلکسیون جیك قطعه با کسانیکه دراین قسمـت علاقمندی داشته باشند مکاتبه نمایم.

آدرس ـ لیسه استقلال ، محمدـ طاهر متعلم صنف نهم.

* * *

جوانان و روابط خانوادگی



در این هفته از میان نامه هـای رسیده این یکی را انتخاب نمودیم امید است که مورد دلچسپی تان‌قرار گیرد .

مو ضوع نامه ازین قرار است که پسر جوان خانواده از دواج نموده و صرف چند ماه از ازدواج آنهـا گذشته که‌بازهم جنگ‌زبانی وکنایه های همیشگی که دربعضی از فامیل ما متاسفانه رواج دارد در میگیرد.

این جنگ و دعوای خانوادگی از جای شروع میشودکه یکی از دختران جوان فا میل باتازه عروس اختلاف نظر پیدا میکند مثلا تازه عر وسـ میخواهد که شو هرش را از خرج های بیجای که در گذشته داشت‌منع نماید و میخواهد که شو هرش‌کمتر سگرت بکشد امایکی از اعضای خانه که‌درگذشته تقریباهمه‌کاره‌منزل‌است وقتیکه می بیند صلاحیت های او تا اندازه محدود میشود بنای مخالفت راباتازه عروس که خانم برا در ش است میگذارد و میخواهد که‌برادرش مانند گذشته آ زاد باشد هرچه راکه دلش میخواهد بکند و نباید آزادیش سلب گردد .

این اختلا فات و ده ها اختـلاف کوچك دیگر منجر به جنگ ز با نی وبعد از مدتی این سلسله مسایـل باعث میگردد که شیرازه خانواده از هم بپاشد .

حال بایك نظر اجما لی بر اعمال وکردار این فامیل ها نظرمی‌اندازیم و میبنیم که آیا کدام یك از طرفین حق بجانب است .

آیا جوانان ما باز هم مانندگذشته درآن زمانیکه متاهل نبودند ولخرچ باشند یا معنی اقتصاد خودوخانواده خود را بدانند ؟

آیا یك زن حق دارد که شوهرش را از بعضی مصرف های بی مورد منع نماید؟

و آیا مرد باید به گفته همسرش توجه کند یا دلایل خواهـرشـ را بشنود؟ اگر به گفته همسرش کند . خواهرش آزرده نخواهد شد؟ این‌ها مسایلی است که باید جوانان ما بـه آن توجه داشته باشند . ممکن است که بعضا با این چنین مسایل رو برو شوند و بر جوانان ماست که با درك مسؤلیت های خانوادگی خو یش تا اندازه ازین کشیدگی ها جلوگیری نمایند . در اخیر میخواهم تذکردهیم که‌نباید هیچ یك از اعضای فا میل در امور زندگی دیگران مداخله‌نمایند ونگذارند که شیرازه زندگی‌خانواده با گفته های بی مورد و بیجا از هم بپا شد .و باید تمام خانواده های ما مخصوصا جوانان ما کـه تازه تشکیل خانواده را میدهند به ایـن نکته ملتفت باشند و بر اقتصاد خود وخانواده خود توجه داشته باشند . زیرا یك زندگی آرام بدون در نظر داشتن وضع اقتصاد سالم ممکن و میسر نیست .

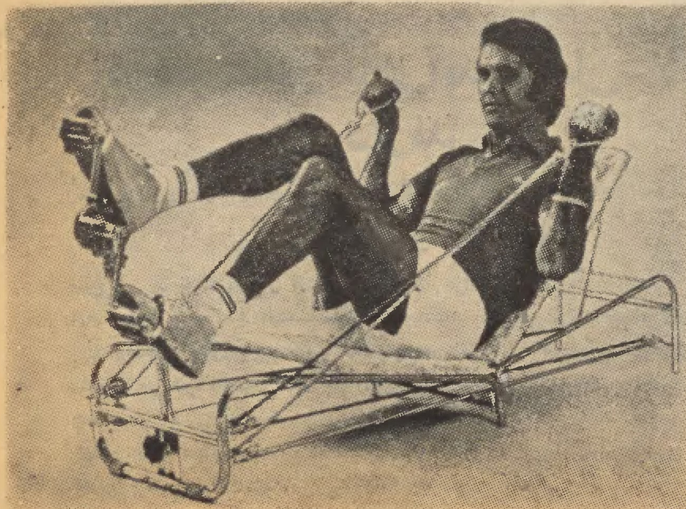
بقلم م‍ـر‍ـا

وسیله کم کردن وزن اضافی برای جوانان

در بسیاری از ممالك اروپائـی جوانان ازین و سایل برای کم کردن وزن اضافی استفاده میکنند و نتیجه که ازآن بدست آمده خیلی مفید و مثبت بوده است ، اما اگر جوانان ما به مشکلی چا قی گر فتـا ر اندو میخواهند که وزن ا ضافی خـود را تـا انـدازه از بیـن ببرند میتوانند - باورزش های سالم از چاقی جلـو گیری نمایند .

باید توجه داشت که اندام متناسب آرزوی هر جوان است چه این جوان زن باشد یامرد. بهر حال آرزو ی شان داشتن اندام متناسب و موزون میباشد .

با بکار بردن وسایل ساده‌ورزشی میتوانید به این آرزو ی خودبرسید واگر باز هم کمی مشکل پسندهستید مـیتـوانیـد کـه مـا نـنـد ا یـن وسیله ورزشی که‌درعکس دیده‌میشود بسازید و از آن استفاده نمائید.البته نباید شما به شیك بودن و خارجی بودن و سایل و رزشی فکر کنیـد تنها فکر شما به ورزش‌و داشتـن اندام زیبا و صحت خوب باشد .



شگوفان شدن استعداد های نهفته در روند تکامل



پیغله نسرین اصغر

نسرین اصغر دختر یست محجوب وآرام تبسمی که ناشی ازموفقیت وپیروزی تیمش در بازی‌های خزانی آست بروی لبانش نقش بسته است واو کاپیتانی تیم باسکبال رابه عهده داردازاو میپرسم:

ـاگر دربازی باسکتبال توفیقی نمی‌یافتی بعدا چه رشته های ورزشی رابرمیگزیدی.

آومیگوید:

«آنوقت به اسب سواری وشنا او میاوردم که البته‌در انصورت بامشکلات ومخالفت های فامیلی وضع اقتصادی که نمیتوانست به آرزویم جامه عمل بپوشاند روبرو می‌شدم»

ملیحه کپتان والیبال که‌دختری آرام‌ولی‌نسبتا جدی به‌نظر می‌رسد دراین قسمت سخنان همکارش را تائید کنان میگوید :

ـ«آنچه که میحطبرای ماساخته است وآنچه که‌فامیل مارا پرورش داده است به ماجازه نمی‌دهدتا ازحدی‌که خود تعین کرده‌اند قلم‌فراتر بگذاریم‌اما باید یادآورشد چیزی‌را که‌در تمام‌دوران زندگی ازان محروم بودیم وهمیشه طبقه‌زن وفعالیتش ازچار دیواری‌خانه بیرون نبود تحرك عظیم‌و جنبش که‌همه رابه تلاش وکوشش وا داشته است وفردای‌روشن وپرشکوهی رابه آنان نوید میدهد بدون‌شك درفعالیت های‌ورزشی طبقه‌زن نیزاثرخواهد کردوسالهای‌آینده ماصاحب چهره‌های‌درخشانی دررشته های‌ورزشی ازطبقی‌زن خواهیم شد البته ورزشهای که‌زنان می‌توانند آزعهده آن

بقیه درصفحه۶۲



پیغله ملیحه سرتیم والیبال

واکنون در پرتو شرایط جدید وباامکانات تازه ایکه درتمام شئیون زندگی ما پدید آمده است ورزش نیز آز حال رکودآن که ظاهرا فقط اسمی داشت بیرون کشیده شده وجنبش چشم گیری که نمودار فرداهای‌روشن ورزش درکشور ماست دررشته های مختلف بچشم میخورد. زناین زندانی احصار وقرون که‌استعداد ها وظرافیت های فطری‌اش‌درهمه فعالیت های اجتماعی ومخصوصا ورزش که درطول دهه اخر بکلی می خشکید واز بین میرفت، اکنون دراین دوره پرافتخار جمهوری یکبار دیگر موقع میبابد تاتوانائی واستعداد خودرا بروز دهدودر زندگی اجتماعی امروز همگام بامردان آنچه راکه بدو سپرده شده است بخوبی ازعهده انجام آن برآید واین چیزیست که‌باما‌نوید میدهد که‌ورزش پس‌از ازاین به‌انجمن های‌ورزشی مخصوص مردان محدود نخواهد ماند ودرآینده ایکه زیاددور نخواهد بود چهره های‌ممتازی ازمیان زنان‌و دختران علاقمند به‌ورزش خواهم برداشت.

برای تشویق ومعرفی استعداد های ورزشی دختران جوان وارج گذاشتن، به‌تلاش وکوشش گروهی شان مصاحبه‌ای داریم بادو سرتیم ورزشی‌لیسه ملالی‌که دراین صفحه ازنظرتان میگذرانیم.

این دوازآن جمله ورزشکارانی اندکه‌مدت مدیدی است کاپیتانی گروه‌های ورزشی باسکتبال ووالیبال خودرا به‌عهده دارند.



تهیه‌از : مریم محبوب

دخترها به‌زیبائی اندامشان علاقه دارند

پس اگر میخواهید اندامتان برازنده باشداین ستون‌را مطالعه کنید .

صبح قبل از ناشتا درهوای آزاد بروی‌فرشی‌آرام قرار بگیرید شرطش این است که لباس آرام وراحت به‌تن کنید البته به‌خاطر داشته‌باشید که‌این‌سپورت برای‌خوردشدن شکم‌وکمر بوده وهمچنان برای‌زیبایی‌پاهامفید تمام‌میشودپاهارا دراز کنید خودرا خم نمائید طوریکه‌کمر وشانه منحنی شود انگشتان دست چپ رابه‌پای‌راست برسانید وانگشتان‌دست راست رابه‌پای چپ

ناگفته نماند که‌پاها به‌تناسب قدشما ازهم‌فاصله داشته‌باشد این‌عمل راهرروز صبح چندین مراتبه اجرا کنید .

بعد ازجابر می‌خیزید دستها رابطور آزاد تکان‌میدهید ونفس عمیق می‌کشید .

ورزش



چاپ‌انداز ماهر
یاقهرمان امسال بزکشی

امسال ، باز هم، چاپ اندازان ماهر و اسپان قـوی و تنومـنـد، از آنسوی کو هپایه های هندوکش ،در مرکز کشور شان هیا هوی‌سردادند وجاده های شهر را سم‌باران کردند. شهر یان کابل ، شاهد مسابقات بزرگ بز کشی در چمن منطقه‌جشن بودند . و از نزدیك به عظمت ایـن بازی اعتراف کردند .

بر دباری ، حوصـله ، حـزم، متانت ، و خوش طبعی ، خصایـل است که نه تنها در چهره چـا پ اندازان دیده میشود ، بلکه فقط‌گویی اسپان تنو مند و با همیت شان نیز این خصایل را بخود دارند .

در این مسابقات که تیم هـای ۹ ولایت کشور اشتراك دارند روز اول عقرب باشکوه ترین مسابقه در چمن منطقه جشن در حالیکه هزاران نفر در دندانه های غازی ستـو دیم گرد آمده بودند انجا م دادند . دراین روزبین تیم‌های ولایات مختلف‌کشور مسابقات آغاز یافت ودرن تیجه تیم ولایت تخار با اخذ سه نمبر، درجه اول شناخته شد ، وبیـرق و کـپ قهرمانی نصیبش گردید .

کلید پیروزی تیم ولایت تـخار ، فقط بدست چاپ اندازی بود که نیرو و توانیش بیشتر و اسپش قـوی وتنومند تر بود و اوتوانست‌پیروزی را نصیب تیم و رفقایش نماید .

اکثراً چاپ اندازان به پهلـوا ن مشهور اند ،وآنها آدم های‌هستندکه ازخصایل ،شهامت ، جوا نمرد ی و بردباری و قوی دل بـودن بیشتـر برخور دار اند وآنها بیشتر‌باسواری اسپ های اشخاص دیگر در ایـن سپورت میپردازند ویا از جـا نـب اشخاص دیگرآنها براینکاراستخدام‌و اعاشه میشوند ولی قهرمان‌تیم‌تخار خودش ، با اسپ شخصی خویـش قهر مان امسال شناخته شد .

پهلوان حفیظ قهر مان امسـال بزکشی، که خیلی آرام و خوش‌طبع مینماید در چگونگی های موفقیت و سپورتش با خبر نگار ورزشـی ژوندون لحظهٔ پس از موفقیت‌آنروزه اش چنین گفت :

بیست سال است که به مسابقات بزکشی، در کابل ، تخار و بعضـی ولایات دیگر میپر دازم واکثراموفقیت نصیب من وتیمم بوده‌است ،پیروزی امسالم ، که نخستین موفقیتم در مسابقات ایا م خجسته جمهو ریـت است ، مرا بی اندازه خوش ساخته است و برای من و رفقایم، افتخار بزرگیست که کپ قهرمانی را ز عیم ملی‌مانبناغلی رئیس دولت‌وصدراعظم برای ما اهدا ء نمود .

او که ۳۷ سال عمر دارد ،و لی مسن تر معلوم میشود ، گو یا ایـن سپورت او را پخته تر و تنو مند تر ساخته است گفت : در ولایت خـود ودیگر ولایات بعضا بخاطر مو فقیت هایم ، اهدا یای مانند تفنگ، اسپ، سکه های طلایی از طرف تماشاچیان ومردم برایم داده شده است .

او که شا گر دانی نیز تر بیه‌کرده است از هم باز هایش ، و یا ازچاپ اندازان دیگر مانند سید عمر ازتخار ومعصوم صفت کرد و بازی آنها را ستود .

پهلوان حفیظ ، بیشتر به‌خربوزه وکباب علاقه دارد واز مهمان نوازی های ریاست المپیك به خوشی یـاد کرد و در اخیر از تشویق ریاست المپیك در راه انکشاف سپور ت در کشور آرزو مندی خویش را ابـراز داشت.



پهلوان حفیظ چاپ انداز ماهرولایت تخار

مسابقات تورنمنت‌خزانی نسوان دوباره آغازشد

تورنمنت خزانی مکاتب نسوان که‌بنابرآمدن ماه رمضان به تعویق افتاده بود دوباره آغاز یافت این مسابقات که به سیستم لیك آغاز یافته بود. باید هریـك از تیم های شامل تورنمنت باتمام اشتراك کنندگان مسابقه را انجام میدادندکه‌به‌این اساس‌دراخیرهرمسابقة هر یك از تیم هـای که زیـاد ترین نمبر را گرفته باشد قهرمان شناخته میشوند.

قبل‌ازعید نتایج معلوم نگردید که مامیتوانیم منتظرنتایج نهایی مسابقات در هفته آینده باشیم.

(عکس‌مقابل‌صفحه جریان مسابقات نسوان رانشان میدهد .)

چشمهای شما، سخنگویان عاطفهٔ شما اند



چشم ها حرف میزنند شادی میکنندواندوهگین میشوند پس اگر میخواهید چشم های شما به قشنگترین شکل قصه بگوید به شفافیت آن‌ها به‌زیبائی آن‌ها وبه عواملیکه باعث خرابی‌آن میشود توجه کنید ۰

نگهداشتن چشم

اطراف چشم هارا باکریم یاروغن مخصوص چشم چرب کنید ۰تاپوست اطراف چشم به‌اثر خستگی پوست چین وچمبلکی پیدا نکندزیرا پوست اطراف چشم خیلی لطیف وحساس‌است خارش پلك های چشم به‌احتمال قوی دراثـر حساسیت است اگر بعد از استفاده واستعمال آرایش چشمایتان خارش پیدا میکنـــد ازآن استفاده نکنید اگرخط چشم میکشید باید راه در ست و معـقـو ل آنرا بـدانیـد خـط چشم را بـایـد از گـوشه داخـلی چـشم تاگوشه خارجی آن کشید وخط چشم باید خیلی باریك وظریف باشد ۰

سا یه را در رنگهای گو ناگون وانواع پودر بدست آورده میتوانید اما پیش ازاستفاده باید دانست که‌سایه چشم همانطور که‌از نامش معلوم است سایه است ازیك رنگ پس باید ازآن‌به مقدار کم وخیلی بادقت استفاده کرد۰ سایه چشم باید ازحدود گوشه خارجی ابـرو تجاوز نکند درزیر ابروها ازسایه کمرنگ که برازنده صورتتان باشد استفاده کنید قبل‌ازاین که‌منزل راترك میکنید نگاهی به‌صورت خـود بیندازید تااگر نیاز به‌ترمیم داردداو راتجدید کنید ۰

ایمل :ـ

همانطوریکه ریمل زدن درست زیبایـی چشم هارا دوچندمی‌سازد عکس آنهم از زیبائی چشم به‌همان اندازه می کاهد ۰

کوشش کنید که برس رابه نوك مژه‌هاتماس دهید تابه طول مژه‌ها بیافزاید باید کوشش کنید که‌به‌فرم مژه هاریمل انتخـاب نمایداگر موهای نصواری دارید ازریمل قهوه ای‌رنگ استفاده کنید واگر مژه های تان سیاه است ازریمل معمولی کاربگیرید تاآرایش جعلی‌جلوه نکند ۰

قاطه مژه‌هارا برجسته می‌سازد اماموا‌ظب‌باشید که‌مژه زود می‌ریزد ۰

کوشش کنید که‌آرایش‌لب‌باآرایش چشم‌وابرو هماهنگ باشد درپوست های گندمی لبسرین تیره بزنید ودر پوست های روشن (گلابی)از روژ قهوهٔ یاطلائی تیره استفاده کنید ۰

اگر جلد صورتتان سبزه تیره است ازرنگ‌های روشن که برازندهٔ لب‌است استفاده کنید ۰

کوشش کنید که‌موهادر روز بسیار ساده وبی آرایش‌وپیچ‌درپیچ باشد چون‌احتمال داردبدون تافت خراب شود واز طرف دیگر زود خودرا بازنماید که‌ترمیم دوباره آن‌وقت زیاد رادربر میگیرید اگر هرقدر موهای تان‌به شکل‌ساده آرایش داده شود شاید به‌صورتتان زیبنده‌تر باشد ظرافت وزیبائی طبعیی زن‌ودختربالعموم درساده گی وبی آرایش جلوه میکنداگرممکن است ازآرایش غلیظ صورت جداپرهیزیدچون درغیر آن لب‌هاو چشمها بارنگ های غلیظ به نظر مردم بسیار زننده جلوه میکند

فرستنده : سیده شامل

اگر میخواهید لکه های لباس را پاك کنید این ستون رابخوانید

لکه شمع

اول باناخن ویا پشت چاقو شمع را از روی پارچه بتراشید بعد زیر وروی‌آنرا دو نکه تر را گذاشته اطوی داغ را روی آن‌قرار دهید اینکار در اغلب مو ارد لکه را بکلـی ازبین میبرداما اگر مشا هده کردید که‌هنوز اثری از آن مانده است پنبه ای رابه‌الکـل آغشته کرده باآن بقیه لکه را پـــــاك کنید.

برطرف کردن لکه زردی ا طو

اگر لباس در اثر کشید ن اطوی‌بسیار داغ زردشده باید لکه‌آنرا باآب اکسیژنـه، معمولی پاك کنید اگر امکان آن نبودبابراکس که‌ماده سفید رنگی است پاك کنید این‌ماده راازدواخانه ها میتوانید بد ست آورید.

استفاده ازپودر رختشو یی آنز یم دار

بقیه درصفحه ٦٣

پاسخ‌ها به‌نامه‌ها

خواهر عزیز فاطمه ازشاه شهید :

نامه پراز لطف شمارا گرفتیم ازاحساس نیك تان درمورد مطالب این صفحه سپاسگذاریم۰ درباره مشکل تان بایدگفته شود که‌اگر خودتان زحمت کشیده به‌اداره ژوندون تشریف بیاورید شاید بتوانیم به‌کمك هم‌وگروه مشورتی خود گره‌از مشکل تان باز کنیم

ودیگر این که‌شما آنطور موضوع راکه اتفاق افتاد برای مانوشته نکرده‌اید که‌ما اصل مطلب رادریابیم وبرای شما پاسخ بدهیم ۰

الله یارتان

دوست عزیز پیغله فریده سعادت :

مضامین جالب تانرا راچاپ میکنیم شما تاحد توان کوشش کنید مطالبی برای ما بفرستید که مطابق روحیه مجله بوده وهم آموزنده ومفید باشد البته مجله‌ژوندون‌به همکاری‌شما دوستان سخت نیاز دارد ۰

موفق باشید

تورنمنت خزانی باسکتبال درجمناز یوم پوهنتون کابل

تورنمنت خزانی باسکتبال به اشتراك تیم های پو هنځی های مختلف پو هنتون کابل به سیستم دبل‌نك اوت آغاز یافته و تا هنوز دوام دارد این مسابقات تا اخیر طوری دوام دارد که بادو باخت یك تیم از مسا بقات خارج میگردد، این مسابقات درروز های شنبه ـدوشنبه وچهار شنبه صورت میگیرد .

باو جود آنکه امتحانات نهایی پوهنځی ها رو به نزدیك شدن است ورزشکاران به مسابقات شان ادامه داده و علاقمندان سپو رت با ذوق و علاقه‌مفرط به تماشای‌مسابقات می آیند.



دراین روز مسابقه باسکتبال لهیجانی تربود وگروهی زیادی ا زعلاقمندان سپورت ، در جمناز یو م پوهنتون کابل گرد آمده بود .

نتایج مسا بقا ت این هفته : تیم پو هنځی حقوق ۵۸ مقابل ۴۴ بر تیم پوهنځی ادبیات تیم پوهنځی انجنیری ۵٤ مقابل ٤۵ برتیم‌پوهنځی علوم ، پو هنځی اقتصاد ٦۰ مقابل ٤۹ بر تیم پو هنځی طب ، پو هنځی پولی تخنیك ۵۳ مقابل ۲۳ بر‌پوهنځی زراعت، همچنا ن پوهنځی علوم ٦٤ مقابل٦۳ بر تیم پو هنځی اقتصاد وتیم پو هنځی انجنیری ٤۱ مقابل ۳٤ بر تیم پو هنځی طب و تیم پوهنځی حقوق ۱۸ مقابل ۳۵ بر تیم وترنری و تیم پو هنځی انجنیری بر تیم پو هنځی پولی تخنیك غالب شده اند که به این اساس تیم های پوهنځی حقوق و انجنیری با امتیاز بیشتر و نداشتن باخت موقف خوبتری را دارا هستند وتیم‌پوهنځی اقتصاد نسبت دو باخت از جدول مسابقات کشیده شد .

ژیمناستك در اتحادشوروی

دراتحاد شوروی ٦٤۷۰۰۰ نفر به‌ژیمناستك اشتغال‌دارندو ۱۲۰۰ موسسه تعلیمی‌ژیمناستك برای نوآموزان افتاح شده است تقریبا پنج هزار معلم به‌علاقمندان این نوع ورزش در پی بردن برموز آن کمك میکنند. ژیمناستك بعنوان وسیله ای جهت تکامل جسمی‌جوانان وهم بعنوان گسترده ترین ودسترس ترین وسیله بسیار مهیج در زمینه تاثیر تربیتی برای تماشاگران وهم کسانیکه به‌ژیمناستك می پردازند میباشد.

میرمن لارسیسا لاتینینا معلم جوان تیم انتخابی زنان اتحادشوروی در ورزش جمناستك که سه بار عنوان قهرمان المپیك را بدست آورده است، میگوید:

درمسابقات مانه‌تنها پیروز شوند گان بلکه شکست خوردگان نیز وضع جالبی‌دارند. دلیل این حرف آنست که بسیاری این شکست خوردگان میتوانند درآینده به پیروزشوندگان مبدل گردند.

ولی پیش از اینکه سفر فردا راشروع کنیم ،نگاهی به سیمای آن آدمهای مینمائیم که امروز پیروز میشوند.

در خزان سال ۱۹۷۲ در میونیخ‌الگارا «زن جادوگر المپیك» میخواندند ولی درحین بازی وقتیکه از لباس ژیمناستك جدامیشود محزون میگردد وحتی‌به گریه درمیایدهنگامیکه عالی ترین امتیاز ها را در یافت می کند از خوشحالی می پرد وچهره اش برافروخته میشود، الگا اندام کوچکی دارد قدش ۱۰۰ سانتمتر است میتواند ودوست دارد برای خودش عدای طرفدار ودوست بدست آورد، وی همیشه آماده است باحرکات فوق العاده سخت باعث تعجب دیگران گردد معلمین عقیده دارند، پیغله الگا کوال چنان‌ژیمناستی است که میتواند راه ورسم پرافتخارمکتب ژیمناستك شوروی را در باره مهیج ترین رشته ای که اکنون خیلی مورد علاقه جوانان میباشد یعنی در باره حرکات آزاد ژیمناستك ادامه دهد، در عین حال این دخترك ظریف که دارای روش ملایم وگرم استوضع‌مطمئن برای خود نه تنها روی تشك بلکه روی‌پارالل نیز احساس میکند. او در سال ۱۹٦۱ در شهر المان متولد شد. مادر وپدر الگا که سابقا ژیمناست بودند ویرا وقتیکه شاگرد صنف اول بود وارد درس ژیمناستك کرده بودند.



گوشه ای ازمسابقات باسکتبا ل‌درتورنمنت خزانی نسوا ن

شماره ۳۳ و ۳٤



معمای منظوم

ازین معما که سراینده اش مولیناجامی است . اسم (نجم) استخراج میشود .

کمی دقت کنید ، راه حل آن پیدامیشود و اگر موفق نشدید باید تا هفتهٔ آینده صبر کنید .

بکنج مدرسه آن‌ماه صرف خوان‌با من
نهـادگوش به نی دوش جام می بر کف
برای نام چو کرد م سوالش ازنی‌وجا م
بخنده‌گفت که‌نی ناقص است‌وجام‌اجوف

یك‌معمای جالب حسابی

یك عدد که از چهار رقمی کمتـر نباشد (اگر بیشتر باشد پرواندارد) انتخاب کنید ، همان عدد را بطوری‌بنویسید که اولین رقم سمت چـپ آن زیر چهار مین رقم واقع شـــودآنگاه هر دو را جمع کنید واین‌حاصل جمع را ابتدا بر عدد (۷) تقسیم‌کنید،خارج قسمت آنــرا بر عــدد (۱۱) تقسیم کنید و خارج قسمت ثانی رابر عدد (۱۳ تقسیم نمایید، همـا ن عدد انتخابی اول بدست می آید .

آیا میدانید چرا؟

اگر جواب این پرسش را یافتیدبه ما اطلاع دهید و گرنه تا هفتـهٔ آینده صبر کنید و در همین صفحه‌بخوانید .

صورت حل جدول اطلاعات‌عمومی شماره قبل .

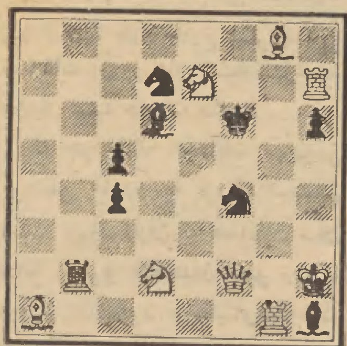
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	ش	X	X	ا	X	X	X	X	X
۲	م	ش	X	س	X	X	X	X	X
۳	س	م	ش	ت	X	X	X	X	X
۴	ت	س	م	ش	X	X	X	X	X
۵	ب	ا	ی	م	ش	پ	X	X	ا
۶	ر	ل	ر	ا	م	ش	X	X	ش
۷	ی	ن	ا	م	ش	م	ش	X	ک
۸	ز	ه	ن	X	ی	ی	م	ش	ا
۹	ی	ا	X	X	ر	ن	ا	م	ش
	X	ر	X	X	X	ه	ل	ع	م

حل جدول اطلاعات عمومی‌شماره‌قبل

صورت حل مسأله شطرنج شماره گذشته

۱ـ کلید مساله: فیل سفید ا ز خانه (د ـ۵ به خانه (وـ۷) میرود.

مسأله‌شطرنج



نوبت حرکت باسفید است ، حرکت میکند ودر حرکت دوم سیاه را مات می نماید .

اگر رخ سیاه (وـ۸) آنرا بزند .

۲ـ رخ سفید (زـ۵) به خانـــه (ا ف ـ۵) میرود، کش ومات .

اگرفیل سیاه (بـ۷) به خـا نه (بـ٦) برود .

۲ـ پیاده (دـ۲) به خانه(دـ٤) میرود کش و زیر ومات . فیـــل (الف ـ٦) آج رخ است .

اگر پیاده (بـ۷) به خانه(بـ٦) برود .

۲ـ پیاده (دـ۲) به خانه (دـ۳) میرود کش وزیر ومات .

اگر پیاده (بـ۷) به خانه (بـ٥) برود.

۲ـ پیاده (دـ۲) به‌خانه (دـ٤) میرود کش وزیر ومات .

بیاد داشته باشیدکه در مسا له شطرنج همیشه سفید از طرف‌پایین رو به بالا وسیاه از طرف بالا رو به پایین حرکت میکند و باید تعداد حرکت از همان اندازه ای که درطرح مساله معین شده است تجاوز نکند.

ولی این‌معما مشکلتر است

```
**********  |   ؟
***         |*****۸**
---
  ***
  ***
  ---
   ***
   ***
   ---
      **
      **
      ---
       ***
       ***
```

اعداد گم شده را پیدا کنید

به این تقسیم توجه کنید، بجای تمام اعداد آن بجز یکی که عدد(۸) است ، ستاره گذاشته شده اسـت مـقـصـوم عـلـيـه هـم معلـو م نیست تصو ر نـشود کـه قـیمت ستاره هایك سان است ، یك ستاره ممکن است صفر باشد ، دیگری یك باشد دیگری پنج باشد یعنی همـهٔ آنها یك چیز نیستند ، آیا می‌توانید اعداد اصلی را پیدا کنید؟ شایـد بتوانید و لی از شما میخواهیم کـه بنویسید چگونه آنها را پیداکردید؟

ژوندون

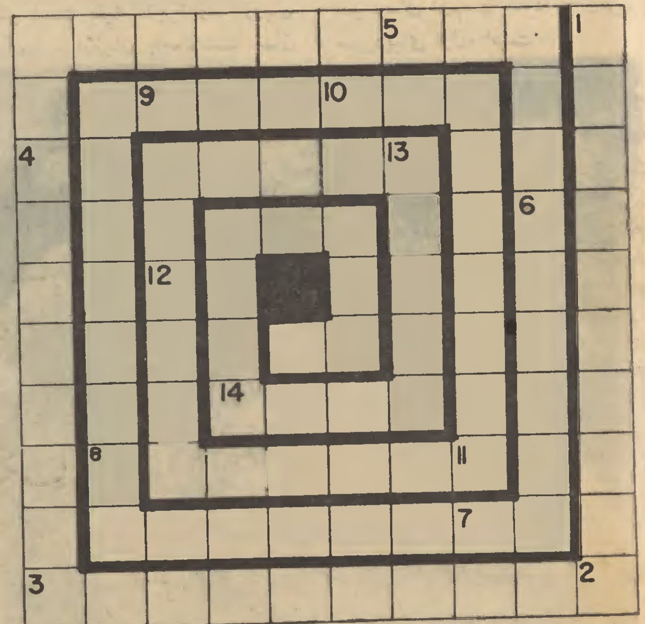


این هفت شکل ، هر کدام نمایشگر یکی از اقسام ورزش است ، اگر شما علاقه مند به سپورت باشید بدون شك ، از ملاحظه شکلها فورا نوع ورزشی را که با ترسیم هر شکل اراده شده است ، تشخیص خواهید داد و البته برای ما نیز خواهید نوشت .

درهفتهٔ آینده برای اطلاع کسانی که نمی توانند نوع این سپورت ها را تعیین کنند ، توضیح داده خواهد شد .

جدول جغرافیایی

مجله ژوندون برای سر گرمی خوانندگان عزیز، در این هفته جدول جدیدی را نشر میکند که با جدولهای دیگر فرق دارد ، باین معنی که کلمات از عدد (۱) شروع و به عدد (۲) ختم میشود و حرفی که کلمه اول با آن ختم میشود ، حرف اول کلمهٔ دو م است و بهمین ترتیب تا آخر که روی هم رفته چهارده کلمه درجدول بطوریکه در فوق ذکر شد ، بقسمی باید قرار بگیرند که دور یکدیگر چرخیده سرانجام به مرکز ختم شوند این جدول را بناغلی ع. کهگدای فرستاده اند و از ایشان ممنو نیم .



S · Rezai

این هم شرح تعریفی کلمات است تا بتوانید آنها را پیدا کنید :

۱ـ یکی از ایالت های صنا عتی جنوب شرقی آسترا لیا است .

۲ـ یك کشور جزیره‌ای دارای رژیم جمهوریت است که از هرطرف وسیله اقیا نوس آرام محدود می‌باشد .

۳ـ یکی از شهر های مهم وصناعتی آلمان فدرال .

۴ـ کوهی است در غرب افریقا که ۱۵۰۰ متر ارتفاع دارد .

آیا این دانشمند وطن را می شناسید

۱ـ سال تولدش معلوم نیست ولی وفاتش در سال ۹۱۰ واقع شده است .

۲ـ زندگانیش در هرات میگذشت وقبرش نیز در آنجاست .

۳ـ سخنران زبر دستی بوده و آوازی خوش داشته است .

۴ـ مؤلف حبیب السیر دربارهٔ او گفته است :« درعلم نجوم وانشا بی مثل زمان خود بود و در سایر علوم نیز باامثال واقران د عو ی برابری می نمود» .

۵ـ از کتابهایی که نوشته است جواهر التفسیر ، مواهب علیه ، روضة الشهداء ، انوار سهیلی ،مخزن الانشاء ، اخلاق المحسنین ، ولب لباب مثنوی بسیار شهر ت دارد .

اگر او را شناختید اسم وشهرتش را برای ما بنویسید و گرنه تا هفته آینده صبر کنید .

۵ـ همانطور که در مقابل شهر کهنه شهرنو وجود دارد، این کلمه هم در مقابل آبا دیهای کهنه درمحلات مختلف کابل مانند ده افغانان بریکوت ، باغ بالا و غیره وضع شده وتازگی عمارات آنجا ها رامیرساند.

۶ـ از مناطق مشهور درولایات مرکزی افغانستان است .

۷ـ یکی از بنادر مهم جاپان .

۸ـ یکی از شهر های مهم ترکیه که قبل از انقره مرکز آن کشور بشمار میرفت .

۹ـ از جملهٔ دریا های فرانسه است که به بحر اطلس میریزد .

۱۰ـ در ناحیه شمال غربی هند واقع شده و صحرای بزرگ تار هم در آن قرار دارد .

۱۱ـ این کشور درسال گذشته بزرگترین تحول نصیبش گردید و نظا م نوینی را ختیاز نمود .

۱۲ـ از آبشار های مهم و بزرگ جهان .

۱۳ـ از بحیره های بزرگ اروپایی که تریست وفیوم از بنادر مهم آن بشمار میروند .

۱۴ـ یکی از ایالات غربی امریکا که وادی و خلیجی نیز به آن اسم مسمی می باشد .

کسانی که درین هفته به ارسال جواب صحیح موفق شده اند، عبارتند از محمد طاهر ناصر، زین الدین جمیلی ، عزیز الحق کارگر مطبعهٔ دولتی، پیغله سیما از لیسه زرغونه، شریف الله و عبدالخلیل ازلیسه نادریه ، عبدالسبحان ازلیسه تالقان، محمد قاسم، محمد نوروز و عبدالله از لیسه خان آ باد و احمد جاوید امینی از خیر خانه مینه .

از گل احمد زهاب نوری

نخستین جعبه اسرار آمیز

این جعبه یك پوش مسی ، یك پوش نقره یی و یك پوش طلایی داشت و در بین آن یك استخوان پوسیده قرن دوم قرار داشت

. . .

آثار هنری هده در آسیای مرکزی بی نظیر است.

. . .

این محل تاریخی، از شهرهای کهن سده های دوم تاریخ بشمار می رود

آفتاب داغ تموز باگرمای سوزنده اش می تابد ، دشت و تپه های کوچك و بلند اطراف آن ، درزیر شعاع آفتاب ، چون کوره آتش کرده به نظر می رسد که پرنده ها همه از آن فرار کرده اند . . .

چهره های باستان شنا سان عرق کرده و دانه های درشت عرق، در شیار های پیشانی شان بل بل میکند . .. آن ها همچنان تلاش میکنند ، کمتر حرفی بین شان رد و بدل میگردد ... دقایق همچنان کند و خسته کننده میگذرد ... . یکبار یکی فریاد میکشد :

ــ یافتم . ..

ودیگر شادمانه به آنجامی نگرند.. به زیر بیل باستان شناس . ..

لحظه یی بعد دربرابر آن هاخمره سفالینی قرار دارد . .. سفالی رنگ باخته که از زش علمی فراوانی دارد گران بهاست وبس نایاب ...خمره یی که می تواند ، تاریخ هزار ها سال قبل را، روشن کند و رازقطعه زمینی را فاش بسازد، که امروز همه تمدن آن درزیر خاك مدفون است . ..

دست های محتاط ولرزان آنها ، سفال ها را به آهستگی پاك میکند، سرش را می گشاید وبعد دربین آن دو چیز است ... دو چیزیکه که قلب باستا نشنا سان جوان افغان از دیدن آن شادمانه تندتند می تپد ولبخندی پیچیده، عمیق بر لب های شان نقش می بندد ، لبخندی که گره از تمدن کهنی می گشاید و طرز زندگی و هنر باستانی منطقه یی را، روشن می سازد . ..

آری ! گفتیم دو چیز . ..

ــ یك جعبهٔ کوچك مسی ...

جعبه یی که مرور سده ها ، آن را ، چنان محفوظ داشته وبیداد ، گرما شدت سرما توفان ها و صد ها سال حوادث عجیب وغریب این دنیا، بر آن آسیبی نرسانده است . ..

باز هم دو دست لرزان ، جعبه را آهسته بدست می گیرد ، با احتیاط سر آن را می گشاید و تازه جعبه کوچك و ظریف، از نقره دربین آن دیده میشود . ..

دقایق اینبار تند تند می گذرد ، باستانشنا سان با شوق بیشتری تلاش میکنند . چشمان کنجکاو شان دقیقانه به جعبه ها خیره شده، به جعبهٔ مسی ، به جعبهٔ کوچك نقره یی که دربین آن بوده و به جعبهٔ ظریف طلایی،که از بین جعبه دومی بدست آمده و درزیر نورآفتاب میدرخشد...

بهتر است بقیه ماجرا را، اززبان خود آنها ، اززبان باستانشنا سان جوان افغانی ، برای تان قصه کنم : داکتر طرزی میگوید :

ــ ما این جعبه را ،« جعبهٔ تبرکات» می نامیم، چون در عهد باستان چنین جعبه هایی را، به همین نام یاد می کردند و شاید بنای عظیم معابد ، این منطقه بر بالای همین جعبه کو چك که یکی دربین دیگری بو د و استخوا ن پوسیده یی را در خود نهان داشت ، گذاشته شده باشد .

در پهلوی این جعبه ها ، در بین خمره سفالین ٢٤ سکهٔ مسی نیز وجود داشت ٢٤ سکه یی که بعد ها معلوم شد ،٢٣ دانهٔ آن مربوط « سو دیبای دوم» و یك دانهٔ آن مربوط « سو دیبای اول» است ...



رواق دهلیز عمومی بودا بالای تخت مارها
ژوندون

...از هده کشف گردید

وی می افزاید :

ـ کشف این آثار ، از نگـــاه باستانشناسی اهمیت به سزایی دارد وشاید نظیر این جعبه تا حال در آسیا ، بدست نیامده باشد .. .

* * *

درشماره گذشته وعده داده بودیم، که کماکان طی گزارش هایی، درباره تمدن های باستانی بعضی نقـــاط تاریخی افغانستان روشنی می‌اندازیم وشما رادرجریان مطالعات دانشمندان علم باستان شناسی قــرار میدهیم

به همین سلسله ، در این شماره شما را با «هده» با محلی که قرنها قبل از امروز ،در آن شهر «نگاهارا» با عظمت و وسعت خود قرار داشت ودر این منطقه آسیا شهرت بسزایی کسب کرده بود ...

داکتر ز مریالی طرزی مدیرعمومی باستانشناسی و زارت اطلا عات و کلتور میگوید :

ـ ساحهٔ مخروبه های هده بسیار وسیع است و تحقیقات باستانشناسی صرف در چند نقطهٔ محدود آن صورت گرفته است . . . در تپه های کلان، باغگی ، و تپهٔ شتر ... تپه یی کـه امروز هیئات افغانی درآن به تحقیقات خود ادامه میدهند .

تپهٔ شتر در قسمت شمالی سطوح کم ارتفاعی که از کانگـلو میرا ـ (رسوبات دوره سوم جیولو جیگی) ساخته شده قرار دارد و فعلا فارم جدید هده ولایت ننگرهار نیز ، در نزدیکی این تپه موقعیت دارد .

تاریخچهٔ هده ارتباط مستقیمی با تاریخ شهر « نگاهارا» دارد ، که روز گاری در نزدیکی این منطقه و جـود داشته است . این شهر دربین بلخ به سمت «تکسیلا» موقعیت داشتـه ونظر به بعضی اسناد باستانی در زمان لشکر کشی های اسکندراهمیت خاصی پیدا کرده بود ساکـــه ها، پارت ها و کوشانی ها، درطی قرن اول تا چهارم ازین سر زمین عبـور کرده اند و در آنجا مستقر شـــده بودند .

نظر به مطالعهٔ طرز ساختمان‌های این محل، درزمان کوشانی ها آرت یونانی با هنر محلی این منطقه در هم آمیخته ویك مکتب خاص گریکو بودیك را بو جود آورده است .

از مدیر عمومی باستانشنا سـی درباره آغاز تحقیقات علمی دریــن منطقه می پرسم، وی میگوید :

ـ ما دوره مطالعه و حفریات را در هده به سه بخش تقسیم می کنیم . بخش اول مربوط به زمانی است که سیاحین در قرن نوز دهم، آثاروسکه هایی ازین محل بدست می آور دند. شارل مسون سیاح فرانسوی درین قرن سکه هایی از هده بدست آورد که مربوط دودمان‌های گریکوباختری، سیتی وپارتی ، کـوشانی هـا و امپراتور رومن و روم شر قـــی بود .

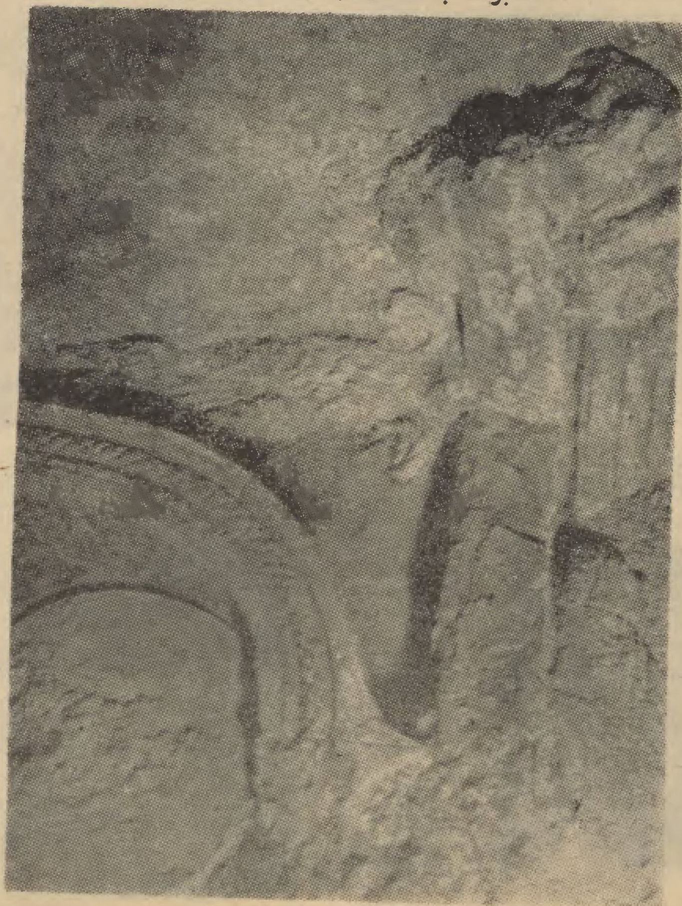
بخش دوم آغاز حفریات قانو نی درین منطقه است که در ۱۹۲۲ توسط هیئات باستان شناسی فرانســه صورت گرفت . ..

آثاری که درین زمان از هده کشف شد در موزیم کابل و موزیم پاریس موجود است .

بقیه درصفحه ٦٠



تخت بوداء با شکال دو مارد هلیز عمومی معبد



رواق معبد به شکل یك عقاب

آخرین نوازش

ترجمه و تنظیم از: قاسم صیقل

درشماره گذشته خواندید :

از چندی به اینسو، مادر «پـال» مریض است و داکتر وضع صحی او را خیلی خطر ناك خوانده است البته علت عمده مریضی اوبخاطریست که همسرش وی را ترك گفته وبازن دیگری زندگی میکند :«پال» درصدد آنست که برود ، پدرش را مجبورسازد تا دو باره بخانه اش بر گردد. واینك بقیه داستان :













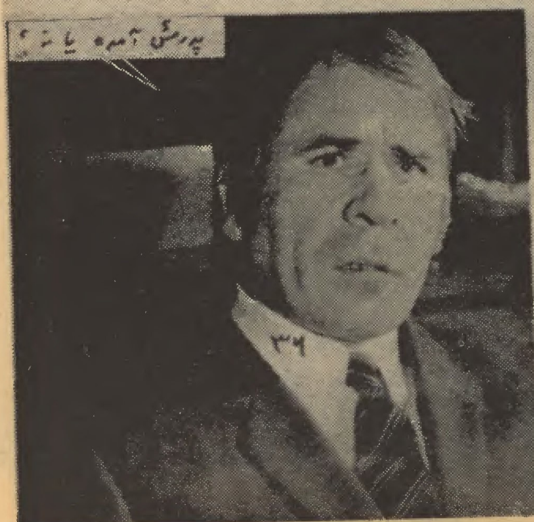

آواز زنگ تلفون گفتار آنها را قطع میکند
شرط میبندم که او باشد. برو جواب بده!
و تو خوردن را تمام کن.
٣١


او میرود گوشی را برمیدارد. در حقیقت طرف مقابل "دیانیول" است.
سلام... تشکر، خوبست. دکتر آمده بود
٣٢


٣٣
فورت چطوره جینی! آوازت تغییر کرده فهمیدم، شاید بخاطر "ایلی" حرف زده نمیتوانی...

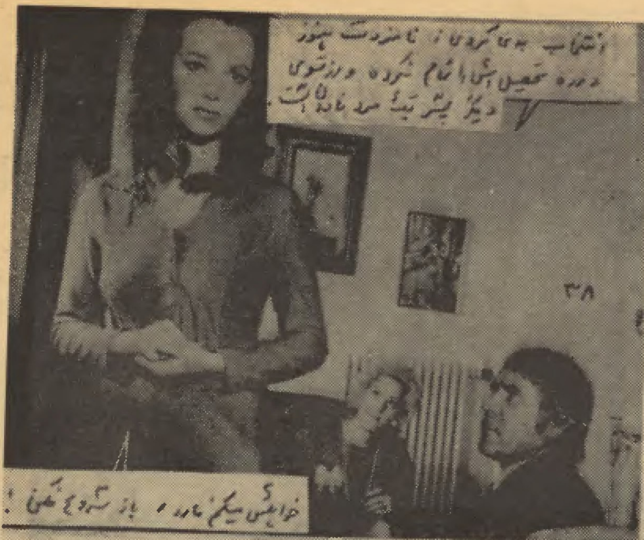

او بسیار رنج میبرد. بسیار خوب، ساعت هفت یکدیگر را میبینیم
٣٤


"دیانیول" پیش پدر و مادرش می‌آید
٣٥
قصه؟ "پال" تلفون کرده بود، هان؟
بلی، وضع مادرش خوب نیست.

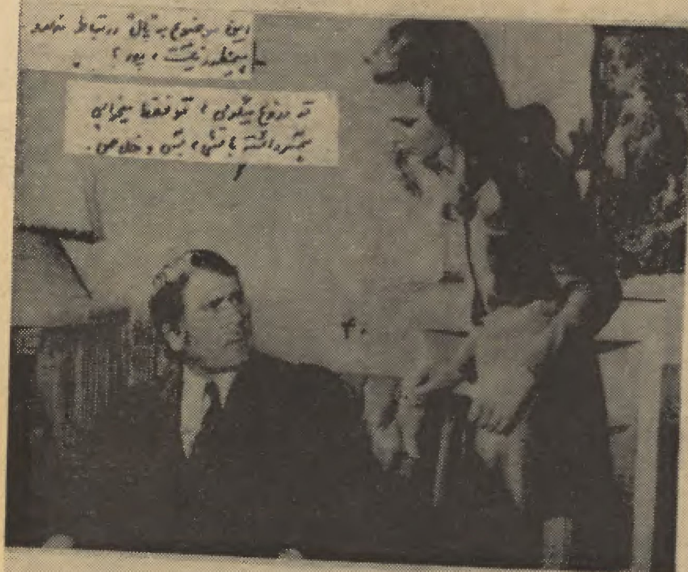

پدرش آمده یا نه؟
٣٦

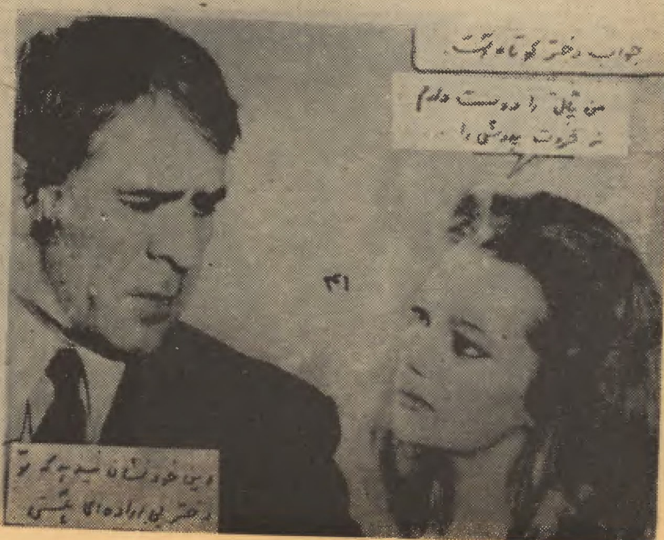
صفحه دوم

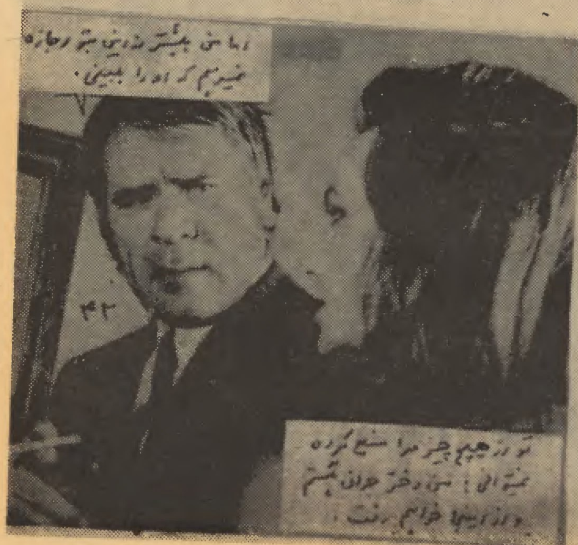

دختر جوان متعجب و گیج . نمیدانه چطور
جواب بگوید .
نه .
او وقتی به خانه اش برمیگردد که حتی
یک پول هم نداشته باشه .


انتخاب بدی کردی او . تا هنوز نتونسته
دوره تحصیلش را تمام کرده و از شوی
دیگر بیشتر یک سه ماه نمانده است .
خواهش میکنم مادر ، باز شروع نکنی !


برعکس بابا من درباره حرف زدم .
بعد از چندی "پال" تنها خواهد شد .
میدانی ، بعضی زنها به نیرنگ
و فریب . ثروت مردها را تصاحب
میکنند و این هنرپیشه هم دیگر
اینکاره نیست .


این موضوع به "پال" ارتباط نخواهد
داشت ، بعد ؟
تو دروغ میگوئی ، تو فقط میخواهی
بیشتر داشته باشی ، پول و خانه من .

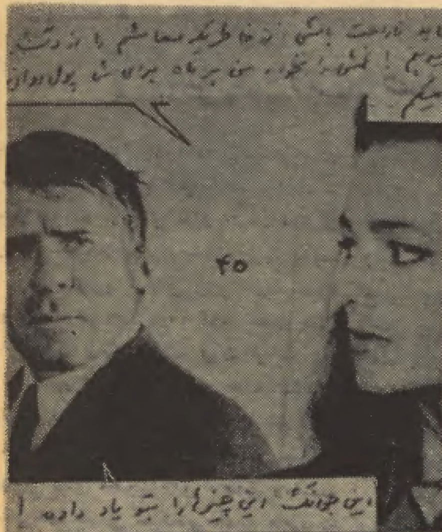

جواب دختر کوتاه است .
من "پال" را دوست دارم
نه ثروت پدرش را .
این خودش نشان میدهد که تو
دختر بی اراده ای هستی


اما من بیشتر از این به تو اجازه
نمیدهم که او را ببینی .
تو از هیچ چیز مرا منع کرده
نمیتوانی ! من دختر جوانی هستم
و از اینجا خواهم رفت .

صفحه سوم


۴۳

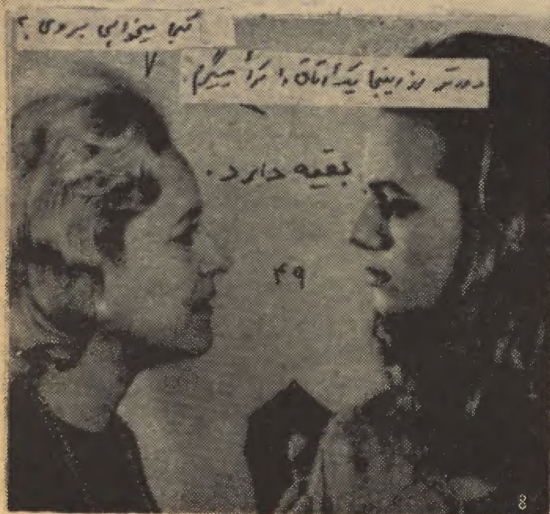

۴۴


۴۵
این جوانک این چیزها را بتو یاد داده!


۴۶


۴۷


۴۸


کجا میخواهی بروی؟
بقیه دارد.
۴۹

صفحه چهارم

بقیه صفحه ۲

رئیس دولت وصدراعظم

شخص من مربوط بوده است از مهمان نوازی که از من بعمل آمده خیلی متحسس شده ام میخواهم یك بار دیگر تکرار کنم مابا افغانستان روابط نیك داریم واین روابط روز بروز بهتر میشود.

دکتور هنری کیسنجر وزیر خارجه امریکا وهمراهانش ساعت ۳و۲۰ دقیقه بعداز ظهر ۱۰ عقرب از کابل عازم تهران گردید.

دکتور عبدالمجید وزیر عدلیه بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امورخارجه بناغلی عبدالصمد غوث مدیر عمومی سیاسی دکتور ریس محبوب رفیق متصدی ریاست تشریفات بناغلی میرشمس الدین مدیرشعبه سوم سیاسی وبناغلی محمد انور نوروز معاون ریاست تشریفات بناغلی ایلیوت سفیر کبیر امریکا وبعضی اعضای آن سفارت کبرا درمیدان هوایی بین المللی کابل بادکتور کیسنجر وداع کردند.

قبل ازعزیمت جانب تهران البوم مناظر مسافرت وزیر خارجه امریکا وخانمش که ازطرف شعبه عکاسی باختر آژانس تهیه شده بود توسط رئیس آن موسسه به مشارالیه اهــــدا شـــــد.

خبرنگاران باختراطلاع میدهند که وزیـــر خارجه ایالات متحده امریکا ومیرمن کیسنجر وسایر همراهانش ساعت ۲ بعداز ظهـــراز مسابقه جالب وهیجان انگیز بزکشی کـــه بین تیم های ولایات تخار وجوزجان درغازی ستدیوم صورت گرفت دیدن کردند.

درانجام مسابقه بناغلی کیسنجر یکتن ازچاپ انداز راپذیرفته ومراتب مســـرت وتقدیر خودرا نسبت به این بازی باستانی افغانی وشطارت هـــای چاپ اندازان ابراز داشت وتامبرده رامورد نوازش قرار داد.

همچنان بناغلی عبدالواحــــــــد اعتمادی المپیك سمبول سپورتملی وباستانی بزکشی رابه دکتور کیسنجر اهدا نمود.

دوکتور هنری کیسنجر وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا بنابدعوت حکومت افغانستان برای بازدید رسمی ساعت نوپنجاه دقیقه صبح روز ۱۰ عقرب وارد کابل گردید.

دوکتور عبدالمجید وزیر عدلیه بناغلــی وحیدعبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه ،بناغلی عبدالصمد غوث مدیر عمومی سیاسی ،دوکتور ریس محبوب رفیق متصدی ریاست تشریفات بناغلی میرشمس الدین مدیرشعبه سوم سیاسی ،بناغلی محمد انور نوروز معاون تشریفات ،بناغلی تئودورایلوت سفیر کبیرو اعضای سفارت کبرای امریکا مقیم کابـل در میدان هوایی بین المللی ازدوکتور کیسنجر ومیرمن کیسنجر که درین مسافرت باوی همرا بودند استقبال نمودند.

بقیه صفحه ۳

بناغلی رئیس دولت گفتند:

رهبر ملی ما ضمن صحبت با آنها پیرامون به میان آمدن نظام جمهوری در کشورروشنی انداخته فرمودند:

رفاه وآسایش همه جانبه مردم این سر زمین وتامین عدا لت در کشور آ رزوی دولت جمهوری میباشد. برای بر آورده شدن این آمال وبرای اعتلا و تر قی کشور حکومت به همکاری دسته جمعی همه مردم این خاك نیاز دارد.

بنا غلی رئیس دو لت در اخیر روسای تیم های بز کشی رابه حفظ اصالت تار یخی این ورزش ملی و همچنان گستر ش آن توصیه نموده وفرمودند تا تمینا ت نیك شانرا به مردم مناطق خود برسانند.

مقابلتا چندتن از روسای تیم های بزکشی ازینکه بناغلی رئیس دولت وصدرا عظم آنها رابرای ملاقات پذیر فتند اظهارسپا سگزاری نموده هرنوع ایثار واز خود گذری رادربر برآورده شدن امال دولت واعتلای کشور در پرتو نظام جمهوری وعده دادند.

درین موقع قو ماندان قوا یمرکز قوماندان عمومی امنیه و رئیس المپیك نیز حا ضـر بودند.

بقیه صفحه ۲

ابلاغیه مشترك

موضو عات عمده بین المللی بشمول اوضاع منطقه ای که افغانستان به آن تعلق دارد به اطــلاع دکتــور کیسنجــر رسانیــد.

بناغلی کیسنجر مذاکرات خود را بازعمای سایر کشور های منطقه به طرف افغانی اطلاع داد. هردو جانب موافقه کردند که طریق یافتن راه حل دایمی دوامدار وصلح آمیز برای پرابلمها واختلافات موجود بین دولت ها مذاکرات مثبت وجامع بین همه جوانب ذیعلاقه میباشد.

هردوجانب از روابط گرم ودوستانه ایکه بین حکومات شان موجوداست اظهار خرسندی کردند.

وزیر خارجه امریکا باابراز امتنان از ین فرصتی که برای بازدید از افغانستان یافته ترقیاتی را که حکومت ومردم جــمهوریت افغـــانستـــان حاصل کرده اند تقدیر کرد.

وزیر امور خارجه امریکا همچنان تمنیات گرم شخصی رئیس جمهور فورد رابـــه بناغـــلی مـــحمد داود تـــقدیم نمود.

جوانب افغانی وامریکایی اهمیت همکاری بین المللی رادر ساحه انکشاف اقتصادی و تکنیکی ونقش عمده آنرا درراه تحکیم استقرار وصلح بین المللی تاکید کردند.

طرف افغانی ازسهمی که ایالات متحده امریکا درین ساحه ازطریق همکاری های دو جانبه اقتصادی تکنیکی وتعلیمی درافغانستان گرفته است ابراز خرسندی نمود.

وزیر امورخارجه امریکا آرزومندی دوامدار حکومت خودرا برای همکاری باجمهوریـــت افغا نستان درراه نیل به اهــــداف انکشاف اقتصادی آن ابراز کرده باارتباط به این موضوع باطلاع طرف افغانی رسانید که یکی ازمامورین عالیرتبه اداره انکشاف بین المللـــی ایالات متحده امریکا راموظف میسازد تادر آینــــده نزدیك به افغانستان مسافرت کرده بامقامات افغانی پروگرام های مشترك وپیشرفت حاصله دربثمر رسانیدن پروژه هارا مورد ارزیابـــی قرار دهد.

بقیه صفحه ۵

بیش از شش ساعت درمیان آتش

– علت حریق تابحال روشن شده است؟

– خیر ، ولی یك هیات باصلاحیت پولیس موظف گردیده تا درین زمینه تحقیقات جدی بعمل آورد . فعــلا تحقیق به شدت ادامــه دارد .

– ساحه حریق را تخمین زده میتوانید ؟

– خنده‌ای میکند ، اصلا وقتی برای اینکار نداشته ایم ، ولی همانطوریکه مشاهده میکنید سرای عطاری باتمام اموال آن ومنازل قسمت بیرونی عمارت سه طبقه‌ای سرای ویك قسمت از سرای که جوار سرای عطاری قرار دارد طعمه حریق گردیده است . منازل واپارتمان هایی که در جوار سرای عطاری قرار دارند

بادوکانهای اطراف آن کــامـلا بهم چسپیده هستند ، واگر قوای اطفائیه اردو و پولیس اندکی درنگ میکردند و از تمام قوای دست داشته کار نمی گرفتند ومبارزه وسیع را باآتش راه نمی انداختند خطر آن می رفت تاآتش به سرای های اطراف و عمارت و منازل متصل سرای عطاری سرایت کند .

– برای خاموش ساختن حریق چند نفر به مبارزه پرداختند ؟

– همانطوریسکه شما حادثه حریــق را از نزدیك ملاحظه کردید ، آتش بسیار مدهشی بود وبرای خاموش ساختن آن میبایست قوای زیادی فعالیت میکردند . ازینرو مجموعا سه هزار نفراز قوای پولیس اطفائیه با نیروی اطفائیه اردو و ما مورین امنیتی پو لیس جهت بر قرآری نظم ومعین ساختن خطوط انسداد به دست بکار شدند .

–برای بررسی اموال وتسلیم دهی آن دگردیده و تسلیم دهی آن چه کسانی موظف شده اند ؟

– برای بررسی اموال وتسلیم دهی آن به مالکین دوکانها یك هیأ ت مختلط پولیس بماروالی کابل و مستوفیت ولایت کابل موظف گردیده اند .

این هیات وظیفه دارد اموالیکه ازحریق نجات داده شده است به مالکین آن تسلیم داده شود . باید بگویم کــه قــوای امنیتی پولیس علاوه ازینکه در امر خاموش کردن اموال حریق به عمله اطفاییه کمك کردند، یکمقدار اموال را از آتش سوزی نجات داده اند و بجای های مصؤن گذاشته وبه مالکین آن تسلیم داده اند . مامورین امنیتی پولیس درظرف مدت کوتاه بعد از حدوث واقعه ازتمام ماموریت هاکه در نزدیکی محل حریق قـرار داشتند به فعالیت پر داختند . همچنان از تمام ماموریت هایی که مربوط ولایت کـابل مشود یکتعداد از موظفین پولیس در زمینه همکاری نمودند .

خبر نگار ژوندون که از ساعت ده الی دوازده بجه ظهر در محل حادثه حریق حضور داشت می نویسد که از طرف قوای اطفائیه اردو تمام وسایل ضد حریق جهت خاموش ساختن حریق بکار انداخته شده بود وعمله اطفائیه اردو و پولیس که شدیداً در منطقه حریق فعالیت داشتند در امر خاموش ساختن بنابای حریق و کمك نمودن در کشیدن بعضی اموال که طعمه آتش نشده بود با مالکان دوکان همکاری میکردند . باید متذکر شد که فعالیت قوای اطفائیه اردو و پولیس فوق العاده در خور ستایش است چه بطوریکه منطقه حریق بوسیله خبر نگار ما از نزدیــك دیده شده نجات یافتن منازل و سرای ها ودوکانها یکه در قرب وجوار سرای عطاری قرار دارد کاملا پیوسته باین سرای بنا یافته است . که در اثر فعالیت قوای اطفائیه عسکری و پولیس از گزند حریق محفوظ مانده است .

از دوستان

از: عبدالوحید (فقیرزاده)

عیدفطر

ای دوستان ببنید عید فطـررسیده
چرخ فلك ز عشرت قو س‌قزح‌کشیده
ساقـی‌صیام بگذشت می ریزد در پیالـه
عمریست‌چشم نرگس مل در قدح نـدیده
عید است ای عزیزان صلح وصفاببایـد
انسا نیت چـه با شد جـز خصلت حمیده
دست‌مرا بگیر ید ، ردر گه اش رسانید
عمریست‌کار زو یـم بیجـا ز من ر میـده
ای عاشقان بد یدار حسرت ز دل‌ربـا بـد
کان مظهر محبت نا یـد دگـــربـد یده
تو هـم‌برا ز خانه سیری ببوستان کـــن
بین ازنوای بلبل گلشن بخون تپیـــده
امشب « وحید» زحسرت داغی بـدل نهفتـه
او را ز بـز م جا نـا ن‌بخت سیـه کشیـد ه

درمان

ای خدا خا موش بکن خا مـوش بکن
ایندل شوریده ه ر سوا ی مـــن
آ تشی ز ن خـر من عمر مرا
خفـه بنما در گلـو غو غـای‌مـن
• • •
از تما شاه جهان سیر م دگر
کا ش چشـم بـی فرو غم کوربـود
کا ش یار ب حلقـه ها ی زندگـی
از دو پـــای ناتوا نم دوربـود
* * *
همچـو رو د ی پر خرو شی‌زند گی
نیست در من بعد ازیـــن تاب‌شنـا
تن بدینجا لاجرم مـــی ا فکنم
کن تصیبیم زیـن شنای ر ب فنا
• • •
گو هر ی مر گم میسر گـــرشو د
میکنم در مان درد زندگی
(نا دری) با اشتیاق مفر طی
تا جهد بیرو ن ز قید بند گی

از نصرالله (پرتو، نادری)محصل‌پوهنځی ساینس .

میر قصد

دل عشاق گرد عارضت مستانـه‌میرقصد
بلی چون‌شمع‌روشن‌شددوصدپروانه‌میرقصد
مگر نقاش دربت خانه زد نقش‌جمال تو
که از شوق‌تو می بینم بت و بتخانه میر قصد
مـرا دیروز واعظ و عظ ترك عشق‌ومی میکرد .
شکست‌امروز پیمان و سر پیمانه میرقصد
دلم چون دام زلف و دانه خال تومی بینـد
ز تر س‌دام‌میلر زد ز شو ق دانه میـر قصـد
مگر با دصبا از چین زلفش نگهتی‌دارد
که بلبل‌به‌گلستان جغد در ویرانه میرقصد
که باشد در پس پرده نـوایـی‌دلبری دارد
ز آوازش‌ببین « سوره» را دیوانه میرقصد
« فر ستنده: یزعان.ن»

چندوبیتی

شب و صلست گلو گیر شو ای‌مرغ سحر
پاسی ازشب نگذشتست‌چه فریاداست این
* * *
امشب بوصل اوخوشم ای صبح‌دم مزن
ای آسمان‌تو نیـز شبـم را سحـر مکـن
* * *
شب و صال تـو دانستم ازچه‌کوتاهست
تو خودستاره روزی چوپرده بکشـائـی
* * *
حرف شب و صال که عمر ش دراز بـاد
کو ته‌تراست زانکه ز دل بر زبان رســد
• • •
ما را زشب و صل چه حا صل که‌از ناز
تابندقبا باز کنی صبح دمید اســـت
* * *
بعد عمری شب و صلی شده حاصل مارا
مهلت‌ای‌چرخ ده آنقدر که تاصبح شـو د

فرستنده سکنـدر « یوسفی»

بقیه صفحه ۱۹

معالجه امراض گوناگون

کدام کلنیك دیده میشود. محل کالا کشیدن اجازه نامه مخصوص برای مریضان ساری بالاپوش های بعداز عملیاتی اتاق داکتران وهمشیره ها لابراتوار تحقیقاتی انستیتوت وشعبه مخصوص برای نگهداری سا مان ووسایط عملیاتی از تاثیر میکروبها وغیره .

دریك محفظه فشار سنج بسیار **بزرگ آزمـایشات را در بـالای** حیوانات اجرا می نماید این دستگاه **هاو چند دستگاه دیگر که‌از سـه محفظه فشار سنج فلـزی پـزرگ** ساخته شده‌دریك اتاق بسیاربزرگ **درطبقه دوم جابجاشده است درطبقه** دوم سالون عمومی (اصلی) شفاخانه میبـا شـد د ر مـر کـز سا لـو ن سـه پـو لـت او پـرا تـور هـا **قرار گرفته است عقربك های آلات اندازه گیری درجه حرارت فشار در محفظه هاو وضع هریك از مریضان** رانشان میدهد درینجا مخابره‌تیلفونی **تیلویزیونی ولار ونکو فونی تامیـن گردیده استاز طرف مقابل در زیر** سقف یك میدان دیده میشود کـه **ازآن می توان سالون عمومـی را مشاهده کرد منظره آن ازکدام یك** فلم علمی‌وفانتیزی نمایندگی مینماید

درمرتبه اول وقتیکه به طبقه‌اول داخل شوید به فکر آن می‌افتید که دربین یك جنگل انبوه‌راه را گـم کردابد. نل های فلزی هر طرف‌شما را احاطه کرده است کامپریسورها، دستگاهای سرد پولت اتو ماتیکی ، **سیستم های اشاروی ومخابرات را** هرطرف را احاطه‌کرده‌است تماماین تخنیك معلق وعصری طوری تهیـه گردیده است که‌برای مریض بالکل مناسب‌ومستریح بوده وبرای فعالیت داکتران بسیار باامن می باشد.

مابا سالون عمومی برمی گردیم تاهر یك از محفظه های فشار سنج را مطالعه کنیم ازهمه اولتر مابـه ساحه قبل از عملیات می رسیم یك اتاق نه بسیار بزرگ‌با دیوار های شیشه ئی‌در انجا داکتران جـراح دست‌های خودرا شسته و بلبا س **مخصوص خودرا ملبس کرده وبعد از انبه مجرائی که درآنجا فشـار** هوا به‌تدریج بلند می‌شود دا خل‌می **گردد مجرا مانند لابراتواری که‌در**

صفحه ۵۶

آن‌می‌توان تحلیل وتجزیه خون را انجام داده میباشد درآنجا یـك میز **برای گذاشتن سامان های جراحـی** گذاشته است.

وقتیکه فشار باندازه لازمه بلند گردد درینصورت گروپ داکترنی‌که در تشکیل آن هشت داکتر شا مـل **است به محفظه عملیاتی که در آن جافشارهوا به ۲الی ۳ اتمو سفیـر** علاوگی می‌رسد داخل می شو ند .

درینجا هرچیز به شکل عادی ا ست **فقط تماما وسایط الکترونی جهـت** جلو گیری از مشتعل شدن حر یـق **به خارج محفظه برده شده اسـت داکتر بیهوش کننده ازطریق یـك ساختن کوچك می تواند درجه الات عقربك رابگوید غیر ازیـن درپیش روی پولت خارجی یك نفر داکتـر** تشخیص کننده همیشه‌موجود است **داکتر مذکور ازحالت شخص مریض** مراقبت می نماید از اکسیجن تحت **فشار فقط از طریق نل های‌مخصوص** برای تنفس شخص مریض‌داده مـی **شود مردمان باالباس های پنبـه ملبس می باشند به نسبت اینکـه در لباس های مصنوعی سینیکی‌برق ستاتیکی ذخیره می گردد.**

چراغ های عملیاتی در مقا بـل **انفلاق مقاومت داشته وانفلاق نمـی انفلاق مقاومت داشته وانفلاق نمـی** کنند دیوار های محفظه فشار سنج تماما ازرنگـهای مخصو ص ملـون **شده است.**

به‌همین علت است که قـبل ا ز **شروع عملیات بایدتمام اشیا فلزی ازجان خود بیرون کرده ودر بیرون** محفظه باید گذاشته شود به نسبت اینکه ازضربه فلـزات وجو هـرات **شاید جرقه های برق بوجود بیایـد بلی اشخاصیکه در اثنا عملیـات حاضر بودند آنها می دانند کــه سامان وآلات الکترونی که سبـب** قطع جریان خون می شوند بسیـار **خوب جرقه میدهد بلی این موضوع یکی ازپرابلم مهم جراحی درمحفظـه** های فشار سنج می باشد طـرا ح های راه‌حل این پرابلم را جستـر میکنند جراحان شرائین‌که با تارهای **ابریشمی کش خواهند کرد.**

دراتاق های جـرا ئی دا کترا ن **باید قدری انتظار بکشند تااینکـه** فشار به‌تدریج پایان بیاید پا ئـین **اوردن فشار دفتعا برای اور گانیزم** ضرر داشته مثـل اینـست کـه از **عمق بسیار زیاد به سرعت به‌سطح** زمین خیز بز نید.

یك محفظه فشار سنج تحقیقاتی دیگری نیز موجود است که تحـت فشار بسیار بلند فعالیت می نماید دریجا بدون اشتراك جراحی می‌توان قنقره دری را اعلاج کرد.

عصر جدید درجراحی. درمحفظـه های فشار امید نجات از بـیما ر ی **امراض موجود است. در شفا خانه موثریت زیادی در معالجه امـراض قلبی سکته قلبی امراض شش هـا عدم کفایه قلب وغیره دیده شـده اسـت .**

بلی پیشرفت زیادی نصیب جراحی گردیده است .

یکی‌ازجمله مشکلات اصلی‌در عملیات عادی عبارت از انست که جـراح شراین بزرگ راقطع میکند دریـن صورت تهیه اکسیجن بـــرای عضلات توقف می نماید آنها شاید ازبین بروند درمحفظه های فشاری این اقدام آن قدر خطرناك نیسـت

بقیه درصفحه ۵۶

بقیه صفحه ۳۵

قربانی درمعبد

که‌رؤیاهای جوانی اش بر آورده‌شده باشد. رؤیا های که از خوا ند ن رومان های جنایی برایش خلق شده بود. معهذا باوصف اینهمه شو ق وهیجان رو ما نتیك او یك ما مو ر لایق وپولیس فعالی بار آمده بـو د فاکنر ضمن صحبت به هو گ‌خاطر نشان ساخت: هوگ! مابابد به این حادثه درست عمیق شویم و در ست بمو ضوع بیند یشیم. بدین معناکه باید اساسا دو معبد شتون هـیگ واقعی که باستانشناسان و منجمان درپی تحقیق آن سر شان را به درد می آورند و دیگری شتون هیـگ رومانتیك در برابر ما قرار دارد که عدهٔ خو شباور در باره معبدکشیش ها و دادن قر بانی انسا نهابراساس خرافات پسندی به آن **معتقد هستند** شکل دومی یك اختراع و تخیـل محض میباشد. حتی کو چکتر ین اشتباهاتی برای‌آن وجود ندارد کـه کشیش ها کمترین ار تباطی بااین محل داشته باشند. اکنـون ۱۵۰۰ سال از افسانهٔ زیا رتگاه کشیش‌ها در گور ستان شتون هیگ میگذرد. شتون هیگ طبعا علمی طبعابمراتب قابل قبولتر بوده نباید فرا مو شس کنیم که ما در تلاش خود برای پید ا کردن سر نخ مربوط به مساله علمی گورستان شتون هیگ میشو یم . اما بارها اتفاق افتید ه‌که در حلقـه دانشمندان و محققان هم، **گاهگاهی** بعضی نیا یش ها وپر سش هـا ی خرافی را به شتون هیگ مر تبـط میپندارند واین محل را شا یستـه نذر ونیاز های تلقی مینما یند و من همیشه باشك و تـردیـد در با ر هٔ دانشمندان و محققان قضا و ت‌کرده بعضا در میان شان اشخا صی بـه مراتب خو شبار ور تر خرا فا تی‌تر را بر میخورم، زیرا آنها چنین‌گمان وتصور را نسبت به خود بر مـی انگیزند. گاهی یك علاقهٔ نها نـی برای دنبال کردن و در یافتن‌محالات مشترك آندو می باشد.

ومسایل غیر قابل قبول یك آ د م جوان را براهی می کشاند تاازطریق توسل جستن به علم‌ودانش در پیچهٔ اسرار رابگشایند ولهذا با داشتـن افکار و عقاید خرافی از علم‌استمداد می جویند غیر عقلانی و عجیـب نیست؟ این چنین افراد از عـلم انتظار کدام اثبات را برای عقا یـد خرافاتی شان ندارند، بلکه‌لاشعوری امیدوارند که کدام دلیل بـرای ا و معتقدات شان پیدا نشود. بلی سمن در المار ی کتا بها ی پرو فیـئـد چر میچل متو جه و جود یك سلسله کتابها پیرا مون سنن نذر وخیرات ودانش شناخت اسرار شـدم. اما نمی توانم حدس زد که کتا بهـا متعلق به پرو فیسر میبا شد یـا همسرش‌شایددرینجا هم‌یك‌کنجکاوی درپشت این جریان پنهان با شد ، مشکل است این موضوع راحدس‌زد

هوگ زیرلب اظهار داشت: صحیح فر مودید.

هوگ بیشتربه مفکورهٔ‌کشیش‌ها وبه قربانی کردن او نذر شان‌درمعبد کشیش ها و به قر بانـی کر د ن ونذرشان در معبدشتون هیگ‌تمایل داشت.

بقیه صفحه ۲۱

علیشیر نوایی

-خائنان به‌چاهی که‌کنده‌اند ،خودفرو خواهند افتاد نباید شهامت راازکف داد.درست‌است که‌وضع خیلی دشوار است ،اماهرگاه بااعتماد توام باشهامت وایمان دست بکار برده شود، ممکن است‌هرگونه موانعی‌راکه سدراه‌رسیدن به‌هدف است ،ازمیان برداشت حالا باید به سپاه توجه جدی مبذول داشت بکوشید تا افسران موجود ازدست نروند باید پیوسته‌با آنان بود .وای برحال حکمروایی که‌از سپاه خودجدا افتد !

حسین بایقرا با نگاهی تفکر آمیز پرسید:

پلان بعدی مارا چگونه تصور میکنید ؟

نوایی بدون تردد پاسخ داد :

-حالا باید ازین محل خودرا گوشه کرد .در پایتخت آدمهای صادق زیاداند .شمامیتوانید به‌کمك آنان ازتمام اوضاع مطلع گردید ... همینکه فرصت مساعد دست داد میتوان بایك اقدام قاطع به‌این وضع فلاکتبار خاتمه داد...

حسین بایقرا چشمان‌خودرا بسته ،لحظه‌ای خاموشانه غرق تفکر شد .بادستمال عرق‌جبین خودرا پاك کرد -این‌عرق سرد حقیقت تلخ‌و دهشت انگیز بود .سپس آهی کشیده ازجا برخاست وباصدای لرزان به‌بیك های خود دستور دادتا فوراً آماده حرکت شوند .

تمام قشون شب وروز راه پیموده ،در موضعی بنام (اولنگ سرتاغ) توقف کرد. درین اثنا اطلاع رسید که‌فعالیت سلطان‌محمود میرزا دراطراف بلخ گسترش یافته است‌حالا حسین بایقرا درقلمرو خود بین دوآتش گیر مانده بوددودست بسوی‌تاج وتخت خسروانه اش دراز شده بودند میبایستی هردودست‌رااز بیخ قطع کند !اماهیچگونه اعتمادی به‌نیرومندی وپیروزی خود نداشت .اواز روبروشدن با دشمن درمیدان کارزار میهراسید‌ازتوقف‌دریك جامیترسید وناگزیر بود مانند مرغ آشیان‌گم کرده ،هرطرف پرواز کند.از «اولنگ‌سرتاغ» به‌دشت (ساقیلمان) گذشت درینجا نیزدسته ای‌از سپاهیان خویش رااز دست داده به (نره‌تاغ) آمدوچنین سنجید که‌حصار مستحکم (اوغروق) رابخاطر مقابله باهر احتمالی‌در تصرف خودنگهدارد .اماخیلی‌زود ازین‌تصمیم خود برگشت وحصار راقابل اعتماد ندانست وسرانجام خودرا به قصبه (میمنه) رسانید

فصل ششم

حامیان میرزا یادگار بانهایت مهارت و استادی کاررابه پیش میبردند .پاینده‌سلطان بیگم- یکی ازشاهدخت های معتبر، براساس تشویش ورهنمونی اشخاصی چون‌امیر فرید الدین برلاس ازمنزل خودواقع درخارج ازشهر هرات ،به‌شهر وارد شد وباز خود ساختن متنفذین پایتخت بیك‌ها وعاملان خائن ،فورا برادر زاده خودرا بحیث سلطان خراسان‌اعلان کرد .ازفراز دژهای پایتخت (شادیانه) نواخته شداو دستور داد تاخطبه نیزبنام میرزا یادگار خوانده شود میرزا یادگار بسرعت وشتاب‌از ولایت (طوس) حرکت کرد .

عامه مردم که‌هرگز ازسلاطین روی‌نیکی ندیده وباتبدل پیهم‌آنان کاملاعادی شده‌بودند ،دربرابر این رویداد هابی اعتنا باقی ماندند اشراف واعیان شهر برای اینکه خویشتن‌را به‌سلطان نومقرب سازند وبه آرزوی اینکه شاید تیول (۱) نونصیب شان .

گردد چهار چشم درراه انتظاراو نشستند... بالاخره لباس های فاخر اطلس وکمخاب دربر نموده سوار براسب‌های راهوار بفاصله‌یك فرسنگ ازهرات‌به‌پیشوازمیرزا یادگاربرآمدند دربرابر سلطان‌جوان نه‌بار خم‌شده‌رسم‌تعظیم بجا آوردند ودامنش رابوسیدند میرزایادگار پس ازمراسم دعاوتشریفات پرشکوه درساعت (سعد) وارد هرات شده در(باغ زاغان) برتخت نشست

میرزا یادگار هیچگونه معلوماتی درباره اداره امور مملکت نداشت ونمیخواست درین زمینه چیزی بیاموزد .شهزاده فرورفته‌درخود ازین که‌دشمن اوحسین بایقرا درکجا ست‌وچه میکند وچه تصمیمی دارد کمترین تشویشی‌در خودراه نمیداد (باغزاغان) پراز دختران‌زیبا شد ومحافل عیش ونوش‌اوج گرفت

امور دولت راپاینده سلطان بیگم انجام میداد .طبعا دلسوزی این خانم بخاطر برادر زاداش باآرزوی اوبرای فزودن به‌حیثیت‌در اعتبار خودش‌پیوند ناگستنی داشت اوچنین می‌پنداشت که‌حقیقتا به‌آرمان خود رسیده‌است وبه صفت زن«خرد مند»و(کار آزموده)شهرت یافته بود. علاوالدین مشهدی وشعرای‌دیگری بسویه اوچکامه های درستایش اوسرودنداما پاینده سلطان بیگم موفق نشد به‌غرورو خود سری های سرکردگان ترکمن خاتمه دهدبر عکس‌ناگزیر بود .باآنان راه سازش درپیش گیرد ،زیرا تمام نیروی جنگی دراختیار آنان قرار داشت. همچنان‌آنها بودند که‌میرزایادگار رابه‌قدرت رسانیدند ومیبایستی دربرابررقبا نیز حمایتش کنند امااین سرکردگان به‌به‌سو استفاده ازموقعیت وصلاحیت خود آغازنمودند. درهرت دماحول ،آن‌خود سری وبی‌بندوباری فزونی یافت ،مردم تحت فشار شدید قرار گرفتند .

* * *

درین روزهای دشوار وپراز التهابی که‌بر هرات آمدسلطانمراد تقریبا ازمدرسه بیرون نرفت درمیان دیوارهای سنگی مدرسه بزرگ که‌نظیر حصاری عظیم دامن گسترده‌بود درکنج حجره کوچك نیمه تاریك شب وروز به‌مطالعه اشتغال داشت .گاهی دوست‌او زین الدین اطلاعات نوینی باخود می آورد دانشمندجوان باتاثر آنها را می‌شنید وآشو بگرانی‌راکه‌مایه

انهمه اضطراب ونامنی کشور بودند نفرین میگفت وبی‌اختیار درباره‌عواقب وخیم‌حوادثی که‌روی میداد می‌اندیشید این وقایع درنظرش بمشابه امری مقدور نیرویی غیر قابل تردید

جلوه میکرد وچون خویشتن رازا توجیه‌مسیر آن درجهت مطلوب ناتوان میدید درآتش درد واندوه خویش میگذاشت وباز هم درلابلای

کتابهای گرد آلوده فرو میرفت .

شامگهان روز سوم ورود پرشکوه میرزا

یادگار درپایتخت بودسلطان‌مراد تنهاوغمگین درپای شمع می نشست صدا هایی‌که‌پیوسته

بردیوار های مدرسه بزرگ پراز طاق ورواق انعکاس میکرد، بخاموشی گرائیده سکوت‌سنگین

وباعظمتی درهمه جاحکمروایی داشت .طلاب به‌عزم تماشای جشن پرشکوهی که‌بافتخار سلطان جوان برپا گردیده‌بود ازمدرسه بیرون رفته بودند .

علاوالدین مشهدی باچشمان نیمه بازبی- موازنه وارد شد وسلطانمراد را دعوت‌کردتا باوی نزدتوغان بیك‌برود. سلطانمراد به‌بهانه اینکه مشغولیت زیاد دارد از رفتن باوی معذرت خواست .

-درین شهر کسانی راهم دیده‌ام که‌از افراط درمطالعه کار شان به جنون کشیده است. علاوالدین‌باناراضامندی ادامه دادآیامصیبتی‌بدتر ازین وجود داردکه انسان بامید تقویه عقل‌از خردبیگانه گردد ؟بیامرا همراهی کن :

سلطانمراد باوضعی گرفته جواب داد:

-همین کتابها مایه تسلی من اند ورنه قطعا از مشاهده مصائبی که برکشور آمده است دیوانه میشدم .

-جای برای شکوه وشکایت‌وجودندارد،این چرخ کهن هرروز برنگی میگردد فرصت را مغتنم بشمار وبکوش تا دقایق زندگی‌رابه خشنودی‌سپری کنی .بدون تردید ،توغان‌بیك زنگ کدورت‌ازدلهای‌ماخواهد زدود.درین‌روز هاطالع اوگل کرده است ...

-چطور؟ -سلطانمراد اظهار علاقه‌کرد.

علاوالدین مشهدی مغرورانه جواب‌داد:

-مگر اطلاع نداری ؟توغان‌بیك‌درزمره قهرمانان دوره میرزا یادگار درآمده است !

بقیه در صفحه ۶۲

(۱) تیول زمینی بودکه سابقا ازطرف سلاطین ویادولت به‌اشخاص بمنظور بهره برداری داده میشد م

(بقیه صفحه ۵۶)

معالجه‌امراض گوناگون

بلی طوریکه قبلا یاد آور شدیم (دریای حیاتی) درینجا عبارت از حباب ها یسست که تامین کردن خون را مهیا می سازد.

درشرایط عادی دور کردن ترومپ (لخته کوچك خون) ازشا رگ‌خواب یك عملیات سه مرحله ئی مشکل بوده وچندین ساعت‌رادر برمی‌گیرد درمرحله اول یك کار بسیار ظریف صورت می گیرد درشاه رگ مذکور یك ترتیبات کوچك رامی دوزند بدین ترتیب خون باید به عضلات مغز ازراه این ترتیبات علاوگی‌جریان پیدا کند ودر اثنایکه شرائین اصلی راقطع می نمایند وترومپ رادور می کنند باید مقاطعه خون صورت

نگیرد دورکردن تروپ مرحله دوم عملیات فوق‌الذکر راتشکیل میدهد در مرحله سوم ترتیبات علاوگی را که درمرحله‌دوخته بودندجدا سازند در محفظه های فشاری داکتر جراح با اطمینان کامل شاه رگ خواب راقطع کرده واز نرسیدن اکسیجن بمغز سر هیچ ترس ندارد تمام این عملیات به کمك محفظه های فشاری‌درظرف ۳۰دقیقه صورت می‌گیرد ودر قلب باز شده اجرا عملیات بسیار ساده می باشد جراحان موجوده به نسبتی عجله می‌نماید که خونی را که‌پمپ ها بجریان درمی آورد برای مدت دوام داری زنده نمی ماند درشرایط‌محفظه فشار سنج می توان زنان خاموش زیاد ساخت.

این موضوع مهم دیگر راشما در نزد خویش مجسم بسازید: نظربه رسیدن آلارم خطر بسوی یك‌حادثه وواقعه دلخراش‌هلیکوپتر امبولانس‌ باداشتن محفظه فشار پرواز می‌کند درانصورت کمك های‌اولیه برای اشخاص مریض وقربانی حادثات ناگوار تاچه اندازه موثر خواهد بود.



گوشه یی از جشن قالین در کشور

درنه‌ولایت کشور .....۵ به

از گ سر آب

*** در ۲۳ مملکت آسیایی،اروپایی امریکایی و افریقا مارکیت ها ی فروش قالین افغانی وجود دارد .**

*** ۲۶۳۲۵۶ متر مربع قالین درنیمهٔ اول امسال به خارج صادر گردیده است .**

*** مزیت قالین های کشور ما، درمارکیت های بین المللی ، تو جهٔ ممالك مختلف جهان را جلب کرده‌است .**

*** برای انکشاف صنعت‌قالین‌پروگرام های وسیعی طرح گردید ه است .**

کلکان هنر آفرین قالین بافان افغانی ، باعث گردیده تا شهرت ومجبوریت قالین های افغانی ، بدور دست ترین نقاط دنیا برسد واین صنعت ملی قلم درشت صادراتی کشور را ،تشکیل بدهد .

همین اکنون درنه ولایت کشور در حدود پنجصد هزار نفر بصورت مستقیم و غیر مستقیم به صنعت قالین اشتغال دارند و قالین های ساخت دست های هنر مند شان به سویس ، آلمان غرب ،انگلستان یتالیا ،هالیند ،امریکا ، دنمارك ، بلژیك ، اتریش ، سویدن ، فنلند بیروت ، جده ، جاپان ، فرانسه کانادا ، هند ، پاکستان ،ایران ، نیوزیلاند ، ناروی ، بنکاك‌وافریقا مستقیماً صادر می گردد .

ظرافت قالین های هرات و بادغیس ، استحکام قالین ها ی فاریاب وبلخ و مقدار تولید قالین در ولایات جوزجان ، بلخ ، فاریاب وکندز حایز اهمیت می باشد .

قالین ها ی‌موری هرات‌وبادغیس وقالین های آلتی بو لکی‌وآقچه‌یی در مارکیت های جهانی شهرت خوبی کسب کرده است .

بناغلی خان محمد رئیس اتحادیهٔ صادر کنندگان قالین در پاسخ سوالی راجع به مزیت قالین های افغانی نسبت به سایر ممالك در مارکیت های بین المللی گفت :

– قالین های کشور ما دارای خصوصیات و مزیت های خاصی می باشندکه ازهمین سبب‌محبوبیت جهانی کسب کرده‌اند ، از جمله دست بافی استفاده‌ازپشم خالص پختگی رنگ، دوام زیاد قالینهای افغانی نسبت قالین های بعضی ممالك‌دیگرچشمگیر است وتوجه اکثر خارجیان را به خود جلب کرده است .

با وجود آن ، اتحادیه قالین برای بهبود کیفیت قالین وانکشاف صادرات آن پروگرام های خاصی را تنظیم کرده که از جمله سورت وعدل بندی ، کنترول قالین های صادراتی ، دایر ساختن نمایشگاه ها ، برگذاری جشن قالین وتوزیع مدال ها وجوایز برای مولدین را می توان نام برد .

وی افزود :

– همچنان تبلیغات جهانی ،نشر پامفلیت های مصور به السنه خارجی و اشتراك در نمایشگاه‌های بین المللی ، از اقدامات دیگرماست که باعث صعود قیم وتزئیدصادرات آن شده است .

می پرسم :

صادرات قالین افغانی به خارج سالانه به چه پیمانه می رسد ؟ رئیس اتحادیهٔ قالین درین مورد می گوید :

– مقدار صادرات قالین بخارج هر سال در تغییراست، مثلادرسال ۱۳۵۰ در حدود (۴۵۸۴۴۱) متر مربع قالین از طریق گمرکات مربوط صادر گردید واین رقم در سال ۱۳۵۱ به (۵۰۹۱۸۰) متر مربع و در سال ۱۳۵۲ به (۴۵۳۲۵۶) متر مربع رسید .

درنیمهٔ اول امسال (۲۶۳۲۵۶) متر مربع قالین توسط تجارافغانی‌به مارکیت های جهان صادر و عرضه شده است .

از رئیس اتحادیهٔ قالین می خواهم تاکمی پیرامون نقش این اتحادیه و اعضای آن روشنی‌اندازد.

وی میگوید :

ـ مطابق به اساسنامه این اتحادیه فعالیت در راه اصلاح و انکشا ف صنعت اصیل قالین افغانی وتوسعهٔ بازار یابی آن در جهان،از وظا یف اتحا دیه صادر کنندگان قالین می باشد .

این اتحادیه که یك موسسه‌غیر انتفاعی بوده ، از طرف تجـار و موسسات صادر کننده قالین بمیان آمده سه نفر نمایندگـان وزارت تجارت ، پښتنئی تجارتی بانـك و بانك ملی ونوزده نفر تجار ، هیات مدیرهٔ این موسسه را تشکیل مـی کنند .

ښاغلی خان محمد می افزاید :

ـ به تأسی از اهداف اقتصادی دولت جمهوری افغا نستان ایـن اتحادیه توانسته است ، تا درساحهٔ انکشاف صادرات و اصلاح‌جنسیت قالین های‌افغانی نقش بارزی‌بگیرد. چنانچهٔ نتیجهٔ فعالیت های آ ن برای بهبود کیفیت وتزییدصادرات وتوسعه مارکیت های تجارتـی و بالاخره صعود قیم قالین درخار ج همین حالا محسوس است .

آخرین پرسشم را پیرا مـو ن سابقهٔ صادرات قـالین ، با رئیس اتحادیه قالین مطرح می کنم ، که وی در پاسخ آن میگوید :

ـ قالین افغانی بحیث یك پدیدهٔ ظریف و مملو از آفریده هـا ی هنری ، محصول انگشتان هنر مند بافندگان کشور ، از سـالـهـای متمادی به اینسو ، در تـجار ت خارجی افغانستان نقش بـارز ی داشته است ،اما صادرات آن‌باتوجه به تکامل اقتصادی و ارتباط تجارت افغانستان باجهان خارج متـفـاوت بوده است .

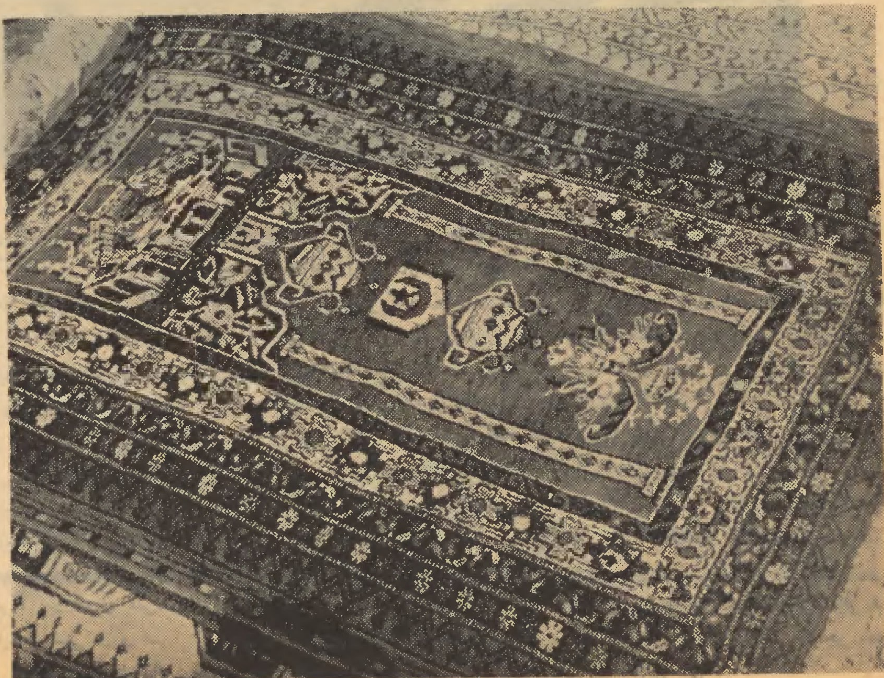


این چهره‌ها ظریفترین محصو ل افغانی را عرضه میکند .

...ه صنعت قالین اشتغال دارند

در سال های قبل از جنگ‌جها نی دوم ، تجارت قالین افغانی در حلقهٔ محدودی از کشور های همسایـه محدود بود .

اما در حال حاضر خو شبختا نهٔ قالین افغانستان به وسیع تریـن مارکیت های اروپا،امریکا ،آسترلیا افریقا وآسیا راه یافـتـه است و شهرت آن‌ها روز بروز در جهـان بیشتر می گردد .



قالین افغانی زیبایی خیره کننده‌یی دارد

د۲۳ مخ پاتی

سپین گل...

خبره‌به یی‌کړی وی‌یانه چی‌دبدو به‌ساعت‌همدا باغوان (انارگل) اودخان‌مشرزوی پری راننوتی دی‌دوی چی داحال لیدلی دی‌خپله‌وضعه‌یی‌نه‌ده بدله کړی او دپخواپه شان یی‌له سپین‌گـل سره خبری بلی خواته بیولی دی نجلی‌هـم ددوی په رانګ سره زرپه انګړ‌ننوتی‌ده.
خوچی شپه شوی خان اونور زامن یی‌راټول شوی نومشر زوی یی‌ورته داکیسه کـړی‌ده، خپلی لورته به‌یی څه‌ویلی‌وی‌یانه‌خوزموږ په کاسه بی‌خاوری کړی ۰ ۰۰۰
دوی یخپل منځ‌کی مصلحت کړی‌وچی‌په‌هر‌رنګه وی‌سپین‌گل‌به‌په‌دی‌چی زموږله‌لورسره‌یی‌خبری کړیدی له منځه وړو . خیر خوله دی‌خبری‌خو میاشتی‌تیری شوی‌دخان اوکورنی وضعه‌یی‌له‌موږ سره هیڅ بدله‌نه‌شو اوله پخوایی لازیات‌بنه وضعیت راسره ګاوه ترڅو چی‌په همدغه‌مازیگر سپین گل‌له‌موږ‌بوته لومړی‌یی په‌خپلوبزګرانو پسی لیږلی وبیایی ورته ویلی ووچی کوزی زوندی ته‌په‌ژرنده کړی پسی لاړشه دی‌خوارچی زرندی ته‌ورننوتی دی‌نو سملاسی ورپسی‌دخان نوکران اوزامن ننوتی دی‌اودی‌خواریی لومړی زندی‌کړی بیایی په‌چړووهلی او مړی یی‌ورته په‌جرګی غوزار کړی ونوانارګل ته‌دغه کیسه بوله خرګنده‌وه‌هندیی‌حکومتی‌مامورانو ته‌گرووه مامورانو چی دانار گل خبری اوریدلی‌وی او ورسره ورته دخان په‌دی معامله‌کی دتګ راتګ نه هم دا اشتباه پیدا شوی وه ، چی خه خبره خوشته ؟ خوچی انارگـل ورته دا کیسه کړی وه ، نویی پدی خبره یقین‌لاپوخ شوی وه نو همافه وه چی خان ، زامن اوپه گوته شوی نو کران یی ټول حکومت ته را وغوښتل ، اود لږ تحقیق په پای‌کـی ټولو دسپین‌گل په وژلو اقرار وکړ ،بیایی نودوی بندیان کړل ، او هغه خواران چی‌په ناحقـه زندانی کړی وو ، بیرته خوشی کړل .
بله خبره درته وکړم ، ټاپوښتنه ونه‌کړه چی خان ولی دبازگل زامن دسپین په‌وژلو ونیول ؟ ماورته کړل : بنه، بابا ،نوداهلکان بی‌ولی بنودلی وو ؟
داخو داسی خبره وه ، چی‌په کوز کلی کی دخان خمکی دی ، هلته کومه ورځ دخان دکروندو په پوله ددی هلکانو مورغوا پیولة چی‌دخان منځوی زوی پر برابر شوی ، اودی بنځی ته‌یی کنځلی سپکی سپوری ویلی دی، اودبنځی اوهلك تر منځه شور پیدا شوی، بدی‌کی‌دبازگل کوم زوی راغلی،اودخان زوی یی‌کوم سوك ځپیره وهلی دی ، نو پدی‌دول خان‌دوی ته په غضب ؤ، چی کله به‌یی پسه دام‌کی کیباه‌ی .هغوو چی دسپین‌گل دوژلو په‌ناحقه توریی تورن کړل .
دخان په بندی کیدو سره یی بنځی‌زموږ کاکه‌ملتك له خپله کوره بهر وغوږخول،او له‌خپل کلی یی وشړلو . موږ هم‌دی کلی‌ته راغلو . اوس نـو دخپلـی شپی او ورځـی گوزاری لپاره زه‌لوکوم اودا بوږی اوگل‌خانگه راپسی وږی ټولوی . بابك می په‌کلی‌کی‌له چاسره مزدور کړی دی . او زه دادی په دی کړاوونو اخته یم .
ماچی دسپین بزیری ټوله کیسه له سرنه ترپایه پوری واوریدله ، نومی ورنـه اجـازه واخیسته او بښنه می تری و غوښته او ورته می وویل :
— بابا ! له لونه می وکښلی معافی درنه غواړم ، خدای‌دی چاره وکـړه : چی ددغـو ربړونو خلاص شی .
خپل خادر می‌وخانډه اوپه اوږومی‌واچاوه اوله دوی څخه راروان شوم .

(بقیه صفحه ۴۹)

نخستین جعبه اسرار آمیز

وبخش سوم تحقیقات علمی درهده مربوط بدوره کار باستان شنا سان مدیریت عمومی باستان شنا سی وزارت اطلاعات و کلتور است.که از سال ۱۳۴۵ شروع شده و هنوزهم ادامه دارد .

هیئات افغانی درتپهٔ شتربه‌کاوش های علمی پر داخته اند و آثاری که ازین محل کشف گردیده، از بهترین آثار تاریخی مکشوفه درآسیای مرکزی است .

مکاتب هنری هده :

داکتر طرزی پیرامون مکاتب‌هنری هده میگوید :

اما در جریان حفریات هیئات‌علمی افغانی ثابت شد، که در هده یک مکتب هنری خاصی و جود دارد ،که آثار را خود هنر مندان هده، از گل میساختند .

ظرافت کار و مهارت هنر مندان هده ، درسایر نقاط دنیا کمتر دیده شده و از بهترین آثار هنری‌باستانی به شمار می رود .

وی علاوه میکند :

— یك قسمت آثار مهمی که ازهده کشف گردیده ، غیر منقول است و اطراف ستوپه ها را ، رواق های مستحکمی احاطه کرده است. در اطراف این معبد ، حجره های زیادی نیز تا حال کشف‌گردیده که‌دارای ساختمان های خاصی می باشد .

رواق های که در معبد هده،تاحال در جریان حفریات کشف شده، به سی رواق مزین و منقو ش میرسد.

داکتر زمریالی طرزی در آخر این گفتگو راجع به ارزش آثار هده میگوید :

— مطالعه آثار هده ، این موضوع را می رساند ، که هنر مندان این منطقه همان قدرت و مهارت راداشته



— در حفریات هیئات فرانسوی آثاریکه بدست آمد ، از مواد «یستوکی» ساخته شده بود، که شامل چونه و براده مر مر است .

بعد ها با تحقیقات بیشتر و با مقایسه آثار مکشوفهٔ هده با«تکسیلا» معلوم شد که در هده دو مکتب‌هنری وجود داشته که یکی مربوط به سنگتراشان شسیت و دیگر از هیکل تراشان ستوك است .

در خود محل ترمیم و حفظ شده است ، مطالعه این آثار نشان‌میدهد، که منشاء کار هنر مندان هده راگل تشکیل میداد و بر روی آن ازاکسید سیماب وطلا استفاده می کرده‌اند.

پرسش دیگرم از مدیر عمومی باستانشناسی در باره معبدمکشوفهٔ هده است . او میگوید:

— معبد تپهٔ شتر دارای یك‌ستوپهٔ مرکزی و۳۳ ستوپهٔ فرعی است و اند، که هنر مندان دوره رسا نس ایتالیا ازآن بر خور دار بودند .

بر رسی آثار هده ، قسمت های تاریك مکاتب هنری و هیکل تراشی سده های دوز تاریخ را روشن می سازد ، که تا قرن دوم میرسد .

درشماره آینده گزارش‌اختصاصی ما را پیرامون نه گنبد بلخ باستان که از نخستین آثار اسلامی بشمار می آید ، مطالعه خواهید کرد .

بقیه صفحه ۴۰

احمد ضیا خواننده

توانسته ام بصورت علمی و فنی به آنها دسترسی پیداکنم .

احمد ضیاء در مورد هنر موسیقی در کشور گفت :

احمد ضیاء در مورد هنر موسیقی در کشور گفت :

سر زمین باستانی و هنر آ فرین ما با داشتن کو ههای شا مخ، دره های سر سبز، آبشار های فراوان، مناظر زیبای طبیعی و زیبا رویان پاك دامن درطی سالیان متمادی الهام بخش هنر مندان ما در رشته های شعر ، ادب ، موسیقی ، مجسمه سازی ، نقاشی و غیره بوده است که از هر رشته این هنر ها گنجینه های با ارزش ملی و ثقافی هم اکنون در اختیار داریم ، ازین رو گفته میتوانم جوانان و هنر مندان ما باخصوصیت ذاتی یی که دارند ، توانسته اند تا جایی گا مهای جد و جهد خود را برای حصول هنر خصو صا موسیقی بردارند . و لی متاسفانه در دهٔ اخیر همانطوریکه اهمال در ساحات مختلفهٔ مملکت ما از طرف موسسات مسؤل رخ داده بود، به به موسیقی نیز توجهی نمی شد . یکتعداد جوا نان وعلاقه مندانی که درین رشته ذوق داشتند هر کدا م با بسا مشکلات و شرایط نا مساعد رو برو بودند. اکنون نظا م جدید جمهوری جوان ماسعی میکند مانند سایر کارهائیکه برای رفاه مردم ماست به هنرموسیقی ودیگر هنر ها نیز زمینه های بهتری رامهیا کند تا هنر مندان بتوانند به فعالیتهای هنری خویش ادامه دهند. چنانچه جوایز مطبو عاتی شا هد این مدعاست .

مو صوف در مورد اصالت هنر گفت :

در نظر من اصالت و نجابت یك هنرمند در اجتماع خیلی ضرو ریست زیرا هنر مندان تیاتر ، سینما ، موسیقی و غیره هر کدام کوشش میکند چیزی را از اجتماع بگیرند وبطور سچه واپس برای اجتماع تقدیم کنند و هنر را برای مرد مش عرضه بدارند .

درین صورت لازم است که هنر مندان ما با اصالت‌هنری‌وافغانی که‌دارند نمونه‌اخلاق پسندیده‌انسانی باشند بخاطر آنکه هنرمندان بیشتر مورد علاقه بوده اند و تعداد زیا دی میخواهند با هنر مندان آشنا شوند واز خصو صیات آنها با خبر باشند .

احمد ضیاء در پاسخ این سوال که آیا در آینده بحیث یك‌هنر مند شناخته خواهد شد گفت :

البته در مقابل عزم متین استعداد وپشت کار بودن اشکالی نیست که انسان به آنچه میخواهد برسد .واین یکی از آرزو ها و آر مانهای دیرینه ام بود و میباشد .

از پرو گرا م های رادیو یاد آور گردید :

پروگرا م موسیقی رادیوافغانستان توانسته است خدمتی را درین‌اواخر برای مردم خود انجا م دهد از جمله پرو گرا م« موسیقی برای هر ذوق» آهنگها و نغمه های مختلفه را به سمع شنو ند گان خود میرساند که اسباب خوشی را فراهم میسازد .

در اخیر گفت :

قبل ازانکه برادیو افغانستان‌آواز بخوانم در چندین کنسرت ها در لیسه نعمان ، جمنازیوم انستیتوت پولیتخنیك و ادیتوریم پو هنتون کابل حصه گرفته ام . هم چنین در نخستین جشن پر افتخار جمهوری شبانه به کمپ پو هنتون کنسرتی که ازطرف جوانان باذوق پو هنتون کابل صورت گرفته بود اشتراك ورزیده بودم ، در خلال آن شبهای خجسته بهمراهی آرکستر آ ماتور آ مریت موسیقی به کمپ حربی پو هنتو ن نیز کنسرت داده ام .

بقیه صفحه ۱۵

خانواده‌ای در گیر ودار توفان

به کمك دیگران نمود . من تا اکنون از جر آت او فخر می کنم ولی‌تااکنون حال نسبت به او متاثر شدم .

کمی بعد تر موتر های امبو لا نس رسید و زخمی ها را حمل نمودند .

سه نفردر رستو ران کشته شده بودند یکی از آنها همان موتر وان چاق که نزدیك میز ما نشسته بود، ویك نفر دیگر چند میل دور تر هنگا میکه اتا قش از شدت تو فان در هم کو بیده شده بود، جان‌سپرده بود، هفت لاری و ۱۴ موتر بکلی از کار افتاده بود، در طول جریان که این توفان به درازای ۱۰۰۰ فت ساخته بود هزاران درخت از ریشه بر آمده بود .

بعد تر دانستم که چرا زیرا گرد باد در حین حرکت یك فضای کیف مانندی می سازد که قدر ت کشش آن به صورت نا باوری زیاد است . تعمیر ها مانند قطی گو گرد در هم کو بیده شده بودند ، پل ها،لکومو تیف ها مانند اسباب بازی اطفال بهوا پریده بود .

همچنانکه بسوی‌تپه های مجا ور می راندم از دیدن منظره‌ی بیرو ن شگفت زده شد م . آنجا، فقط کمی دور تر همه چیزی ای بوده آفتاب می در خشید ، بر گ های سبز درخت ها زیر نور طلایی رنگ آن ، بوسیله نسیم ملایم تکان می خورد. اطفال بحالت عادی مشغول توب‌بازی بودند و زنها برای خرید بیرو ن برآمده بودند .

در شفا خانه ، در اتاق عا جل مشعله ای بر پا بود ، دیگر جایی‌برای بستره نبود لذا اتاق کافتریا را باز کردند و فرد ودیگر زخمی ها با سرعت مورد توجه قرار می گرفتند، گروهی از دکتوران و نرس هابه شدت روی فرد کار میکردندو اوپس از سه ساعت بهوش آمد. ز خمش سصد کوك خورد .

در اتاق زنانه به آیینه نگاه کردم. باورم نمی شد که من هستم .لباسم باخون و چرك آ لوده شده بود.موی هایم پر از گل و روغن بود سللن بهتر معلوم نمی شد .

ولی بزودی دکتور ها و نرس ها بمارسیدگی‌کردند و پانسمان‌نمودند. بعدتر از اینکه طفلك کوچك نجات یافته بود بسیار خوش شد م. روز دیگر به بچه ها تلفون کردم و واقعه را گفتم موتر ما به شدت در هم کوبیده شده بود . فرد برای ده روز به شفاخانه ماند و بعد به کار باز گشت .

زندگی عادی بار دیگر آغاز یافت ولی من هرگز این لحظات رافراموش نمی کنم .

(بقیه صفحه ۸)

موسسه آزادی

این پیروزی‌موسسه آزادی‌فلسطین در حقیقت خیلی ها در خور ار زش واطمینان است . چه بدینوسیله نخست از همه زمینه آن مساعد خواهد شد تا مطابق پلان قبلی یك حکومت جلای وطن‌آن‌موسسه‌تاسیس گردد. غالبا این‌حکومت در طرابلس متمرکز خواهد بود چه ر هبر لیبیا قبلا موافقت خود را برای پذیرفتن مرکز این حکومت درلیبیا ابرا ز داشته است .

وقتی حکومت جلای وطن خود را ساختند آنگاه فعالیت های آ زادی خواهی شان در داخل یك نظم و ترتیب دنبال میشود و علاو تا این حکومت آواز خودرا به جوامع بین‌- المللی و تمام کشور های‌صلحدوست وآزادی خواه جهان به نمایندگی از یك‌کتله آواره وخانه‌بدوش رسانیده از معاونتهای جاری و معنوی شان برخور دار خواهد شد .

بدون شك شنا ختن موسسه‌آزادی فلسطین بحیث‌نماینده‌کا مل‌فلسطینی ها از جانب تمام سران عربی ودعوت نماینده آن موسسه برای شرکت در اجلاسیه مجمع عمومی تاثیر عمیقی بر روحیه اسرائیل و طر فداران گذاشته است چنانچه اسرائیل به تعقیب فیصله کنفرانس رباط عکس‌ـ العمل خود را درباره آن تبارز داده ووزیر اطلاعات اسرائیل گفته است که تصویب کنفرانس رباط معنی تشکیل یك دولت فلسطین رادرغرب رود اردن دارد و اسرائیل با این پلان مخالف میباشد .

ولی اسرائیل فرا موش کرده است که فلسطین یك واقعیت بوده ودر آینده هم بحیث چنین واقعیت هست و دوام زندگی خود را پیش خواهد برد چه پایه های استعمار ، توسعه طلبی و صهیو نیزم هرروز ضعیف و ضعیف تر شده میرود ودر نتیجه فلسطینی ها موقفو موقعیت خود را تثبیت خواهند کرد .

بقیه صفحه ۵۷

علیشیر نوائی

سلطانمراد علاقمند شدتابرقایغ روزازنزدیك آشنایی پیداکند مخصوصا ازین رهگذر که‌در طرفداری نوایی ازحسین، بایقرا کوچکترین تردیدی نداشت لذاخیلی مایل بودتاازوضعیت وموقف سلطا سابق مطلع شود،اوبامیدکسب معلومات ازجریان گفتگو باتوغان بیك‌ناگهان از جابرخاست وعلاوالدین مشهدی رادچار تعجب ساخت پس برخیز تاگشتی بزنــم وبر گردیم:

کوچه های‌شهر تاریك‌خاموش وخلوت‌ونوعی هراس انگیز بودند .

بااینکه هنوز اوائل شب بود عابرین تك‌تـك بنظر میرسیدند ...

فقط سپاهیان سوار هرلحظه چون طوفان باد بسرعت میگذشت‌گردوخاکی که‌از سم‌ستوران آنها برمیخاست دماغرا اذیت ونفس راخفه میکرد .

سلطان‌مراد باشاره علاوالدین مشهدی خیلی آهسته گام برمیداشت .

آنهارا نزدیك دربردهٔ پیر– نوربابا‌پذیرایی کرد وگفت که‌ترغان بیك‌تاکنون نیامده است· علاوالدین آهی کشید ولحظه ای‌در تاریکــی ساکت ماند وبعد ازآن بدون توجه به‌اعتراض سلطانمراد به برده دستور دادتا مهمانخانــه رابگشاید ،ودست سلطانمراد راگرفته گفت.

– بیاکمی استراحت کنیم ،شاید تــا آنوقت بیك‌جوان هم برسد .

نوربابا درمهمانخانه شمع افروخــت ودر راه گشوده آنها را بداخل رهنمونی کرد .

چون دریچه را گشودند هوای خنك شــب بداخل خانه‌وزید· سلطانمراد متاثر ازآمدن خودابرو درهم کشید ·علاو الدین مشهـــد در صحبت از شعر وشاعران باز کــرد و کوشید اندیشه های دایر به زیبا یــی وغنای زبان نوایی را رد کند· این وضع‌به عصبانیت وهیجان سلطانمراد افزود وناگزیر شد بخاطر قطع زبان علاو الدین حرف بزند او توانست باسانی اثبات نماید که نه‌دهم شاعران معاصر، قافیه پردازانی بیش‌نیستند وگروهی از آنان فقط دنباله روان نا تـوان شعرای بزرگ قدیم اند· علاو الدین برطبق عادت، پس از اظهار چند کلمه تندوتلـخ دادو پس ازسر کشیدن قدح دوم دســت چشمان خودرا بست ،وخاموش ماند بعد از انکه‌نور بابا خوان گسترد وروی آن انواع میوه چید، شاعراندکی شگفت· ا و طــور متصل پسته وبادام می شکست ودرستایش هواوطبیعت «بادغیس» سخن‌میگفت بابرچیده شدن خوان ،سلطانمراد تقاضای بازگشــت نمود درین اثنا صدای حرکت اسپها‌بگوش رسید· علاو الدین مشهدی از خرسنـدی شگفت وسلطانمراد را به نشستــن وادار ساخت لحظه ای بعد توغان بیك با بــی موازنگی ازدروارد‌شد چشمانش از مستـی میدرخشیدند از دیدن مهما نان خوشحــال شد وبه نوربابا دستورداد تا فورا طعــام وشراب بیاورد پیاله هارا پر ساخته بانها تقدیم داشت وخواهش کرد تابنوشنــد .

علاوالدین مشهدی ازهمان قدح اول ،سرشار گردید وتسلسل سخنان خودرا از کــف بـه‌جیب فرو برده قصیده مطولی را کــه‌در مدح پاینده سلطان بیگم سروده بود بیــرون کشیده خواند وآنرا به توغان بیك سپــرد تابه آن «نادرهٔ دوران» تقدیم نماید·

سلطان نمراد ازتو غان بیك پر سیـــــد:

ـشما دربارهٔ ذکاوت ودرك این زن چه عقیده دارید؟

– همه اورا گنجینه خرد میگویند توغان‌بیك باخندهٔ ای زیر کانه‌افزود– چه عجب‌حسنی دارد امامن تاکنون دروی هیچگونه عـلامه‌ای از خردمندی ندیده ام!

علاوالدین مشهدی باسوز تاثر ،واعتـــراض کرد اما ترغان بیك بدون آنکه در پاسخ‌وی چیزی بگوید روی مسایل دیگری حــرف زد

سلطانمراد ازوای دربارهٔ وظیفه کنـونیش وضمنا از وضعیت حسین بایقرا و چگونگی نیرو هایش سوال کرد· توغان بیك راجغ به وظیفه خود همینقدر گفت که «ازمقربان سلطان جوان میباشم» وحالیٌ ساخت کــه وضع حسین بایقرا دشوار است . جوانانش دسته دسته میگریزند، می آیند وبه میرزا یادگار می‌پیوندند ودرآخر صحبت بــا صدای موکد گفت:

(ناتمام)

بقیه صفحه ۴۲

شگوفان شدن استعداد

برآیند .

می پرسم

ـ به‌نظر شما تبارز دادن استعدادواستفاده خوب‌ازاین استعداد درمیان گروه‌های ورزشی چگونه است ؟وورزشکار دررشته که‌برگزیده است چگونه به‌موفقیت خواهد رسید؟

ملیحه‌میگوید:«به‌پیروزی رسیدن‌راجزدرتمرین وعلاقه مندبودن به‌همان‌شغل نمیتوان درچیزی دیگری سراغ کرد.

وورزش‌کار وقتی میتواند دربین مردمش دربین‌جامعه‌اش ودربین گروهش تبارز کنــد که از خود ابتکار عمل داشته باشد.»

نسرین درآین مورد میگوید:

«تشویق‌مقامات مسئول،کف‌زدن ها،هلهله‌های تماشاچی خالی ازتشویق نخواهد بود اگــر ورزشکار دستمزدی ازکارش درنمی یابدویااز طرف معلمین اش تشویق نمی شود سلم‌است که‌کارش روبه رکود می نهد چهره‌اش راغـم می پوشاند واز کارش دلزده میشود.»

می پرسم:

میتوآنید بگوید علت بروز یکسلسله‌عدم همکاری میان‌تیم های مکاتب چیست؟

نسرین میگوید:

«ازآن جائیکه درطول سالهای گذشتــه استعداد های‌زنان درورزش تقریبا نادیده‌گرفته میشد ولی حالاکه رژیم مترقی جمهوری‌دست به‌جنبش همگانی درهمه رشته هازده است بدون شك‌رقابت های‌هم به‌میان میاید که‌اگر این‌رقابت هاسالم وبرای‌بهبودورزش باشددر پیشرفت ورزش طبقه نسوان موثرخواهد بود

ملیحه میگوید

«من گفته‌های نسرین‌جان‌را تائید میکنـم‌و امیدوارم این رقابت هاسطح ورزش مکاتب دختران را بالاببردواگرکشمکش وجدال هـم صورت میگیرداین ازعلاقمندی ورزشکا ران‌و تماشاچیان تیم‌مورد علاقه شان است که باز هم‌درپیشرفت وپیروزی تیم بی آثرنخواهدبود خوب درپایان برای ورزشکاران چه حرفــی دارید بزنید؟

هردو می‌خندندو نسرین میگوید:

ـمهمترین چیزیکه برای ورزشکاران طبقه زن‌لازم است استقامت بردوباری وتوجه بــه پیشرفت ودست یافتن به‌پیروزی های‌آینده است وشکست هرگز پایان کار نیست.

ملیحه من حرفهای نسرین راتائید میکنم وچیزی نمیخواهم به‌آن اضافه کنم واگــر بخواهم حرفی بزنم حتما ازحوصله صفحــه شماخارج خواهد بودو شما بدون شك بـه خاطر محدود بودن‌صفحه زنان ودختران الــرا حذف خواهید کرد که من از این کار خوشم نمی‌آید .

بقیه صفحه ۴۳

اگر میخواهید لکه‌های

استفاده ازاین پودر را تجویز نمی کنند.

برطرف کردن لکه مشروبات :

لکه حاصله از مشروبات ، اعم‌ازمشروبات الکلی ویاغیر الکلی رامیتوان بابکار بــردن «پریرات دوسود» بــرطرف ساخت پریرات مایعی است سفید رنگ شبیه‌به‌اکسیژنه‌منتها قویتر از آن .

احتمالا رایجترین لکه مشروبات ، لکه حاصل از ریختن چای به‌روی لبساس است این لکه را اگر فورا با صابون بشو یـید بکلی پاك‌خواهد شد در غیر این صور تاگر پارچه نخی یاکتانی بود از آب‌لیمو استفاده کرده‌میتوا نید.

اگربخواهید جا کت بافته شده خودرا خراب نکند هر گز درو قت شستن‌آنرا تاب ندهیداورابايد در روی پتنوسی هموار در مقابل آفتاب قرار داد.

اگر میخوا هید رنگ اصل لباس تان از بین‌نرود ،اززود زود شستن آن جلو گیری کنید وهم درووقت‌اطو کشیدن دستمالی راروی آن‌قراردهید که اولا زرد نشود و ثانیـــــا جلاپیدانکند.

بانکنوت ۵۰ افغانیگی به چلند میافتد

وزارت مالیه به تعقیب ابلا غیه قبلــی خویش باطلاع عمو م همو طنان عزیز مــی رساندکه دافغانستا ن بانك علاوه بربانکنوت های هزار افغانیگی صد افغانیگی ، بیست افغانیگی و ده افغانیگی جمهو ریت‌که‌بدروان چلند قرار دارد بانکنو ت نوع پنجاه‌افغانیگی آنراکه ازنگاه رنگ وسایز و دیگرمشخصات بابانکنوت های سابقه متفاو ت بودهو مزین‌به فوتوی‌بنا غلی رئیس دو لت‌و مو سس‌نظام جمهوری میباشد تهیه و عنقریب در پهلوی دیگر بانکنوت هابدروا ن چلند میگذارد.

طوریکه بأطلاع عموم رسانیده شده است عجالتا بانکنو تهای طبع سابق در پهلوی بانکنوت های طبع جدید دارای حکم واحد پولی‌وعین‌قدر ت مبادله میباشد .

موضوع جهت‌آگاهی اطلاع گردید و فوتوی بانکنوت مذکور جهت معلومات بیشتر درجراید کشور نشر میشود .

(اینك مجله ژوندون فوتوی بانکنـــوت متذکره راچاپ کرد.)

بابه دوران گ ذاشتن این‌نوع بانکنوت نیز از هموطنان محتر م تقاضا میشود تابه مقصد عوض نمودن یکنوع نوت به‌نوع‌دیگران به‌بانکها ،شهری خانگه‌هاو‌نمایندگی هامراجعه ننموده ازهر دونوع نوت های جدید وسابق منحیث پول قانونی برای معا ملات دادوستد استفاده نمایند. دافغانستا ن بانك نو تهای جدید را ازطریق پرداخت های یو می‌خویش نظربه احتیاج وضرور ت که‌به مقدار پول‌در اقتصاد احساس میگردد پخش و تو زیع مینماید.



نوت پنجاه افغانیگی جدید دو لت‌جمهوری‌که‌درپهلوی سایر بانکنو ت هاحایز اعتبار پولی میباشد .



نوت پنجاه افغانیگی دو لت جمهوری‌در معرض چلند قرار میگیرد .

فستیوال فلم‌های اتحاد شوروی

فیستوال فلم های اتحاد شو رو ی آغاز گردید

فیستوال فلم های شوروی با نما یش‌فلم مسافرت بناغلی رئیس دو لت و صدرا عظم به‌اتحاد شوروی سا عت شش شب۱۲ عقرب درکابل ننداری آغاز گردید .

درمراسم افتتا ح این فیستوا ل‌که‌بــه اساس پرو گرام همکاری کلتوری بیـــن افغانستان واتحاد شورو ی ازطر ف سوف اکسپورت فلم وافغان فلم برگزار میشـــود بنابدعوت وزارت اطلاعات و کلتور وسفارت کبرای شوروی مقیم کابل پو هاند دکتـــور نوین وزیر اطلاعات و کلتور ، بناغلی‌وحید عبدالله معین سیاسی وزار ت امور خارجه برخی ازصاحب منصبان ارشد اردوی جمهوری ومامورین عالیر تبه ملکی اعضای ا نجمـــن دوستی افغان واتحاد شورو ی ،بر خی‌از روسای کورد یپلو ما تیك مقیم کابل‌واعضای سفارت کبرای اتحاد شوروی اشترا کورزیده بودند.

قبل ازنمایش فلم بنا غلی عبدا لصمد آصفی رئیس افغان فلم وبنا غلی الکساندر نواکر ایشنوف **مستشار وزیـر مختار سفارت** کبرای شوروی بیانیه هایی تعا طی نموده‌و برگزاری فیستوا ل فلم های اتحاد شوروی راقدم دیگری درراه توسعه علایق کلتوری بین دوکشور خواندند .

متعاقبا فلم مسا فر ت بنا غلی ر ئیس دولت‌و صد راعظم در اتحاد شوروی ازطرف مقامات آنکشور بصورت رنگ تهیه‌شده اســت نمایش داده شد .

وهمچنان فلم پیشرفت هـای انکشا فات کیهان نوردی در شورو ی نمایش داد ه شد.

سایر فلم های این فیستوا ل‌که‌بالترتیب درسینما آریانا نمایش داده خواهدشدعبارت ازدوست دارم ،وبخا طر می آورم لاله‌های‌سرخ کناردریاچه نوازندگـان دوره‌گـرد ،دوازده چوکی، فرار عشق شادی بخش وبودنبودپیر مردو پیره زنی بود میباشد .

بقیه صفحه ۲۵

دربزرگترین نبرد

خود را از دست داده بود ونمـــی توانست خودرا حفظ کند .

در روند ششم فور من از گذشته به‌نظر میرسید وبالا خره در رو ند ششم باوارد نمودن چند ضربه‌کاری به‌نفع کلی خاتمه یافت .

در رو ندهفتم فور من کا مـــلا خسته تر ونا توان تربود او در این روند به تمام معنی وضع او لی‌خودرا باخته بود اوبه مشکل میتوا نســت ضربات کلی را دفاع کند و لـــی احاطه کلی با حریف به جدی بـــود که‌فور من دیگر نمیتوانست قدر ت مقابله باکلی را داشته باشد محلات وکاملا نا منظم وغیر اراده بود.

در روند هشتم سر انجام لحظـه تاریخی فرا رسید ، البته فور مـــن چند ضربه به کلی وارد نمود و لی مشخص بود که توان و کشش‌کافی ندارد وکلی باو جود واردشد ن ــ ضربات فور من باز هم تسلطداشت. محمد علی‌کلی باپیروزی مجدد اش بعداز هفت سال دوری ازاین لقب باز قهر مان بو کس جهان گردید.

انیس

ژوندون

مسؤل مدیر :
علی محمد «بریالی»
مهتمم ع.م عثمان زاده
دمسئول مدیر ددفتر تیلفون:۲۶۸۴۹
دمسئول مدیردکور تیلفون: ۲۱۹۶۰
سوچبورد ۲۶۸۵۱
ددفتر ارتباطی تیلفو ن ۱۰
دتوزیع او شکایات مدیریت‌ارتباطی
تیلفون ۵۹
پته: انصاری واټ
داشتراك بیه
په‌باندنیو هیوادو کښی ۲۴دالر
دیوی گڼی‌بیه ۱۳ افغا نی
په‌کابل کښی ۵۰۰ ۱ فغا نی

دولتی مطبعه

مود و فیشن



